

مجله هفتگی شنبه ۲ قوس ۱۳۵۲

شماره ـ ۳۶



سوفیا لورن

در آستانه پیری

رجوع به صفحه ۳۶

رئیس دولت وصدراعظم فرمودند:

افغانستان همیشه یك اصل را تائید کرده و آن عبارت از پشتیبانی آمال ملی برادران پښتون وبلوچ ما میباشد

اخیرا دلیپ موکرجی نماینده تا یمزآف اندیا بافغانستان آمده وجهت انجام مصاحبه ای ازطرف ښاغلی رئیس‌دولت وصدراعظم پذیرفته‌شد.

درآغاز حین پذیرفتن ژورنالست هندی‌ښاغلی رئیس دولت وصدراعظم از دیدن موصوف ومسافرت بافغانستان اظهار خو شی‌کردند. درمقابل ښاغلی موکرجی گفت با پذیرفتن موصوف رئیس دولت افتخار زیادی‌بایشان دادند وبا وجود مشغو لیت های زیادی شان وی راپذیرفتند.

سوال :ـ حکومت جمهوری شما حیات بهتری رابافغانها وعده داده است بادرنظر گرفتن اینکه (۹۰) فیصد نفوس این کشور دردهات بسر میبرند این وعده چگو نه‌عملی شده میتواند ؟

جواب:ـ هرحکومت ونظامی که پیشرفت وطن خود وبلند بردن سویه حیات مردم‌خودرا درنظر دارد وبه‌آن علاقمند است طبعا برا ی رفع مشکلات وبرای آسایش مردم در حدود امکان کوشش میکند وسعی میورزد تاموفقیت هایی درزمینه حاصل نماید .

بهتر ساختن حیات بمعنی اصلی آن‌به شهر یان منحصر نمی ماند بلکه بهبو دحیات حق قاطبه مردم است که‌ملت راتشکیل میدهد والبته بخود شمامعلوم است برای کشور های روبه انکشاف مثل‌ماتطبیق‌وعملی کردن پلان هابرای بهبود وضع زندگی مردم چیز ساده وآسان نیست والبته یك مدتی رابکار دارد تاپلان هایی درزمینه‌طرح‌وتطبیق گردند.

بعد ازروی کارآمدن رژیم جمهوری در افغا نستان مادو وظیفه عمده در پیشر و داشتیم :

اول‌ـ استقرار جمهوریت .

دوم‌ـ توجه به مسایل اقتصادی وبهتر ساختن حال مردم توسط انکشاف‌سا حا ت مختلف اقتصاد .

بارتباط به بهبود حال مردم از ابتداتا امروز مامشغول آنیم که‌به‌چه ترتیب و بچه صورت میتوانیم وعده های خودرا عملی کنیم برای این مقصد مجبوریم پرو گرام های همه جانبه برای انکشاف وطن خود تر تیب نماییم وامروز مصروف آنیم تاچنین پرو گرام وپروژه هایی ترتیب گردد، چنانچه تاکنون به‌همکاری کشور های دوست دراین زمینه کار شده وامیدواریم در ظرف یکی دوسال دیگر عملا درین‌کار پیشتر برویم البته و قتیکه‌همه جانبه گفتیم تمام ساحات در نظر میباشد ازقبیل سرك‌سازی خط آهن زراعت بر ق آبیاری صنایع ومسایلی مربوط به‌انکشافات اجتماعی پرو گرام های منا شاید برای کشور های دیگر بسیار بزرگ نباشد امابرای مردم ماو بهتر ساختن زندگی مردم مادر جریان پنج تاشش سال آینده تصور میکنم خیلی مفید ومثمر ثابت خواهد شد. البته رسیدن باین‌اهدا ف که‌ضرورت وقت وزمان بکار دارد، امید است این اهداف دروقت وزمان بر آورده شود.

سوال :ـ درچند ماه اخیر شماره های مختلف کابل تایمز خبرهایی را نشر کرده که‌درولایت هلمند وبعضی ساحات دیگر کشور زمین برای اشخاص بی زمین توزیع شده‌است . لطفا جناب شان پلان دولت جمهوری رادر حصه توزیع زمین برای‌اشخاص بی‌زمین وکم زمین توضیح فرمایند. من‌حین سفرم به‌شاهراه سالنگ کوچی هارادیدم که از آنجاعازم مناطق‌گرم‌سیر بودند. پلان شما‌در زمینه چیست ؟

جواب:ـ درین قسمت مثلی که پیشتر ازین اظهاراتی ازطرف دولت جمهوری صورت گرفته ریفورم اجتماعی واصلاح‌اراضی‌ازاهداف دولت جمهوریست . پرو گرام وقانون این اصلاحات همین اکنون زیر مطالعه و کار است ودرقدم اول به‌توزیع زمین های دولت برای مردم بی زمین شروع کرده ایم این مسئله نزدما یکی ازپرو گرام های عمده اجتماعیست ، اما اینقدر گفته میتوانیم که‌در افغانستان درساحه ملکیت اراضی تفاوت به حدی نیست مثلیکه دربعضی کشو رهای‌دیگر وجوددارد .

باین سبب ماامیدوار هستیم که‌بزودی این‌موضوع راحل کرده بتوانیم، برای ما مشکل موجوده درزمینه نداشتن احصائیه های دقیق ونقشه های اراضیست مادر پلان های خویش این موضوع را زیر کارگرفته‌ایم .

سوال :ـ افغا نستان براساس تعریفات متداوله ملل متحد یك کشور کمترین انکشاف یافته محسوب میگردد وبدون تردید مستحق کمك است تا بتواند پروبلم هایی را که در اثر اوضاع اقتصاد بین المللی خلق شده‌است حل‌نماید .درعمل چه اندازه کمك اضافی در یافت کرده اید واین کمك اضافی بامشکلات اضافی که در پیش دارید تاچه اندازه مقایسه میگردد ؟.

جواب :ـ درین موضوع شك نیست که بحیث یك کشور در حال انکشاف به کمك ضرورت داریم در این هم شك نیست که از نگاه یك کشور روبه انکشاف خود را مستحق کمك میدانیم لیکن معنی کمك های اضافی که شما افاده کردید درست فهمیده نشد اگر مقصد شما از کمك های اضافی مجموع کمك هایی باشد که افغا نستان از کشورهای دوست گرفته است آن موضوع تفصیل بیشتر بکار دارد که شما میتوانید معلو مات بیشتر درزمینه از وزارت پلان بدست آورید .

سوال :ـ در مورد سر جمع مساعدت هایی که برای افغا نستان میسر است باتماس های که با ښاغلی محترم جلالر وزیر تجارت ښاغلی محترم فروغ معین پلان وهم ښاغلی وحید عبدالله معین سیا سی گرفتم معلو مات لازم در یافت‌نمودم مقصد من در اینجا دریافت نظر جناب شما راجع به منابع جدید کمك مانند مساعدت از ایران عربستان سعودی ، عراق وبانك اسلامی میباشد افغا نستان ازاین منابع چه نوع کمك را توقع دارد ؟.

جواب :ـ همانطور یکه تفاوت ها دربین طبقات دریك جامعه تاثیرات ناگوار دارد همان طور وجود فرق های بزرگ در بین ملل تاثیرات ناگوار میداشته باشد ،باین اساس من فکر میکنم تاوقتیکه در جهان تفاوت های بزرگ در بین سویه زندگی ملل وجود داشته غربت ومرض موجود باشد مشکل است دردنیا آرامی وتفاهم حقیقی تامین شده بتواند .

کمك ومساعدت به کشور های روبه انکشاف بهر طریق دوجانبه باشد یا دسته جمعی من فکر میکنم که باید کشور های پیشرفته ثروتمند این موضوع رادرنظرداشته باشند که یك عدالت نسبی در دنیای ماقایم گردد واین یگانه راهی برای آرامی و آسایش بشر خواهد بود .

سوال :ـ لطفا نظر جناب شان را درباره بانك اسلامی ابراز فرمایند ؟.

جواب :ـ درین شك نیست که تشکیل چنین بانك را به نظر نیك می بینیم واز همه بیشتر مافکر می کنیم که این بانك بیشتر به کشور هایی که به کمك نیاز دارند

(بقیه درص۵۱)

ژوندون

فشرده اخبار کشور



عده ای ازپناه گزینان بلوچ که‌ازشربیدادگری حکو مت پاکستان بـه افغا نستان مهاجرت نموده اند .

(خبر مربوط به مهاجرت پناه گـزینان بلوچ درشمارهٔ قبلی نشر شده بود.)

سفر دگرجنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز به‌هند



درعکس دگر جنرال عبدالکریم مستغنی‌باښاغلی فخرالدین علی‌احمد رئیس جمهورهند دیده میشود .

دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز که درراس یك هیئت بنابر دعوت وزا رت دفاع هند بتاریخ ۱۳ عقرب عازم آ نکشو ر گردیده بود بتاریخ ۲۳ عقرب بو طن‌مواصلت کرد .

درمیدان هوایی بین‌المللی کابل ښاغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری ، جنرال هاوبعضی از صاحب منصبان‌اردوی جمهوری ،ښاغلی سلیمان معاون نشر یـات وزارت امور خارجه ، سفیر کبیر و اعضای سفارت کبرای هند درکابل برای استقبا ل حضور داشتند.

مراجعت‌خارندویان افغانی از هند

دسته یکصدو چارده نفـری پسران و دختران خارندوی تحت ریـاست ښا غلـی محمدنسیم معین دوم وزارت معارف و رئیس دافغانستان خارندوی تولنه بعد از اشتـراك درهفتمین جمهوری هند روز جمعه‌اول قوس وطن مراجعت کرد.

درجمهوری هند که بتاریخ شانزد هـم عقرب دردهلی بر گزار شد یك تعـداد از خارندویان کشور های آسیا یی،امریکایی و اروپایی دعوت شده بودند.

رئیس خارندوی افغانی درختم جمبو ری تحایفی ازپیداوار کشور رابه خارندو یا ن هند اهدا نمود.

همچنان رئیس جمهور هنداعلی تـر یـن مدال خاندوی هند رابه رئیس خارندوی‌افغانی اهدا کرد .

سفارت کبرای ایران روز نظامی آنکشو ر ا تجلیل کرد



تورن جنرال غلام حیدر «رسولی» قوماندان‌قوای مرکز روز نظامی ایران رابه اتـاشه نظامی سفارت کبرای ایران درکابل تبریك‌میگوید .

به‌مناسبت روزنظامی ایران ساعت هفـت‌ونیم شام روز ۲۷ عقرب دعوتی از طر ف اتاشه نظامی آنکشور در هوتل انترکانتی‌ننتل‌ترتیب شده‌بود.

درین دعوت دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه‌دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز، عده ازجنرالها وصاحب منصبان اردوی‌جمهوری‌مامورین عالیرتبه ، بعـضی از اعـضا ی کوردیپلوماتیك مقیم کابل باخانم های شان‌اشتراك نموده بودند.

پیو ند شریان‌در شفاخانه‌وزیر اکبرخان‌مو فقانه‌ا نجام یافت

عملیات پیوند شریان پـای یـك پسر چهارده ساله درسرو یس جراحی‌شفا خانـه وزیر اکبرخان موفقانه‌انجام شد.

یك منبع آن شفاخانه پیرامون این‌عملیات که‌در افغانستان بی سابقه می‌باشد گفـت درحالیکه شریان فخذی‌مریض بطول چها ر سانتی متر دراثر ضربه چاقو قطـع شده و بحالت کوما بسر می برد روز ۲۷ عقرب به شفاخانه توسط اقاربش آوردەشد.

منبع گفت مریض درحالیکه خونریـزی شدید داشت بعداز تدابیر مقدماتی تـوسط وریدسفن پیوند شریان موفقانه صورت‌گرفت که‌فعلا وضع پای مریض بهبود یـا فتـه است.

منبع علاوه کرد مریض سید ابراهیم‌ساکن چهارقلعه کابل میباشد.

ژوندون

شنبه ۲قوس ۱۳۵۳ مطابق۹ ذیقعدة الحرام برابر با ۲۳ نوامبر ۱۹۷۴

امتحانات نهایی شاگردان معارف

هفتهٔ گـذشته امتحانـات نهایـیمکاتب سر دسیر شاگردان معار ف آغاز یافت واینك شاگردان معـارف:رجریان امتحانات نهایی قراردارند.

منظور از امتحانات نهاییمعارفکه ارزیابی فهم آنانرا در بر میگیرد نه تنها ارتقا و بلند بردن یکعده بهعنوف بالاتر است ، بلکه رکـــن اساسی که همهٔ ما به آن بیشترارزشمیدهیم، بالا رفتن وارتقا جستنسویهٔ علمی و فهم ودانش آنها و بالاخرهتقدیم آنها منحیث نسل روشـــن و مستعد به اجتماع می باشد .

آنانیکه در مدت یکسال تعلیـمیبا حوصله مندی وآگاهی از مسؤلیت های خویش آنچه از استادانآموختهاند و بدرستی درك كرده اند، بدون شك در امتحان نهایی که بعد ازیكمدت طولانی تعلیمی اخذ میـگردد ، موفقانه نتیجه مطلوب ونیك بدســتمی آورند ، در غیر آنگذشت یکسال بدون درك ارزش حیاتی و پهلــوگرفتن باسیر خود بخودی ایام،جز نتیجه منفی وتلخ، مفهوم دیگرمتصورنیست .

تلقین این مفهوم که شاگرد فقـط:ر چار چوبه امتحان و بخاطر امتحان درس بخواند ومدتیکسالپرارزششرا به غافل بودن و تنبلی سپــری کرده باشد نه تنها برای خودشـــنتایج منفی دارد ، بلکه اجتماع نیـز ازان متضرر میگردد .

اگر جوانان از این موقع مغتنــموفرصت گرانبها که در طول ســال تعلیمی برایشان میسر استاستفادهنیك کرده نتوانند، از یکطرف وقت گرانبهای شان تلف گردیـــده و ازجانبــی تو جهـا ت و مصار فگزاف که در راه تربیه آنان از طرفمقاماتمربوطه تدارك شده استبهدرمیرود.

سپری کردن یك دوره طولا نـیحیات جهتکسب تعلیم،بادرك نتیجه آن ، مخصوصا دراین دوره حساسزندگی وظیفه جوانان معارف اســت تا آنها به دنباله این امتحاناتتعلیمیدر آزمایشات آینده زندگی موفقانه بدر آیند .

خوشبختانه در روشنیرژیممترقیجمهوریت مانند سایر تو جهات بهی خواهانه آن، اکنون شرایط بهتربرایگسترش امکانات تعلیم و تربیهبرای نسل حال و آینده کشور بو جـودآمده است. همانطوریکه دو لـــت جمهوری در تما م شئون حیاتـــیاجتـمـا ع ، پــلا ن ها ی سودمندی روی دست دارد ، مو ضوع تعلیـــموتربیه نیز هدف عمده آنرا تشکیل داده واز بدو استقرارش در این راهقدم های ار زشمندی بر داشتهاست یقین داریم با تطبیق پلان هایوسیعدولت جمهوری در زمینه تعلیموتربیه تسهیلات بیشتری جهت تحصیـــلبرای جوانان ما میسر گردیده و بــا استفاده از تسهیلات جدید جوانان ماآماده خدمات بیشتری به کشـــور خویش گردند .

اکنون که امتحانات سالانه معارفدوا م دارد ما امید واریم تا جوانــان ما نتایج مفید تری از زحمات یـــكسالهٔ شان بگیرند و آنانیکه دوره دوازده ساله را موفقانه بــه پایـــانرسانیده اند ، برای ادامه تحصیلات عالی آماده شده و هم جوانانیکههنوزدوره مکتب را بپا یان نرسانیده اند، ایا م رخصتی را با تهیه پرو گرا م های منظم وسود مند ، همنواء سازند تا در آینده بتوانند بدون مشکل بهصنوف بالاتر ارتقا نمایند .

مطالب عمده این شماره



آثار کشف شده بلخ شاهد تمدن های قدیم این سر زمین است .



مدد گاران اجتماعی در خدمتمردم



جراحی قرن، عملیات که درست ده ساعت بطول انجامید



قلت مواد غذایی در جهان حیات بشر را تهدید میکند

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

پیوسته بگذشته

نوشتهٔ هبا

درتاریخ اسلام دورهٔ خلافت و زعا مت خلفای راشدین ، درماهیت وطرز کار ونحوهٔ اندیشه های اداری ومردم داری وسایر مسایل وموضوعات متعلق‌بحیات اجتما عی مردم ، غالبا امتداد لاینفکی است از دورهٔ **حیات پیامبر واپسین ویا نخستین شیرازه‌بند** وانسجام بخش حیات کتله ها و جوامع‌بشری ازینرو آنچه ازکارنامه های واقعی حیات اجتماعی وفعالیت بمنظور تحقق بخشید ن بمفاهیم عالی وپر ارج انسانی، اگر خواسته **باشیم در آئین اسلام بیابیم بایست نظری** بران روز گاران بیفگنیم و حقایق را جسته جسته دراعمال وکردار رهبران بزر گوار جهان اسلام بچشم‌مشاهده‌نمائیم ۰

روی این اصل مسلم هرگاه ما مسایل اسلامی رادر پرتو زعامت آن‌زمان ودرفروغ طرز کار واجراآت اداری ورسمی ایکه مورد تطبیق وعمل قرار داده میشد، مورد بحث قرار میدهیم، درواقعیت امر،بحث ما رو ی اصیل ترین مسایل اسلامی صورت میگیردو مانیاز مندآن نخواهیم بود تادر صددتفکیک امور و تعیین جنبه های حق و با طل برائیم ۰

حضرت پیامبر اسلام (ص) که‌آئین‌آسمانی وطرز عقیده وپندارش منهدم کننده کاخ‌های ظلم واستبداد بود در روزگاران واپسین حیاتش فر مو د : ((دو چیز راپس ازخود درمیان شما گذاشتم وتا آنکه بران متمسك باشید ومطابق به‌آن درزندگی عمل نمایید همواره پیروز وسعادتمند خواهیدبود واین دوچیز عبارت از قرآن وروش‌ها ی پیامبر اسلام است»))

حال بر میگردیم‌به تحقیق اینکه این دو عامل تضمین کننده سعادت بشری چه‌راه و روشی رابرای انسانها تعین نموده و چگونه طرز فکر وعملی را برای ایجاد زمینه‌سعادت آور حیات ایشان توصیه و تاکید کر د ه است ۰

قرآن درهمان گیرو دار زندگانی‌نابسامان انسانها، گیرو داریکه آتش سوزندهٔ تبعیض ها وامتیازات وفر مانروایی های جا برانه‌وضد کرامت بلند پایهٔ انسانی افراد بشر را بی رحمانه میسوخت وکتله های بی دفاع‌اولادآدم درتنگنای شرایط ناگوار ناشی از اندیشه‌های خود خواهی وتفر قه‌جویی ونژاد پسندی‌وقوم **پرستی موجودیت خویش را ازدست میدادند،** بسر وقت جهانیان رسید واعلان کرد که بنی نوع بشر از هرقوم وقبیله و نژادی که هستند وتحت هرگونه شرایط ودر هر گوشه وکناری که‌زندگی دارند، خیر اصل تقو ی‌و مبارزه درطریق نیکویی ها، عاملی وجو د ندارد که یکی رابر دیگری برتری وامتیا ز بخشد ویاما یه‌واساس‌تفاخرگردد۰

همچنانیکه متذکر شدیم پیامبر اسلا م از آنجاییکه هیچ نوع پدیده های منافی کرامت انسانی ومناقض بروح و حیثیت‌آدمیت **در آئین ودین وی موجود نبود ۰**

بنابر همین مرام عالی جهانی وانسا نی، پیامبر اسلام (ص) در همان دوران نخست ، ملت عرب رامورد خطاب قرار داده و گفت :

ای مردم عرب شما چنان فکر نکنید که بهترین دیگران هستید وچنان نیندیشید که لغت وزبان عرب وعرب بودن، شمارا نسبت بدیگران ممتاز ومر جح میدار د بلکه شما وهمه انسانهای دیگر در انسانیت یکسان و مساوی هستید و حضرت پیامبر اسلام این هشدار وتنبیه را ازان رو برای أعراب‌فرمود که‌خوب میدانست عربها عرب بودن رابر هر چیز دیگر ترجیح میدهند وخودرا نسبت بدیگران دارای مقام و ار زش ممتا ز ی میشمارند.

پیامبر اسلام مبارزات انقلابی خو یش را بدون جزئی‌ترین هراس وبیم از نخستین کار ونا همواری راه، روبه پیش پیروزمندا نه دنبال کرددر میان دسته های مبارزا تی‌ازان نوع اشخاص وافرادیکه بخاطر داشتن رنگ سیاه در اجتماعات طبقاتی واشرافی آن‌وقت جایی وراهی نداشتند ، نیز جاوموقع داد و آنها رادر وظایف‌بزرگ ومهم گماشت و برای شان نام وعنوان نوینی از مفهوم‌انسا نیت وکرامت بشری وداشتن حق‌زندگی مانند دیگران عطاکرد.

محمد(ص) با آنکه شخص محبوب‌وممتا ز وزمان بود مگر برای تامین سعادت طبقهٔ بزرگتر که‌عبارت کتلهٔ انسان واولاد آدم‌است کمر بست وچون ایشان بااهداف عالی و انسانی اش سر سازش نداشتند همه را گذاشت وبا افرادی چند که درپرتو ایمان وعزم متین وخلل ناپذیر مبارزات انقلا بی شان را دردل اجتماعات پیش بر د ندوپیروز شدند.

مادریکی ازبحث های خویش گفتیم که پیامبر اسلام (ص) این سیاهان رادر وظایف خطیر ومهمی که عبارت از رساندن پیغام دعوت اسلام ازطرف محمد(ص) به‌حکمر وایان غیر اسلامی بود نیز مو ظف می فرمود ونامهٔ دعوت را دردست آنها می سپرد،نامهٔ دعوت آنهایی که از روبرو شدن **با افرادسیاه‌رنگ** داشتند وآن را برخویشتن عاری بزر گ می پنداشتند ۰

زمانی نامه‌ای عنوانی یکی از حکمروایان بزرگ وقت در دست گرو هی از همین **سیاهان سپرده شد تاضمنا آن حکمروا درك** کند که‌آئین محمدی ، آئینی نیست اشرا فی ومتکی به‌نژاد ونسب وتابداند که‌درین آئین جز اصل کرامت وارزش واقعی بشری‌بچیزی دیگر وقعی داده نمیشود ۰

این عده سیاهان مطابق به ماموریتی که داشتند نامه راگرفتند و به‌آن سو رهسپار گردیدند وپس ازطی فاصله ،بدروازه حکم روا رسیدند وتقاضا کردند تا اجازه دخول درحضورحکمروا یابند درنتیجه اجازه داده‌شد بزرگتر ویار هبرآن دسته داخل گردد، همینکه شخص بزرگتر ایشان پیش روی حکمر و ا حاضر شد ونظرش بروی او افتاد با خشم وعتاب به‌دربان صدازد که این چه مو جود نادیدنی وکریه المنظری است که در برابر چشمان من قرارش دادی زود باش واورا از جلو نظرم بدور نما که بیش ازین حوصله دیدن اوراندارم وبرای من چه ننگ و عاری بزرگترازینکه چهره ای باین سیاهی وزشتی دربرابر من قرار بگیرد وبامن حر ف هم بزند ۰

آن سیاه مبارز وباایمان ، لب گشود و گفت هرگاه مسئله رنگ و قیافه و زیبا یی ودر پشت سر من قرار دارند سیاه تر ازمن مطرح باشد پس آنهاییکه بامن آمده ا ند **ولزد شما نادیدنی تراز من میباشد امامساله** رنگ ونژادنیست بلکه آنچه مطرح بحث قرار دارد عبارت است از معیار ارزش های اصولی که اعتبارات وارزندگی های حیاتی بشر روی آن استوار میباشد وما پیغام‌دینی را بتو داریم که جز اصل انسانیت‌نمی‌پسندد واعتبار رنگ ونژاد وامثال آن در اساسات جهانی‌آن راه‌ندارد ۰

آئین اسلام از آنجاییکه آئینی است همگانی ومردمی در همه موارد روح اجتماعی ومردم پسندی راتر جیح میدهد وبخاطر تامین اسباب سعادت‌وخوشبختی همگان مساعی‌بعمل می‌آورد ، ازآن رو درهمان مبارزات نخستین خود برای استحکام وتحقق بخشیدن با صل مساوات بشری ومساوات عمومی و برای تثبیت معنی اصیل انسانیت ، تلاش میکندو اساساتی‌نیز درزمینه جهت بقای این مبداء وضع مینماید ، بنابران این یك وا قعیت است که نظام جمهوری نظر به‌خصو صیت ومیزه های خاصی که درجهت تامین‌سعادت همگانی وتامین اصل مساوات بشری دارد و برای امحای تبعیض وتفرقه ومظالم و بی عدالتی‌مساعی بخر ج میدهد، ازین‌ارزش‌های عالی اسلامی بتمام معنی بر خور دار و بهره مند میباشد ۰

اسلام درین نقطه نیز ارتباط ناگسستنی خود رابانظام جمهوری بصورت روشن وآشکار تبارز میدهد.



وقایع مهم سیاسی هفته

(از کاظم آهنگ)

تشنجات شرق میانه در مذاکرات سران شوروی وامریکا تاثیر خواهد داشت

« من حاضرم هزاران میل‌مسافه را برای صلح طی نمایم و لی یک گا م هم در راه جنگ بر نمی دارم» این کلمات را جرالد فورد رئیس جمهور ایالات متحده امریکا هنگام عزیمت از قصر سفید برای‌مسافرت بیست روزه به شرق دور ابراز نمود ، فورد از جاپان، جمهوریست کوریا، واتحاد شوروی در این مسافرت خود باز دید می نماید .

مسافرت فورد به دنبال یک سلسله تماس ها ومسافرت هائی صورت میگیرد که طی سالهای۱۹۷۲ ۱۹۷۳ و سال جاری توسط رئیس جمهور سابق ایالات متحده امریکا وما مورین عالیرتبه رسمی آنکشور مخصوصا در اتحاد شوروی صورت گرفته است . نخستین مرحله مسافرت فورد در جاپان صو ر ت میگیرد و قرار است موصوف برای پنج روز در جاپان باسران حکومتی آنکشور ملاقات ومذاکراتی انجا م دهد .

مبصرین سیاسی ابراز عقیده میکنند که هدف مهم سفر فورد از جاپان یکی این است تا آنکشور رادر مورد مسایل تامین امنیت ایقان اطمینان بدهد و علاوتا در این مسافرت خود وی سعی خواهد کرد جاپان را در لست آنعده از کشور هائی قرار بدهد که از پلان تازه داکتر هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا حمایت نماید . پلان کیسنجر اینست که قیمت نفت پایان آورده شود و هم امور پو لی ومالی غرب حفظ گردیده و استحکا م یابد .

اما باید گفت که جاپان قبلا یک پلان و طرح را در مورد قیمت نفت امضاء کرده است که این طرح در جهت مقابل ابتکار کیسنجر قرار میگیرد البته جاپان این پلان‌فرانسه را بخاطری امضاء کرده که از نظر آنکشور ضروری پنداشته میشودچه جاپان تما م تیل ضرو رت خـود را وارد میکند ونیاز مندآنست که‌تاباآن عده از کشور های جهان که درین امر مفید بوده میتوانند مخصوصا تولید کنند گان نفت روابط دوستانه داشته باشد . پلان وطرح فرانسه عبارت از این است‌که تولیدکنندگان نفت مصرف کنندگان و کشورهای رو به انکشاف کنفرانسی را تشکیل بدهند دران راجع به مشکلات خودبا واقعیت هائیکه احساسی میکنند تصامیمی اتخاذ نمایند، اما کیسنجر به بر گزاری چنین کنفرانس عقیده ندارد و ی طرحی را مبنی بر ذخیره تیل واستحکا م پولی‌مصرف‌کنندگان بزرگ نفت در نظر دارد .

چون جاپان نمیخواهد کاری بکند که دشمنی تولید کنند گان نفت را ویا مخالفت فرانسه و اتحادشوروی را در برابر خود بر انگیزد بناء این کشور غالبا به تعهد خود مبنی‌بر پلان فرانسه باقی خواهد ماند ولی کیسنجر در هر حال سعی خوا هد نمود تاجاپان را متقاعد سازد که‌نظر اورا بپذیرد و مهمترین نقطه ایکه کیسنجر روی ان استدلال خوا هد کر د این خوا هد بود که جا پا ن را تشو یق کند تا همکار ی های چند جانبه برای جاپان مهمتر نشان دهد و بدین وسیله آنکشور را برای قبول طرح خود متقاعد سازد ولی جاپان آنرا نخواهد پذیرفت .

از این موضوع که بگذریم سفر فورد در جاپان غالبا راجع به سایر مسایل مورد علاقه دوکشور موفقانه پیش خواهد رفت .

مرحله دوم سفرفورد درجمهوریت کوریاست و به تعقیب آن به‌اتحاد شوروی مسافرت مینماید ، دراتحاد شوروی جرالد فورد ولیونیدبریژنف رهبر حزب کمونست اتحادشوروی در شهر بندری و لادی واستوک مذاکرات خود را آغاز مینمایند و این مرحله مسافرت فوردحقیقتامهمتر ین مرحله مسافرت او خواهد بود چه د راین مسافرت وی و همراهانش بشمول داکتر کیسنجر سلسله پیشرفت مذاکرات قبلی سران‌امریکا وشوروی را دنبال مینمایند که این خود خالی از اشکال نیست .

چون زعیم شوروی باچهره تازه‌ای رو برو میشود امکان آن هم موجود است که نسبت به گذشته در مفاهمه های آنان در بدو امر هم مشکلاتی ایجاد شود ولی در هر حال روی موضوعی که آنها به بحیث ومذاکره می پر دازند ازنظر صلح وامنیت جهانی واز نگاه بقا و دوا م انسانی خیلی مهم وارزشمند است آنها در این مذاکرات خود موضو ع محدود ساختن سلاح ستراتیژیک اتومی را مطرح بحث قرار مید هند که درین موضوع در مذاکرات سا ل ۱۹۷۲ و۱۹۷۳ وماه جون سال جاری خود نکسن .سابق رئیس جمهو ر امریکا و بریژنف به نتیجه مثبتی نرستیدند .

هردو جانب نیك آگاه اند که محدود ساختن سلاح ستراتیژیک ذروی و جلو گیری از مسابقات تسلیحاتی از اقدا م های خواهد بود که مصارف گزاف اقتصادی را مانع شده و صلح را در جهان تا مین میکند حین باز دید و مذاکره سا ل جاری نکسن و بریژنیف طرفین اظهار نمودند که آنها طرقی را جستجو مینمایند تا از استعمال قوه بین همدیگر جلو گیری کنند وقد م هایی به نفع صلح جهان بر دارنداما گا م اساسی که عبارت است از محدود ساختن سلاح تعرضی ستراتیژیك ذروی ومرمی های‌دارای چند سر گلوله ذروی بین آنها برداشته نشده است و در این امر به نتیجه مثبتی نایل نیامده اند و غالبا عد م رسیدن به این نتیجه روی این دلیل خواهد بود که اتحاد شوروی به تناسب امریکا تعداد زیاد راکت های بین القاروی را دارا میباشد در حالیکه امریکا از نظر داشتن مرمی های دارای چند سر گلوله ذروی مقد م تر است ، شاید هردو جانب باین فکر باشند تا در تعداد این دونوع مرمی موازنه را بین خود حفظ نمایند آنگاه روی محدود ساختن این سلاحها اقدام‌کنند .

بجز موضوع سلاح ذروی مخصوصا شکل تعرضی آن اتحاد شورو ی و ایالات متحده امریکا راجع به یک سلسله مسایل دیگر زمینه همکاری ها را بین‌خودمساعد ساخته‌وقسمتی

(بقیه درصفحه ۶۳)

شهرت دوگانه

وجی آنند کارگردانی که هنرپیشگی، میکند

متر جم مهدی دعا گوی

این دائر کتر بفلم های امروزی سینمای هند چندان خو ش بینی ندارد و میگوید هنرمند باید تنها بپول فکر نکنند.

(وجی انند) جوانترین برا در دیوانند که‌از دایر کتران ما هر و کار گردان درسینمای هند محسوب میشود و از این رهگذر صا حب شهرت زیادی در حلقه های سینماتی هند و مخصو صا در شهر بمبئی میباشد یکی از چهره های مو فق وکامیابی در جهان سینما قبول شده راخیرا رو بهنرنما یی درپردهٔ فلم آورده است، و جی انند صا حب شیوهٔ کار پسندیده و جالب بو ده در انتخاب‌داستان،حرکت وپیشرفت سناریو وموضوع داستان، حر کت کامره و فلمبر داری، کتک، انتخاب



وجی آنند دریکی از صحنه های فلم

موزیك و هنرپیشگی دستر س‌زیادی داشته واز همه امور فلم بر رسی ووارسی می نما ید واز همین‌جاست که فلم های ساخته و پر داخته شده اش بگرمی استقبال میشود.

او علاوه از کار گر دا نی،سناریو نویسی نیز می نما ید و در نو شتن موضوعات جدید وبکر ذوق‌بخصوص دارد وبدین ترتیب بامور فلم هایش آگاهی و تسلط کا مل میداشته باشد.

نخستین فلمی را که (وجی انند) دایر کت نموده (نودو گیارا) نا م دارد که در سال ۱۹۵۷ تکمیل‌گردید اگر چه این فلم طور یکه توقع بود استقبال نشد ولی تهیهٔ فلم بعدی اورا به آرزو یشں نزدیك سا خت درسال ۱۹٦۰ فلم (کالابازار) ر ا دایر کت نمود که بخاطر تا زگی هایی که در داستان آن وجودداشت جالب تو جه واقع گردید.

درسال ۱۹٦۳ فلم (تیری گهرکی سامنی) اورا بشهرت نزدیك ساخت ولی سال ۱۹٦۵ ستارهٔ اقبال او در آسمان هنر در خشیدن گر فت وبا دایر کت فلم (گاید) بحیث بهترین دایر کتر شناخته شده و جا یز ۀ فلم فیررا در یافت نمودکه گا ید رامیتوان بهترین محصو ل کا ر (وجی‌انند) در طول سالهای متوالی که در سینما خد مت نموده است قبول نمود.

فلم های (تیسر ی منزل)که د ر سال ۱۹٦٦ تکمیل شد و (جیول تیف) که در سال ۱۹٦۷ بپا یه تکمیل ر سید به محبو بیت این دایر کتر جوان افزوده و نا مش ر ا روی زبا نها انداخت، پس از ان‌فلم (گهین اورچل) و یك تعداد فلم‌های دیگری را دایر کت نمود اماسرانجام درفلم (تیری میری سپنی) تصمیم گرفت که خو دش بحیث هنر پیشه در فلم ظا هر شود و بدین تر تیب (وجی انند) که‌کار هنر ی‌را ا ز سناریو نویسی، داستان نو یسی ودیالوگ نویسی برای فلم هاشروع نموده بالاخره بحیث پرو دیو سر ودایرکتر عرض و جود کرد وشهرت ومحبو بیت خود را در کار گر دانی تکمیل نمود سر انجام تسلیم‌ذوقش شده واکنون بحیث اکتور در عا لم سینمای هند ظاهر گر دیده ا ست اگرچه وجی انند در فلم (تیری‌میری سپنی) که نقش های عمدهٔ آنرا ممتاز و دیوانند ایفاکرده‌اند اودارای نقشی است که این نقش مختصر بوده و آرزوی قبلی او را هما نا ظهورش بحیث هیرو در فلم است برآورده ساخته نتوا نسته لذاتصمیم گرفته نقش های اول و عمده ر اکه شایستهٔ او با شد در فلم های خودش ایفا نماید.

نخستین فلمی که بحیث هیرو دران رول ایفا میکند (دوبل‌کرا س) نام دارد که نقش هیرو ئین آنر ا (ریکها) بدوش دا رد دا ستان فلم عشقی بوده و لی از آنجا ئیکه‌شیوهٔ کار (وجی انند) ترا ژیدی است واین شیوه در تمام فلم ها یش مراعات شده واز ایجاد چنین صحنه ها لذت میبرد این فلم نیز از ا ین بی‌بهره نمانده وصحنه های‌تراژیدی دران گنجانیده شده است که از هرحیث جالب تو جه واقع میشود وجی انند هم‌چنان در فلم(کوراکاغذ) نقش عمدهٔ فلم‌را بد و ش دا شته ونقش مقابل او را (جیه بها دری) ستارهٔ نو ظهور سینمای هند ایفا مینماید جیه بها دری که در قدم اول هنری خود استعدادش رابرخ سینما دوستان کشیده ازستاره های‌شوخی است که از زیبائی هم بهرهٔ کا فی دارد این فلم که هنوز زیر کار است بز ودی تکمیل و روی پر ده خوا هد آمد (فلم چهپار ستم) از دائر کشن های دیگر او ست که وجی در ا ن



وجی آنند خوش دارد درفلم های ساختهٔ خودش بازی کند

نقش عمدهٔ را ایفا میکند این فلم که جنبهٔ سکسی آن بیشتر ا ست دران از(بندو) بم سکس سینمای هند استفاده شده است.

(وجی) فلم های دیگری را نیز زیر کار دارد که دران از ستاره‌های مشهور سینمای هند استفاده‌بعمل خواهد آورد.

وجی پانزده سال در سینمای‌هند بحیث نویسنده، دیتور، پردیو سر ودایرکتر خد مات قابل ملاحظهٔ‌هنری نموده و فلم های خوب و با ار زشی به دو ستدا ران سینمای هند تقدیم نموده است که ازانجمله میشود ا ز فلم های گائید ،تیسری منزل،جیول تهیف و تیری میری سپنی‌نام‌برده‌اور فلم ها یش بشتر از دیوا نند برا در بزرگش که از جملهٔ اکتو ران موفق

بقیه در صفحه ٦۳

مددگاران اجتماعی

راپوراز: دریا

تامین حقوق زن وبر خور دا ری او ازمزایای که مرد درزندگی خانوادگی ،اجتماعی وفرهنگی واقتصادی ازآن برخور دار است، به‌منظور سازندگی وبوجود آوری یك جامعه مدنی تر وبالابردن سطح تولیــد وگسترش‌هرچه بیشتر ساحه خدمات گرو هی یکی از آرمانهای بزرگی است که‌جامعه‌زنان افغانستان باپشتکار وجدیت ومبارزه پیگیر وهمیشگی خواهان آن‌بوده‌اند.

ازآن روز که‌زن درکشورما‌از حصارچادری بیرون کشیده شد وتوانست خودش را در اجتماعش بقبولاند وتبارز دهد، همیشه برای گروه زنان پیشتازروشنفکروهمه‌خوب‌اندیشان‌و روشنفکران محیط این پر سش مطر ح بوده‌است.

ـچگونه میتوان ازقدرت انسا نی زن درچوکات وسیع تربرای به‌ثمر رسانیدن‌اهداف والای اجتما عی ، سود جست و بهــره‌گرفت ؟ وهمیشه نیز بپاسخ این پرسش نه درتیوری، بلکه درعمل گامهای استوار ومتین‌برداشته شده است . که فعالیت (دمیر منو تولنه) نمودی مشخص ازآن‌دارد.

سال گذشته بیش ازهشتصد خانواده در نادرشاه‌مینه به اساسات زندگی آپار تمان نشینی آشنا ساخته شدند

یکی ازمشکلات اساسی که‌جلو رشــد و توسعه این‌گونه فعالیت هارا می گیرد، نفــوذ خرافات وسنن موهوم‌است که‌درمیان اکثریت خانواده های کشور که مجادله باآن باید در سطحی گسترده صورت گیرد وموسسه‌نسوان نیز بادرك همین معضله است که مددگاران اجتماعی راتربیه میکند وبکار می گماردد‌راین راپور نحوه فعالیت شعب تنویر افکارموسسه ومددگاران اجتماعی معرفی‌میگردد .

شنیده ام مددکاران اجتماعی دمیر منــو تولنه فعالیتی گسترده درجهت رفع مشکلات خانوادگی دارد به همین اساس ملاقاتی‌داریم بایك منبع ازبین موسسه اولین سوال این طور طرح‌میگردد.

ـممکن است توضیح دهید که‌مدد گار ان اجتماعی وظایف شان درچه مواردی. خلاصه میگردد ونقش کلی شان دربهبود حال‌خانواده چه‌میباشد ؟

پاسخ میشنوم :

ـهدف بزرگ مددگاران اجتماعی درچوکات تنویر افکار موسسه نسوان این است که‌از یکسو باتمام سنن خرافی وموهومی که‌اقتصاد خانواده ها را متضرر میسازد مبارزه گر دد برای خانواده ها شرایط عملی و تطبیق‌زندگی نوآموختانده شود، در جلو گیری از معایب عمومی خانواده هاتاجای امکان نقش‌وقا یوی داشته باشد واز جانب دیگر در چو کاتــی وسیع‌تر امکانات زندگی صحتمند بــر ا ی کودکان خانواده بوجود آید وبــرای ما در حامله وشیرده وکودکان‌آنها مادتاً ومعناً‌امداد گردد .

ـکمك به‌مادر ان شیرده وحامله ازدیدگاه مابیشتر وظیفه ژیژ نتون ماست ،شما چرا وچگونه درامور مربوط به‌آنها مداخله‌میکنیــد

ـحدود مسوولیت های ما مشخص‌است ، مادران هستند که باید کار کنند و چــر خ زندگی شان رابگر دا نند درچنین مواردی‌باید اینگونه مادران متیقن‌باشند که‌کود کــانشان زیر شرایطی سالمی زیر مراقبت قرار دارند کودکستان وشیر خوار گاه مادر خدمت همین مادران است ومددگاران اجتماعی نیزمیکوشند درتمام امور مربوط به‌مشکلات چنین خانواده های سهم بگیرند طور مثال این‌مدد گارا ن پرابلم های صحی خانواده هارا باشعــب مسوول صحی درمیان میگذارند و بــرایشان عملا زمینه کمك رافراهم میکنند، حتی‌درصورت لزوم اطفال راشامل مــی سازند ، برایشان تذکره می‌گیرند، پروگرامهای تغذی شان را ترتیب می نمایند واگر لازم باشدروز هــا صرف وقت می کنند تاآن مادر باخیال آرام بتواند بکار خود مصروف باشد.

ـممکن است شما باخانواده های درتماس باشید که‌بیکاری اعضای آن عاملی باشدبرای بازماندن اطفال ازشمول به‌مکتب و فقــر اقتصادی انگیزه خیلی از مشکلات دراین‌گونه موارد چه‌کمکی‌می کنید ؟

یکی از اعضای تنویر افکار باین‌پر سش پاسخ میگوید :

ـماهمین اکنون باصد هاخانواده ازهمین قبیل تماس داریم ، خانواده هایی که‌فرزند شان درصنوف عالی لیسه هادرس میخوانند ویا شامل پوهنتون میباشند وخانواده نــان آور نیز ندارد درچنین مواردی ماباستفاده از صندوق مادر وامدا د بدون عوض بایــــن خانواده هاموقع میدهیم آبرو مندا نه زندگی کنند وفرزندانشان ازپو هنتون ومعارف فارغ شوند وشامل کار گردند وآنگاه که یك عضو خانواد ه خود توانست چرخ زندگی‌رابگرداند



یك کودك سالم وبانشاط از کو دکستان، مادر این کودك باخاطرجمع کار میکندوطفلش ازمراقبت صحی برخور دار است .

در خدمت مردم

کمك ماهم قطع میگردد وباز به خانوادهٔ مستحقق ترداده میشود.

ـبودجه این صندوق امدادی که‌به چنین مادرانی کمك می‌نماید ازچه راهی تامیـــن می‌گردد ؟

ـکمك موسسات خیریه ،بانکها واشخاص انفرادی وخانواده های روشن فکر مرفه‌همیشه بماداده میشود واز همین راه این سلسله امد اد دوام دارد.

ـ تعداد مددگاران اجتماعی شماکه‌در کشف واقعیت های اندوهبار چنین خانواده های نقش مثبت دارند چندنفراست‌وتحصیلات شان بچه‌پیمانه ؟

ـمادرحال حاضر ۲۵ نفر مددگار اجتماعی داریم که تمام‌شان به‌سویه بکلوریا ومافوق آن در رشته اختصا صی خود تحصیـــل نموده اند البته میکوشیم بااستفاده ازبورس های بکلی جدید بازهم این تعداد زیـــا د گردد چنانکه همین امسال ماهمین کار ر ا نموده ایم.

ـتاآنجا که‌من دریافته‌ام و ظایـــف و مسوولیت های تنویر افکار بیشتر در مواردی خلاصه‌میگردد که سروکار شان بافامیل های کم سوا د بی سواد باشد ، درحالیکه قشر روشنفکر ماهم بامشکلات فرا وانی درسا حه زندگی خانوادگی خود رو بروست بـر ای این خانواده هاچه کمکی‌نموده‌اید ؟

سلسله کنفرانس های هفتگی تنو یـر افکار بصورت دوامدار جریان دارد، دراین کنفرانس هااز یکسو کوشش می گرددهمکاری بیشتر خانمهای منور درسهم گیری فعـا ل برای پیشبرد پروگرامهای تنو یر ی مـــا جلب گردد واز جانبین نیز تاجای امکـــا ن باتوجه به‌مشکلات خاص این خانواده هابزبان علمی برایشان معلوماتی ارائه گردد همچنان درساحه تطبیقی نیز مادر میان همین قشر سلسله اقداماتی داشته ایم وداریم ، مثـلا سال گذشته بشتر از ۸۰۰ خا نـــواده در نادرشاه مینه توسط مددگاران اجتماعی‌ویزیت گردید وکوشش شد تا اساسات کلی‌ز ندگی پارتمان نشینی برایشان تفهیم گردد و در پهلوی آن مشکلات این خانواده ها بـــرای مطالعه بیشتر مورد ارزیابی قرار گیـــر د همچنان همین اکنون در هر ناحیه کا بـــل وهمه روزه دونفر مدد گار اجتماعی ایـــن موسسه وظیفه دارند تامشکلات خانواده هاو مادر ان را از نزدیك دیده و طرق حل آن را میسر گردانند که‌این جریان بدون وقفه دوام دارد.

ـ تاآنجا که‌من‌دیده ام فعالیت شعـــب موسسه نسوان در ولایات کشور محدو دتر است درحالیکه من فکر میکنم بخاطر یـــك سلسله عادات خرافی رایـــج در ولایـات ضرورت فعال گشتن این شعب درخارج ا ز مرکز محسو س تراست ، برای رفع ایـــن نقیصه چه‌فکر ی نموده اید ؟

ـدرست است میتوان گفت هر چه قدر ارتباطات فرهنگی درمیان مردم کمتر باشدبه همان نسبت خرافات حاکمیت بیشتری دارد ، ماهم میکوشیم ساحه فعالت مابه‌همین دلیل درولایات وحتی رو ستاهای کشور پهن تـــر گردد وزمینه کمك عملی فراهم تـر، ولـــی

بقیه درصفحه ٦۳



مؤسسه میکوشد استعداد های نهفته کودکان راکشف کند وبکار اندازد .



عده ای از مدد گاران اجتماعی دمیر منو تولنه روی یکی از پرابلم های یك خانواده وطرق چاره جویی آن بحث میکنند .

برگی از تاریخ کشور

بلخ، شهری با تمدن های ۳۰۰۰ ساله

از گل احمد زهاب نوری

آثار پنج تمدن کهن در ویرانه های شهر باستانی بلخ نهفته است،

سطح آب های تحت الارضی در بلخ بلند آمده و اقشار مختلف باستانی را، پنهان ساخته است.

در دوره های دور تاریخ، ساحه شمال کشور ما از نگاه زراعت پیشرفته ترین منطقهٔ آسیا بوده است.

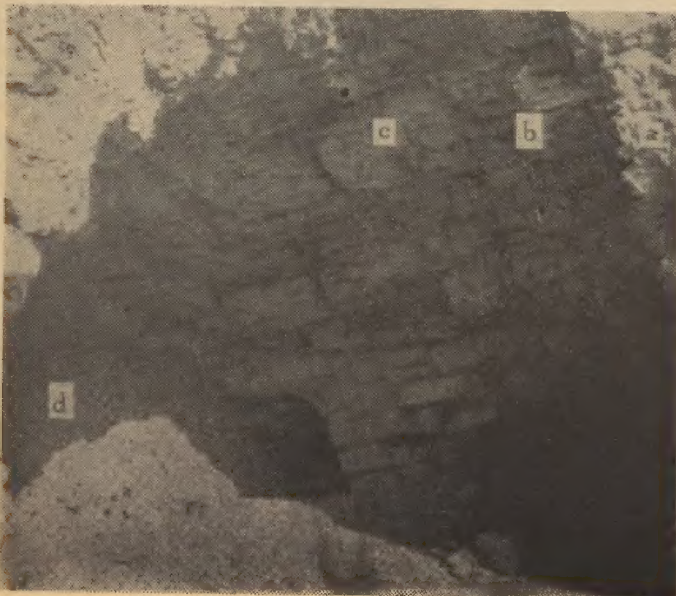
بلخ شهری که امروز ویرانه های آن حکایتگر تمدن های کهنی است که درست ۳۰۰۰ سال قبل شهری بوده با جمعیت کثیری، با آبادی های با شکوه، با تجارت وزراعت پیشرفته ای ....
سالها بعد وقتیکه راه (ابریشم) بزرگترین شاهراه تجارتی آسیا بود از بلخ می گذشت واین شهر از مراکز بزرگ تجارتی آن عصر بود.

در شماره گذشته گزارشی مختصر داشتیم، از نه گنبد، یکی از مساجد با عظمت دوره اسلامی در بلخ. همچنان وعده داده بودیم که به این سلسله علاوه از (نه گنبد) بر تاریخ کهن بلخ باستان، از روی مطالعات باستان شناسی نیز روشنی خواهیم انداخت ...

نه گنبد، قدیمی ترین آبده دوره اسلامی است، که تا حال درین منطقه آسیا کشف گردیده است، که بر قسمتی از تاریخ قدیم این منطقه روشنی می اندازد.

خانم پوگه چن کوا دانشمند روسی، ملکیان شیروانی باستان شناس فرانسوی و اولك گرابر پروفیسور یونیورستی های روالرد امریکا، نیز در باره آبده و آثار باستانی. در نه گنبد مطالعاتی انجام داده و هریك نظراتی داده اند.

ملکیان شیروانی از روی مقایسه تزئینات گچی مسجد نه گنبد با آثار کشف شده دوره اموی ها این



مناره ها که قدامت تاریخی دارد



پایه های از دیوار قدیم بلخ

پاسخ سوالی میگوید :

ـبه اساس مطالعات این هیات معلوم گردیده که تحولات هنری در صفحات شمال افغانستان از دوره ماقبل تاریخی برونز تا زمان کوشانی ها ادامه داشته و بعد از یك وقفه مجددا در دوره اسلامی به شگوفانی پرداخته است .

دلایلی وجود دارد که آریایی ها نخست در شمال افغانستان مسکن گزین شده واز بادیه نیشنی به زندگی متمدن آغاز کرده ، به زراعت واعمار شهر هارا پرداخته اند .

سپس یونانی ها به‌این منطقه هجوم می آورند ، مگر بعد از مدتی جنبشی رخ میدهد وساکنین‌این مناطق مجددا آزادی خود را، بدست می آورند .

بقیه در صفحه ٦٠



آثار کشف شده بلخ شاهدتمدن های قدیم این سر زمین است

آبده تاریخی را منسوب به قرن‌هفت میلادی میدانند .

پرو فیسور گوابر ،در یادداشت هایش ، نه گنبد بلخ را ، از بقایای آثار قرن نهم می خواند ...

تزئینات گچی بقایای نه گنبد ، حکایت از شکوه و عظمت ،مسجدی می کند که از شهکار های هنر معماری عصر خود بوده و با همه مقاومت و گرنگی اش ، زیبا خاصی را ، دارا بوده است .

داکتر زمریالی طرزی مدیر عمومی باستان شناسی وزارت اطلاعات و کلتور که در تهیه این گزارش ها همکاری میکند ،پیرامون شهر بلخ میگوید :

ـ این شهر از نقطهٔ های تاریخی افغانستان است که ،در آن تمد ن های کهنی نهفته است .

شهر بلخ نه تنها از نگاه آثار باستانی دوره اسلامی چون خواجه پارسا ونه گنبد ،در تاریخ و علم باستانشناسی ،حایز اهمیت است، بلکه مطالعه اقشار باستانی این‌شهر ، با تاریخ سه هزارساله این منطقه روشنی می اندازد .

این شهر در اسناد قدیم تاریخی بنام های بخدی باکتریا با ختر یا باکترین وبلخ یاد شده است .

فعالیت های باستانشناسی ،درین شهر ، در اوایل قرن بیست آغاز گردید ،نخست پرو فیسور فوشه محقق وباستان شناس فرانسوی و بعد از آن در سال ۱۹٤۷ پروفیسور دانیل شو لمبرژی به مطالعات پرداخت ...

همچنان همین حالا هیات علمی باستا نشناسی مشترك افغانستان واتحاد شوروی در ساحه شمال بلخ به تحقیقات و حفریات باستانی می پردازند .

داکتر طرزی می افزاید :

ـاما متاسفا نه نتایج مثبت ،از تحقیقات علمی درین منطقه هنوز به دست نیامده است .

از کاوش های بالا حصار تا شهر بلخ وتپهٔ زرگر ها، معلوم شد که قشر های زیادی، یکی‌بر بالای دیگر افتاده است ،که هر یك مربوط به دوره یی از تاریخ است .

قشر فوقانی که درین منطقه مطالعه گردیده مربوط به‌دوره اسلامی است. بلند آمدن سطح آب‌درین قسمت زمین ،سبب‌شده‌تا تحقیقات وحفریات باستا نشناسی در بلخ به مشکلات زیادی مواجه شود .

پنج تمدن کهن درین سر زمین یکی بعد دیگری گذشته است که اقشار مربوط دو دوره آن در زیر آب شده است وفقط حفریات هیات های علمی تا دوره کوشانی ها ،مطابقت می کند .

برای تکمیل مطالعات‌علمی ،هیات های باستانشناسی به نقاط دیگری از صفحات شمال به تفحصات پرداخته اندواز جمله هیات مشترك افغا نستان واتحاد شوروی تا ساحه دولت آباد پیشرفته اند .

مدیر عمومی باستا نشناسی در



دیوار های قدیم بالا حصار بلخ

فلسطینی ها بحیث یك قدرت در

ترجمه از تایمز

قسمت دوم



یاسر عرفات درمیز کنفرانس

فلسطین چون سمنت جهان عرب را بهم وصل میکند و یامانند مواد منفجره آنرا از هم میپاشد

یاسر عرفات



دوسال بعد افراد مربوط این گروپ وطیارهٔ لفتنزا آلمان را اختطاف نموده و پنج ملیون دالر برای رهایی طیاره ومسافرین آن بدست آوردند.

جبش که یکی از رهبران نهایت فهمیده وذکی این گروپ است معتقد است که فعالیت های انقلابی ودهشت افگنی یگانه راه رسیدن به اهداف موسسات آزادی بخش فلسطین است که عبارت از ایجاد یك دولت فلسطین عوض اسرائیل می باشد .

۳- جبهه عوامی دیمو کراتیك آزادی بخش فلسطین سومین گروپ فدائیان است . این جبهه ازطرف نایف ها واسمع یك عیسوی اردنی رهبری می شود. و ی با ۵۰۰ نفسر

طرفداران خود درسال ۱۹۶۹ از جبهه آزادی بخش فلسطین که رهبری آنرا حبش بعهده دارد جداشده وجبهه جدیدی را تشکیل داد .

موضوع فلسطین :

٤- قو ما ندانی عمو می جبهه عوامی آزادی بخش فلسطین گرو پ نظا می دیگر یست که ازجبهه حبش منشعب گردیده است. رهبری این گرو پ بعهده (احمد جبریل) مردچهل وپنج سا له ایست .

۵- الصا عقه دسته ایست که در سال ۱۹۶۷ درسو ریه بر هبری طو هیر محسن مرد ٤۵ ساله تاسیس گردید. گرو پ الصاعقه دوهزار عضو داشته و هزار شا نگیریلایی های منظم می باشند. اکثر از اعضای این دسته مها جرین فلسطینی اند که ازسوریه فرار نموده اند .

٦- جبهه آزادی بخش عرب متشکل از فلسطینی هایی می باشد که ر هبری آنهارا عبدالو هاب کیالی بعهده دارد .

درین دسته یکصد نفر فدایبان منظم شامل می باشد .

اینکه این دسته ها در طو ل سا لهای متمادی مو جودیت و حد ت خودرا حفظ نموده اند همه ازبر کت انر ژی ومهار ت هـای سیاسی یاسر عر فات بوده است .

عرفات که معمو لا عینك های سیاه بچشم می گذارد واز شخصیت های مشهور جهان عرب بوده واصلا یك انجنیر می باشد .

وی نسبت به وظیفه مو سسه آ ز ادی بخش فلسطین عقیده راست ورا سخ دارد. وی میگوید (بحیث یك پناهگزین و مهاجر وقت زیاد ندارم تا در مورد جناح راست ویا جناح چپ استد لا ل نمایم آنچه که مهم است عمل ونتیجه می باشد).

عرفات که ٤٤ سال عمر دارد در بیت المقدس بدنیا آمده است و پسر یك تاجر رخت می باشد. درایام جوانی درسا لهای ۱۹٤۷ و۱۹٤۸ در جنگ عر ب و اسرا ییل شر کت نمودو هنگا میکه فا میل وی بهغزه فرار نمود وی در جمله پنا هگز ینان درآمد هنگا میکه در یو هنتو ن قا هره تحصیل می کرد، رئیس فید راسیو ن متعلمین فلسطینی گردید. وی در اردوی مصر در جنگ ۱۹۵٦ عرب واسراییل خدمت کرد. بعداً وی به

کویت رفت بود در وزار ت فواید عا مه آنجا شامل وظیفه شد درسا ل ۱۹٦٤ عر فات از وظیفه خوددر کویت منصر ف شد تاتمام در ت وانر ژی خودرا در تامین دا عیـه وموسسه الفتح که خود یکی ازمؤسسین آن بود صر ف نماید .

عرفات تاحا ل ازدوا ج نه نموده است او تمام او قات خود یعنی ۲٤ روز ۳۰ روزه



تصاویر بالا مهاجرین فلسطینی رادرنزدیك کمپ های شان نشان میدهد.

...در شرق میانه تبارز می نمایند

و۳۵٦ روز سال راو قف فلسطن نمـــوده است.

عرفات در رفتار وور دو ش نان میخورد نه سکر ت میکشد ونه مشروبا تمی‌نوشد. وی خانه مشخصی ندارد که ازآن سخن‌گوید.

یك‌شب در دفتر مو سسه آزادی بخشـــ فلسطین در بیروت میخوابد وشب دیگررادر خانه یکی از دوستان سپری میکند. حتـــی معاونین ویاوران وی نمیدانند کـه آیـادر بیروت است ویا در دمشق الجزایر ویا قاهره. وی پیوسته درین شهر ها برای جمع آوری پو ل و جلب حمایت و پشتیبانی زموسسه آزادی بخش فلسطین مسا فر ت میکند.

عرفات ندرتاً ازخود ویا ازگذشته خود حرف میزند . وی آرزو دارد تا ازجلب ـ دیگران بدور شخصیت خود ، اجتناب ورزد.

در داخل الفتح و مو سسه آزادی بخش فلسطین وی با مشاورین ویانزد یکان خود حلقهٔ راتشکیل نداده ونمیدهد . در مجالس ... نظرات ... کس گوش میدهدو ازاین نظرات استفاده می نماید .

باید گفت که ازنظر افکار عامه، موسسه آزادی بخش فلسطین ازنگاه عملیات دهشت افگنی مورد ملاّ مت قرار گر فته است.

حقیقت اینست که خودعر فات هم دربسا موارد از کنترو ل بعضی عناصر افراطی‌این موسسه عاجز آمده است . وی علنا بعضی‌از فعالیت های دهشت افگنی افراد این‌موسسه رانکو هش نموده نه ازنگاه ملاحظات اخلاقی بلکه ازاین لحاظ که همچو فعالیت هاتصویر فداییان را در چشم دیگرا ن خراب مـــی سازد.

نتیجه بیست و پنج سال فعالیت هـای دهشت افگنی بین هر دو جانب، تشدید ـ مخاصمت و دشمنی بین اسراییل و فلسطنی ها بوده است. سوا ل بزرگ اینست کـه اکنون در شر ق میانه این مخا صمت مـــی تواند ازبین برود واگر برده شده میتواند چطور؟ البته ایـن کـارسهل وآسان نیست زیرا اهداف و نقاط نظر اسراییلی هـاو فلسطینی ها آشتی ناپذیر می باشند

اسراییل اساسی در مذاکرات راجع به آینده ساحل درحفظ مو جودیت دو لت یهود در سوا حل مدیترانه سعی ملی ورزد .

عرفات وحبش ، شاید درطرق‌رسیدن‌بهدف اختلاف نظر هایی دارند. و لی هردو تمام مساعی‌خودرا وقف یك هد ف یعنی تعو یض دولت اسراییل به‌یك دو لت فلسطنی نموده اند. عر فات حاضر است تا عجالتا موضوع فلسطین را زطریق ایجادیك دولت محدود متشکل ازسواحل غربی ، غزه ومنطقه حمه حل‌نماید . ولی این امر اساس یك رقا بت دوامدار کلتـوری ، سیاسی و نظـامـی‌بـا اسراییل خوا هندبود.

باتعیین عر فات بحیث یگانه نطاق تمام فلسطنی ها زعمای عر ب در کنفرا نس رباط کو شیده اندتا انتخا ب یکی از دوراه یعنی صلح و جنگ رابدو ش‌اسراییل بگذراند بهرحال ،عر فات اکنون در حلقه های عربی درهمه‌جا بحیث یگانه نطاق فلسطینی هـــا شناخته شده است گر چه بیت المقدس و واشنگتن امید وارند تا ملك حسین نقش عرب واسراییل خد مت کرده بعدا وی بـه موضوع فلسطین نمیتوان از عرفات ونقش‌وی چشم پوشی کرد.

ازبعضی جها ت، مو قف اسراییل بـــا موقف فرانسه در جنگ الجزایر مشا بهت دارد. در ابتداء حکو مت فرانسه از مذاکره باجبهه آزادی بخش ملی الجزایر امتناع‌ورزید ولی با لاخره فرانسه دریافت که یگانه‌راه‌حل پرابلم مذاکره باجبهه آزادی بخش ملی‌بوده است.

البته جنگ بر مو ضوع فلسطین تاوقتی ادامه می یابد که اسراییل حاضر شود بــا عرفات مذاکره کند و عر فات حاضر شودتا مستقیما با اسرا ییلی ها مفا همه‌نماید.

بنابر این گره حل این عقده دردست هر دو جانب است . اگر اسراییل خواهان صلح با همسایگا ن باشد این صلح‌راتاوقتی بدست آورده نمیتوا نند که حاضر شوندتابه فلسطینی ها امتیازات بزرگ قایل گردند. حتی در خوداسراییل هم عده زیادی و جود دارند اعتراف میکنند فلسطینی ها مصا یب ومشکلات زیادی را در طو ل تاریخ آوارگی خود دیده اند .اما مشکل است که قبول‌کرد اسراییل حاضر است اراضی رابه فلسطینی هاتاوقتی بد هد که فداییان درراه‌ا محـــای اسراییل کمر بسته اند .

سوال مهم درسیاست پیچیده شرق‌میانه اینست کـه‌آیا یاسرعـرفات قادر خـواهد شدتا تعد یلی در اهدا ف‌خودبدو ن اینکـه محبوبیت و وفا داری مردم را از دست دهد بمیان آرد.

بسیاری از اعرا ب فکر میکنند که سر انجام فداییان رام شده میتوانند و بهتر ین طریق آغاز حل پرابلم اینست که فداییان شریك دیالو گ شر ق میانه سا خته شوند درغیر آن یگانه راهی که باقی می ماند آغاز یك‌جنگ تازه است که حتی نسبت به‌جنگ اخیر عر ب واسراییل خو نین تر خوا هـد بود.



گوشه ای ازکمپ های مهاجـرین‌درشمال عمان

اعصاب:

فشار تمدن سرعت وعجله استعمال مواد کیمیاوی دخانیات شور وغالمغال

انعکاس آن:

عصبایت نارامی وفشار روحی بیعلا قگی بز ندگی سستی وافسردگی هروئینی ومعتاد

ترجمه: ع، کهگدا

انکشاف سریع تخنیك ، و جـود ماشین آلات ، زندگانی اتو ماتیك و ترانزیستور ، ویتا مین ها، مـواد کیمیاوی ، سا مانهای پلاستیکی ، نایلونی و غیره کار ها را آسان و سریع ساخته است و از طرف دیگر باو جودیکه‌هفته یکروز تعطیل عمومی وبعضی روز ها را در طول مـاه بعنوان ضرورت و مریضی از کار کناره و بفراغت میپر دازیم و لی باز هم کلمه خستگی از هر دهنی‌شنیده میشود .

لذا علت اصلی چنین خستگـی ، عصبانیت و افسردگی بصورت‌عموم چیست ؟ عصبانیت و نا رامی روحی بذات خود یك نوع مریضیست کـه میتوان آنرا مریضی تمدن و عصر ی شمرد که از خودهزاران علت‌وسببی دارد. از اینکه آیا این عصبانیت را تداوی و یا اینکه میتوان از بین‌برد؟



یکی دیگر از عوامل عصبانیت‌بیدارخوابیست که تا سحر چشم بهم‌پیش نمی آید



عصبانیت یك نارامی و افسردگی مزمن را تولید و بالاخره یك انسان معتاد را بوجود می آورد

مسؤلیت بس جامع‌که بسیاری‌علمای طب و روانشناس را بخود جلـب کرده است .

اپتیمست ها چنین عقیده دارنـد که علاج اصلی آن موازنه طرز حیات وقایع سپورت و غیره میباشــد و روانشناسان را عقیده بر اینست که مریضی مذکور رابطه قوی‌باتمدن داشته که گریز از آن برای افراد بشر امریست مشکل .

کسالت در محل کار و شغـل یومیه :

اگر از کار گر یك فابریکه، مامور یك شعبه ، میزبان یك منزل و یـا شاگرد یك مکتب چنین سوالی راکرد که چه چیز باعث خستگی او شـان میشود همه به آواز بلند جـواب خواهند داد : کار یومیه . اما عقاید متخصصین‌برعکس است زیراتجارب زیادی باثبات رسانیده که کارجسم انسانرا متضرر وخسته نساخته‌بلکه برخلاف کار باعث نشاط جسـم میگردد . زیرا کار سیستماتیکـی سرچشمه نیروی زیست وطول عمر بشمار رفته اکثرا باعث تداوی کلیه عصبانیت‌ها بوده درحقیقت‌عصبانیت را تشکیل وریشه کن میکند لـذا خستگی در اثر کار وظیفه بو جـود نیامده بلکه علل واسباب دیگر ی دارد .

زنگ خطر : حقیقتا نباید کـار طاقت فرسا باشد تا ار گانیزم‌خسته نشده قوه اعتدال آن برهم نخـورد زیادی باثبات رسانیده که‌کار،جسم خاصی مدنظر گرفته شده است که رول مهمی را برای کار (زمان) بازی میکند پس بصورت عموم خستگی را کارگران کار های ثقیله بیشتر حس میکننه از اینرو تفریح و هوای آزاد به اندازه لازم و جمناستیک‌در محل کار چنین اشخاص خیلی مهم و در تسکین اعصاب رول مهمی راباز ی میکند .

کار شبانه چه در فابریکه هاوچه در موسسات و یا کار های تبدیلی یعنی هفته ای روزانه و هفته دیگر از طرف شب و یا یکروز در میان از طرف روز و شب هرگز برای صحت یك کار گر عادی و مفید شمـــرده نمیشود زیرا ٦٤ فیصد اشخاصیکه گاهی شب و گاهی از طرف روزبکار خود ادامه میدهند بیشتر به امراض عصبی دچار اند در حالیکه ۲۵درصد اشخاصیکه کار های روزانه را اجرا میدارند به عصبانیت گرفتارند. از اینرو پر ستار نو کریوال شبانـــه علاوه براینکه ترس وخوف بو ی غلبه میکند به حیات وی نیز مـــی افزاید .

ناگفته نماند که کار های سست وکند طویل المدت بیشتر و جود را نسبت بکار های سریع و کوتاه‌خسته وعلیل میسازد . از جانب دیگـــر شور و غالمقال و لوهر کجا که‌باشد محرك خستگی و عصاب شمـــرده میشوند . کار های پر سر و صدای فابریکات دو چند و جود را خستـــه ساخته علاوه بر اینکه تو لیدات را کسر می بخشد به عصبانیت‌کارگران می افزاید .

مسوولیت های حق‌وناحق فضای نا مساعد، ساحه کار شدیدترین‌علت غلبه بر سیستم عصبی بشمارمیرود که اکثرا موجب ظهور امراض قلبی وسوزش معـــده میگـــر دد ا ز اینجاست اکثرا اشخاصیکه در راس کار قرار گرفته اند به این امراض مبتلا اند .

کار دو چند زنان و جد وجهـــد شاگردان هم پروبلم هـــمز ما ن ماست . زنانیکه خارج از منـــزل اشتغال وظیفه ازیك طرف ودر داخل خانه به‌امور منزل ازجا نبدیـــگر می‌پردازندداِیما عصبانیت‌وبیحوصلگی بسراغ شان میاید واینجا ست که بر تعداد زنان عصبی می افزاید .

یکی ازعوامل دیگر عصبانیت‌ترس وهول است که بیشتر درشاگردا ن مکتب دروس و بـــرای محصلیـــن و محصلات امتحان یك ترس و هـــول عجیبی‌تولید میکندکه باعث‌عصبانیت در وجود آنها گردیده واکثرا ایـــن عصبانیت باعث دلسردی ازتحصیل وکناره گیری از دروس و بی‌احترامی بمقابل والدین میشود وسر انجـا م عاقبت نا گواری داشته جوانان رابه سوی اعتیاد میکشاند .

دیروز خستگی فزیکی و امـــروز خستگی عصبی :

خستگی سال ۱۹۷٤ یعنی‌خستگی امروزه آن خستگی دیروزه یعنی‌سال ۱۸۷٤ نیست سیر انکشاف مد نیت عصری امروزه نه تنها خستکـــی و عصبانیت بلکه عیوب‌وامراض‌جدیدی را انکشاف میبخشد. واز طرف‌دیگر نه تنها کار بلکه چارجانب و تماما اجزای تمدن امروزی انسانرا خسته و فر سوده میسازد . دیروز در اثر کار تنها عضلات ما خسته میشد ولی امروز جای آنرا بعضی خستگی های خطرناك و امراض عصبی اشغـــا ل کرده است .

فابریکه ها سامانها وما شین‌ولاآت نحویلخانه های بزرگ ، تطبیقـات انستیتوت ها وغیره که بنام ساعات کارهمه را مشغول ساخته‌است همه بذات خود قوه جسمانی و دماغی‌بشر را خسته و فر سوده میسازد .

چنین تصور میشود که بعد ازختم کار حتما در خانه استراحت خواهد شد . و لی کجاست ! رشد وانکشاف تخنیك امروزی در هرکجا که باشیم باز هم ما را تعقیب میکند شور وآواز درجاده ها،ترانزیستور ورادیو،گریه وناله اطفال ، لودسپیکر های حـق وناحق منازل و کافی ها وغیـــــره برخلاف باعث نارامی بشر میشوند. علاوه بر آن خرابی واز بین رفتـــن طبیعت (نباتات و گلها استفا د ه بیشتر مواد کیمیاوی، عطر یـــات کاسمیتیك‌ها، اتومات وغیره بالاخره در سال ۱۹۸۰ یك انسان نا آرا م، خسته و عصبی ایکه مسلسل جهت تسکین از ادویه های مسکن(اضافه از اندازه معینه) استفاده کرده وهم دلسرد و ضعیف خواهیم یافت کـه دایما نا را م و تحت فشار رو حی قرار گرفته بالاخره افسرده ومعتاد بار خواهد آمد .

چه باید کرد؟

متخصصیـــن ر وانـــشناسـی و دانشمندان طب از مدتهاست کـــه باین پروبلم ها در مجادله و بـــرای طرز جدید حیات و طراوت جسـم و دماغ طرق بهتر و رهبری شده ای راپیشس بینی‌کرده‌اند که‌از استفاده آن نتایج بهتری نیز حا صل شد ه است .

پرهیز گاری لازمه : ارگانیزم‌بشر برای موازنه و بر قراری قوه وانرجی وهم چنین سلامتی و جود بموادلازمی احتیاج دارد که مهمترین آن پروتین هاست که برای وجوه قوه لازم، تهیه میدارد همجنین پروتین حیوانی (از قبیل ماهی ، گوشت، تخم، پنیر ، شیر و ماست) پروتین نباتی(کاهو فاسو لیه ،کچالو وغیره گذشته از

بقیه در صفحه ٦۳



میکانیزم خستگی های دماغی. اولین‌حمله خستگی‌بالای دماغ بعدا تاثیرآن‌بالای گرده ها، قلب وعضلات‌می‌افتد میکانیزم خستگی های فزیکی در این‌صورت اولتر از همه جگر را متاثرساخته سبس به عضلات، گرده ها و شش ها سرایت میکند .

قلت مواد غذائی در جهان

ترجمه ازمجله سوزویك

آیاد نیامیتوا ندخودرا تغذیه کند؟ بتاریخ ۱۵عقرب ۱۳۰ کشور گردهم جمع شد ندو بحران متز اید قلت مواد غذائی را مورد بحث قراردادند



مشکل گرسنگی در آسیا وافریقا هرآن بیشتر میشود .

گرسنکی برای اکثر امریکا ئیان یك‌چیز بیگانه است. هنوز مدت مدیدی ازآن زمان نمیگذرد که تولیدات اراضی زراعتی ایالات غنی آمریکا ازنظر حاصلات از پیمانه ها و گدامها سرریزه کرده بود وحکومت‌به‌دهاقین پول میداد تااراضی خودرا بی زرع‌بگذا رند آنچه که (بنام انقلاب سبز) یاد میشدمتوجه دستگیری سایر کشور های جهان بو د. بزودی وبیکبارگی گرسنگی به‌پیمانه بیسابقه برجهان مستولی گردید واین امکان بمیـان آمدکه جهان بسوی قلت وفقدان مواد غذایی شا ید پیش رود. یکتعداد از متخصصین‌باین عقیده‌اند که‌امریکا میتواند برای یك مد ت درازی دربحر گرسنگی بحیث جزیره وفرت وفراوانی باقی بماند . هفته گذ شته یك متخصص زراعتی اخطار داد ((ماشاید بزودی آغاز ازبین رفتن مدنیت خودرا به بینیم مگر اینکه بشر بادرایت وکفایت کافی خـو د بتواند یك سیستم بهتر امنیت غذایی را پی ریزی کند)).

این‌نوع پیش بینی هایی که صبغهٔ‌نظریه مالیتوس را دارد قبلاهم ابراز گردیده است. امامعمای قلت مواد غذایی که بالرآن اطفال درافریقا وآسیا گرسنه بسر می‌برند ودرایالت وسکانسن امریکا گوساله هابعنوان‌پرو تست علیه قیمت های مواد غذایی مورد گلو له‌باری قرار می گیرند در کنفرانس جهانی مـو اد غذایی موسسه ملل‌متحد منعقده روم اندیشه متخصصین جهان راتشکیل میدهد ا کـشـر احصائیه های غذایی نشان میدهدکه امـروز لااقل ٤٦۰ ملیون نفر معروض تهدیدگرسنگی می باشند . باحتمال غالب تا اخیر سال‌جاری ده ملیون نفر که‌اکثر ایشان را اطفال کمتر ازسن پنج تشکیل میدهد ازگرسنگی هـلاك خواهندشد. بناء قسمت زیاد از مردم جهان چشم انتظار وکمك بسوی‌هیات ٤۰ عـضوی امریکا در کنفرانس روم دارند. اما ذخایـر امریکا درحال حاضر نسبتا خالی به‌نـظر میرسد.

هنـری کیسنجر و زیر خارجه امریـکا اخیراً اعلام کرد که ایالات متحده امریـکا بحیث یك‌کشور بزرگ تولید جهان کـه از ناحیه مولدیت وتکنالوژی پیشرفته شهر ت دارد باید در حل مسایل یك قدم فرا خی رلبه پیش بگذارد . ولی این یك پرابلـم جها نی ا ست و مستلز م حل جها نی می‌باشد.

دریافت اسباب ومو جبات این بحر ان آنقدر سخت نیست در دوسال گذشته‌تقریبا هرچیزیکه میتواند در تولید و تو زیع غـذا تاثیر منفی وارد آرد، واقعا تاثیر منفی‌خودرا بجا گذاشت . سیلابها ،خشکسالی ها، و طوفانها حاصلات زیاد رادر هند،افریقا،اتحاد شوروی ،وقسمت های مختلف چین وایالات متحده امریکا متاثر ساخت وازبین برد. یـك بحران بـزرگـك جـهان بـه شمول نـفـت قلت مصیبت باری را در تولید کودکیمیاوی بوجود آورد وبالنتیجه قیمت کشت وزراعت حاصلات زراعتی و حمل‌ونقل حبوبات رابالا برد وجریان نفت رادر واتر پمپ های مزارع شالی وبرنج پنجاب وجاپان که تحت‌پروگرام انقلاب سبز براه افتاده بود قطع کرد درعین حال نفوس جهان به‌تکثر خود به پیما نـهٔ ۹۳ ملیون نفر در فی‌سال ادامه داد. ایـن رقم به متخصصین پلان گذاری جهان ایـن اندیشه را دارد که باید تاسال ۲۰۰۰ تولیدات غذایی افزایش یابد و معیار تولیدات‌پا ئین آورده شود ویااینکه کدام اقدام‌دیگردرزمینه بعمل آید یکی از تحلیل کنند گان اوضاع غذایی جهان‌با تشویش ونگرانی‌اظهارداشت: ((بعد از سال مذکور سرنو شی دیگر بخار انفلاق خواهد کرد ؟ »

اگر قرار باشد که‌بحران غذایی جهـان حل‌گردد ایالات متحده امریکا بحیث یکی از بزرگترین تولید کننده مواد غذایی نه‌تنهادر حل بحران غذایی زعامت رابدست گیرد بلکه مواد غذایی مورد ضرورت را تاجاییکه توان دارد تهیه‌وعرضه نماید. و لی مردم‌امر یک در ده‌سال اخیر در برابر یك سلسله‌بحران های تقریبا پی درپی مانند حقوق مدنی،ویتنام واترگیت، انفلاسیون ،انرژی واکنون مـو اد غذایی قرار گرفته اند. اینکه آیارای‌دهندگان امریکا که قبلاز قیمت نان در سوپرمارکیت حرفها میگفتند حاضرند تاسیاست کمـك‌مواد غذایی بجهان خارج راقبول میکنند و یا خیر موضو عیست که‌هنوز بحال خود باقی‌مانده است ،حتی دربلند ترین مقامات حکو مـت امریکا مانند «ارل تبز» وزیر زراعت وهنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا که به حـل بحران مواد غذایی بسویه بین المللی‌معتقدند درین حصه به‌مشکلا تی‌مواجه‌می‌باشند.

بهرحال وقت برای حل این بحـران از دست‌میرود. دربنگله دیش نفوس‌شهر داکه مرکز بنگله یش که‌به چهار صد هزارنفـر رسیده است درتلاش آنند تااز خطر قحطی باطراف واکناف کشور خود فرار نمایند . مجیب الرجمن رهبر بنگله دیش به‌تعداد ٤۳۰۰ مطبخ شور باپزی رادر اطراف کشور ساخته تابامردم در وضع گرسنگی کمك‌نماید.

روزنامه های هندی راپور های زیاد ی درمورد آنانیکه به‌قحطی موادغذایی دچاراستند همواره مطالبی نشر مینماید.

درچاد شمالی، قسمتی از افریقای‌مر کزی که ازناحیه هشت سال خشکسالی‌درمخمصـه می‌باشند یك گروپ از والدین از یك‌متخصص عملیه نجات ملل‌متحد التماس نمودند که‌در هنگامیکه مرض دفتری بسویهٔ اپیدمیك‌شیوع می‌یابد برای اطفال شان ادویه بفرستند.این گروپ اظهار داشتند که‌بهتر ست اطفال‌شان مستقیما از امراض اپیدمیك بمیرند تااینکه ازگرسنگی مداوم رنج برند ویاطوری بز رگ شوند که‌نسبت سوء تغذی دارای روح‌ودماغ های فلج‌شده باشند .

این دهشت ها واضطرابات از چندسال بدینطرف در اذهان بشر تراکم نموده است. شش سال قبل ، فیلسوف اجتماعی‌انگلستان ((سی‌پی‌سنو)) پیش بینی کردکه یکتعداد از مردم جهان روی مواد غذایی محدود دربین سالهای ۱۹۷٥ و ۱۹۸۰ بجان همدیگر خواهند افتند . وی خاطر نشان ساخت که همین‌امر یابه قحطی منطقوی منجر خواهدشد ویااینکه

حیات بشر را تهدید میکند

قحطی های منطقوی بـه «دریای گـرسنگی» سرایت خواهدکرد.

ازختم جنگ دوم جهانی بدینطرف جهـان برذخایر مازاد غله‌جات کشور های عـمد ه صادر کنندهٔ جهان چون ایالات متحده امریکا کانادا، استرالیا وارژانتین بحیث قدرت‌های استقرار دهنده قیم ومبارزین قحطی اتـکاء نموده است اکنون درحالیکه قیمت‌ها بلنـد میروند مواد غذایی کم می شوند ـ درسال ۱۹۶۱ ذخایر غله‌جات ۱۷۰ ملیون تن‌رسیده بود، این مقدار کافی بود تاجهان رابرای۹۵ روز تغذیه نماید. درسال جاری ذخایرمذکور باندازه پائین آمده که‌فقط نفوس جهان‌رابرای ۲۲روز اعاشه میکند.

متخصصین پیش بینی میکنند که تابهار آینده جهان به‌سیستم جیره‌بندی که تحت‌آن فقط درهفت هشت روز به‌فامیل هامواد‌غذ ایی داده خواهد شد ر جـو ع خـو ا هـد کرد.

احصائیه های عمومی موجوده نمیتواند بر چهره هولناك میزنان افراد دربسیاری ازنقاط جهان روشنا یی درست اندازد. در کشو ر های روبه انکشاف سالانـه م ۴۰ پـونـد غله بصورت وسطی به‌مرد،زن، وطفل خواهد رسید. غالبا تمام این مقدار قلیل پخته شده وخورده می شود تاحداقل احتیاج انر ژ ی انسانها مر فوع‌گردد.

درآسیا وافریقا تقریبا یکربع نفو س۲۰۷ بلیون‌افریقایی روی یك غذای‌بخور و نمیـر حیات‌خودرا بسر می‌برند ـ این غذا بمراتب پائین تر از یکهزار کالوریست که روزا نه یك انسان برای اینکه قدری فعال باشــد احتیاج دارد ـ یکی از مامورین مو سسـه ملل متحدهفتهٔ‌گذشته اظهار داشت:((پرابلم غذا امروز غالبا از جدی ترین پرابلم های تاریخ جهان می‌باشد ـ))

این پرابلم امروز حیات صد ها ملیو ن انسان رادر سراسر جهان تهدید میکند.

مقصد اینست که بااینکه ظلمت بحـران را کسی‌د ر کنج وکنار نمی بیند ولی‌خطر اصلی درقبال است. یکی از اقتصاد دا نان امریکا بنام‌دون برلبرگ اظهار داشت:((تادهٔ آینده احتمال زیاد میرود که تولیدات غذایی نیم قدم پیشتر از نفوس باشد. امابعداًزآن میزان‌تولدات‌ازاندازه‌بالارفته وتولیدات‌غذایی جهان با معیار های مو جوده آن نخوا هد توانست جلو دنبال نفوس‌را بگیرد. پروفیسور میسارو یك ، استاد پوهنتون «کیس‌ویسترن ریزرف» طی یك سلسله تحقیقات‌نشان‌داده است که‌نفوس ۱۰۳ بلیونی جنوب آ سیا در آغاز قرن‌جدید نمیتواند بحال خود مستقربماند «فلیپ هندلر»رئیس اکادمی ملی‌علوم امریکا گفت: اگربه معیار تولدات فعلی .این منطقه جهان کدام تغییری رخ‌ندهد آنقدر بحر ان اقتصادی دامن این منطقه را بگیرد که دیگر انگیزهٔ برای کنترو ل ولدات وجود نخوا هد داشت. اگر این حالت تا سال ۲۰۲۵ ادامه بیداکند ماهانه یك ملیون طفل از گرسنگی هلاك خوا هدشد.

بااینکه این رقم یك رقم تعجب آو[illegible] معلوم میشود معهذا این حالت میتواندبو[illegible] به‌پیوندد. «سیکو مانشولت»رئیس سابق [illegible] اقتصادی اروپا گفت: بدبختانه ما [illegible] حل بحران وقتی آمادگی میگیریم که [illegible] کنار مغاك آن رسیده باشیم ـ

این امر درمورد بحران بو قوع‌پیو ست ودر مورد بحران غذ ایی که یقینا آمدنیست صورت خواهدگرفت ـ سوال اینست که‌چرا؟ در روی اتلس جها ن مامی بینم‌که جها ن دارای اراضی زراعتی کافیست که بتو اند مردمان خودرا تغذیه کند. در حـدود ۳۰۵ بلیون ایکر زمین همین اکنون قلبه می‌شود ومتخصصین تخمین میکنند که ۶۰۶ بـلیون ایکر زمین دیگر میشود تحت زراعت بیاید درصورتیکه حکومات کشور های جهان حاضر باشند مصارف پلان های انکشافی راپبردازند. درایالات متحده امریکا دوازده ایالت غر ب وسطی به‌تنهایی آنقدر حاصلخیز ثابت‌شده‌اند که دهاقین امریکایی که یك برده‌هم‌حصهٔ‌یك فیصد نفوس جهان را تشکیل مید هند،برای مدت های درازی لااقل ۲۵ فیصد از مردمان خودرا تغذیه کرده‌اند.

اما درسال جاری درایالات غرب ووسطی امریکا یك بهار مرطوب غیر معمول دهاقیـن رااز نقل دادن تراکتور های ثقیل بمزارع مانع آمد ـوبعدازاینکه دهاقین‌مذکور تخم های بذری رادر دل‌زمین پاشیدند باران های شدید آنها رااز بین بردو باثرآن بعضی ازدهاقین سـه مرتبه تخم پاشیدند بعداً یك خشکسالی‌شدید آمد که درنتیجه آن حاصلات دربین مـواسم نشو ونمای مزارع خشك شد ـبالاخره درماه سپتمبر گذشته یك خنك قبل‌ازوقت بیاری ازحاصلات جواری وسای بن راکه ازبحران‌های جوی سابق یافته بودندازبین برد نتیجه آنهمه حوادث قلت غله جات وصعود حتمی‌قیمت‌ها بودبعضی ازمتخصصین معتقد ندکـه ایالات غرب وسطی امریکا بسوی‌یك دوره خشکسالی پیش می‌رود ـ

مصایب اقلیمی مشابه به کشور هـای دوردست جهان چون اتحاد شوروی،چیـن‌و کانادا رانیز متاثر ساخته اسـت بعضی از متخصصین هواشناسی استدلال مینمایند کـه تغییرات بزرگ جوی میتواند تولیدات غذائی را [illegible] خساره مند سازد .

[illegible]ون » مدیرانستیتوت مطالعات [illegible] ایالت دستگانسرن‌امریکااظهار داشت که‌ش[illegible]هد بصراحت نشان میدهد اقلیم [illegible]ستقامتی روان است که‌امیدوار [illegible]ه نیست یکفه بریسون انجماد وگرم شدن متناوب کوههای برف قطبی شدیداًاقلیم‌جهان رامتاثر می‌سازد ـوی میگوید هنگامیکه ایـن قله‌های برف قطبی سرد می‌شوند این امـر باعث ایجاد خشکسالی ها،بارانهای شدیـدو سیلابهای وسیع میگردد ـعین پدیده سبـب تغیر بارانهای موسمی بطرف جنوب گردیده که‌باثر آن قسمت های وسیع آسیا درموسم‌و برنج کاری خشك مانده است ـبریسون هفته گذشته به‌نمایندگان پانزده کشور آسیائی در یك کنفرانس تولیدات مواد غذائی منعقده‌توکیو گفت ـجهان داخل یك‌دوره می‌شود کـه‌درآن تولیدات مواد غذائی کم شده میرود وی علاوه کرد اگر اقدامات وسیع درزمینه اتخاذنگردد حیات ملیون ها مردم درسراسر جهان بخطر تهدید خواهد شد ـ

بحران انرژی تاثیر منفی مشابهی برمواد غذائی جهان داشته است کشور های عضـو موسسه صادر کنندگان نفت یعنی (اوپـك) حجم تولیدات موادکیمیاوی راکه متکی‌برپطرول می‌باشد ازطریق تقلیل‌درتولیدات‌پطرول پائین آوردند . این‌کشورهااز طریق‌پنج‌فیصد بلند بردن قیمت نفت کودکمیاوی راتقریباً ازدست کشور های انکشاف نیافته دور نگهداشتند. اولین هدف این اقدام‌متاثر ساختن انقلاب‌سبز رادر خودجهان سوم است ـدوکتور نارمن‌بور لاگ برنده جایزه نوبل که‌خود متخصص‌مواد غذائیست اظهار داشت :یك ملیون تن تقلیل

لطفا ورق بزنید

در ایالت و سکانسن امر یکـا گوساله ها بعنوان پروتست علیـه قیمت های مواد غذایی مورد گلولـه باری قرار میگیرند . صفحه۱۷

قلت مواد غذائی

مواد غذایی درکودکیمیاوی باعث تقلیل ده ملیون تن درتولیدات غله جات میگردد. کشور های که در تهیه اسعار خارجی تاکید کرده اند اکنون مجبورند تاغله رااز خارج برای دفع گرسنگی مردم خود وارد نمایند.

ریتل شنت یک متخصص کمپنی کودکیمیاوی شیکاگو گفت درمقابل ارزش هردالر کودکیمیاوی که بنگله دیش امسال نمیتواند خریداری نماید این کشور مجبور است تامعادل پنج دالر غذا سال آینده تورید نماید.

اگر موضوع راخرابتر تصور کنیم بحر که زمانی بحیث یک منبع غذائی غیرقابل خلاص شدنی تلقی میشد بیش ازاین دیگر یک منبع وفرت وفراوانی نیست بین سالهای ۱۹۵۰ و۱۹۷۰ ماهیگیری از۲۱ ملیون تن به ۷۰ ملیون تن بالارفت معهذا درچهار سال گذشته ماهی های ترااولر درآب به سطح بالاتر بسواحل مراجعت نموده اند گذشته ازاین اکنون غذاهای که از ماهی برای تغذی مرغها وغیره تهیه میشود بمشکل درسواحل چیلی وپیرو پیدا میگردد. تصادمات برسر حقوق ماهیگیری درآبهای بحر همیشه صورت گرفته ودرحال شدت یافتن میباشد. تاوقتیکه همکاری بین المللی بهبود نمی یابد جنگ سرد نظر آنچه که بین ماهیگیران انگلیسی وآیسلندی صورت مگیرد در آینده بین کشور های دیگر جهان درمورد آنچه که دربحر باقی مانده است بوقوع خواهد پیوست.

کشور های جهان قبلا برقابت درحاصل کردن میوه زمین آغاز کرده اند دوسال قبل، هوای غیر مساعدو حاصلات کم اتحاد شوروی راوادار ساخت تابا دوکمپنی بزرگ امریکائی درمورد صدور چهارصد میلیون تن گندم به شوروی معاهده عقد نماید.

مقدار گندم مذکور معادل یک برپنج حصه حاصلات غله امریکابود. صدور گندم خریداری شده اتحاد شوروی به آنکشور که قیمت آن بالغ به یک بلیون دالر میشد مقدار گندم رادربازار های داخلی امریکا پائین آوردو باعث بلند رفتن قیم غله جات بطور بیسابقه درامریکا تردید کشور های فقیر از ناحیه قلت عرضه گندم در امریکاقیل وقال نمودند. امریکائیان قیمت غله رادرسوپر مارکیت های آنکشوردر حال صعود یافتند.

بتز وزیر زراعت امریکا اظهار میدارد که یک قیمت خوب آنست که تولیدات بیشتر راتقویه وتحریک کند. وی باخوشبینی که درین زمینه دارد معتقد است که بحران غذایی جهان یک پدیده گذری است وی میگوید ماهمیشه درجهان مردمان گرسنه داشته ایم فکر میکنم که اوضاع موجوده غذائی جهان جدی است ولی یک بحران نیست به نظروی دهقان امریکائی میتواند سبدنان جهان را پرکند مشروط بر اینکه بوی انگیزه درستی یعنی پول بیشتر تهیه گردد.

وزیر زراعت امریکا فکر میکند که میتواند بیلانس تادیات امریکا رااز طریق فروش مواد غذایی به جهان خارج ببهود بخشد.

این امر بمشابه دست به شمشیر زدن است دوهفته قبل اداره تحقیقات اقتصادی وزارت زراعت امریکااز روی یک پروژه مطالعاتی اظهار داشت که تا سال ۱۹۸۵ باندازه ۵۱۰۹ ملیون تن غله ما در کشور های انکشاف یافته وجود خواهد داشت ودرعین حال در کشور های انکشاف نیافته ۴۷۰۶ ملیون تن غله کمتر ازاحتیاج شان خواهد بود

ازاین خلاوفاصله بحیث یک حربهٔ سیاسی دربحران نفت استفاده شده وخواهد شدزیرا این امربه کشور های مستعد اجازه خواهدداد تابر کشور های جهان سوم که از ناحیه تولیدات غله فقیر میباشند فشار وارد کنند تاکشور های اوپک راوادار سازند که قیمت های نفت را پائین آورد. کیسنجر درشبی انعقاد کنفرانس روم تعهدات جدید امریکا رابرای تهیه موادغذائی ودادن کمک های تخنیکی اعلان نموده ضمنا ازکشورهای غنی دیگربار دیگر تقاضاکندتا درپهلوی ایالات متحده امریکا کمک های خودرا افزایش دهند گرچه درین تقاضا کیسنجر ازکشور های تولید کننده نفت بصراحت نام نبرد ولی معاونین وی گفتند که مقصد کیسنجر کشور های مذکوربوده است بحران نفت بااین پس منظر درکنفرانس روم راه یافت انتظار میرود این کنفرانس که در آن یکهزار نماینده از ۱۳۰ کشور گردهم جمع آمده اند وبرای ده روز دوام کرد زمینه را بیشتر برای تولید حرارت نسبت به برق مساعد سازد مامورین موسسه غذا وزراعت ملل متحد امید وارند تانظریات تازه راارائه کنند ازقبیل تشکیل یک اداره جهانی مواد غذائی که ازموسسات موجوده درین رشته نظارت کند تاسیس یک سیستم ابتکاریه قبلی که حاصلات خراب راپیش بینی کند وتهیه یک ذخیره بین المللی مواد غذائی باندازه ۵۰۰،۰۰۰ تن غله تادر مواقع قحطی ازآن استفاده بعمل آید. باتقلیل چهل فیصد کمک های امریکا درمورد صدور مواد غذائی نسبت به دو سال گذشته، هیات نمایندگی، امریکا درکنفرانس روم موقف ضعیف وخراب گرفته اند چه امریکا درین وقتیکه ازآن تقاضا میشود تاکمک های بیشتری رابه کشور های گرسنه جهان بدهند نسبت به دو سال قبل دارای مواد غذائی کمتر می باشد. وزیر زراعت امریکا بتز، که این فشار راپیش بینی میکند اراده ندارد تاتعهد نماید که امریکا میتواند نقش یک کشوری را ایفا نماید که به تمام کشور های جهان غله مورد ضرورت شان را بدهد.

یکی از مامورین یو-اس-دی-ای امریکا گفت در صورتیکه قبول شود که همه چیز طبق معمول پیش رود با آنهم دو سال درکار است تاما بتوانیم پرابلم های خود راتحت کنترول درآوریم. اگر شرایط اقلیمی سال آینده مارا بیشتر متاثر سازد درآن صورت حل پرابلم های موجوده وقت درازتری راخواهد گرفت. درعین حال راه های حل مورد غور وعلاقه قرار گرفته است.

ارستو فیلسوف یونانی فیصله نهائی طبیعت راچنین توضیح نموده (وقتا فوقتالازم است تامصایب قحطی وجنگی جلو انکشاف زندگی لوکس نژاد انسان رابگیرد) شاید چنین باشد زیرا هنوز بکلی واضح نیست که انسانها به آن سویه رسیده باشند که اجازه دهند یکمقدار بیشتر خلاقیات مدنی در جهان حکمروائی کنند.

چطورمشکلات وپروبلم های گرسنگی ازبین برود درکنفرانس موادغذائی روم متخصصین برموضوع رفع گرسنگی بحث کردند. آنها میگویند اگر درباره بحران غذائی جهان کاری صورت نگیرد فقط محول نمودن حل پرابلم به آینده کاری رانخواهد انجام داد. تکنالوژی که بتواند جهان رابصورت کافی تغذیه کند موجود است متخصصین زراعتی امریکا مطمن هستند که در ظرف چند سال آینده برای یک دهقان امریکائی ممکن خواهد بود تا چنان حاصلات حیرت آوری رابدست آورد که بتواند درهر ساعت ۲۰ تن غذا راکه باویتامین ومواد معدنی غنی شده باشد برای خوراک مواشی دربلدستیک ها بسته کند.

یکعده دیگرسیانس دانان اظهار امیدمیکنندکه حتی پرابلم های کشور هند میتواند باآنچه که ایشان (۴۰۰ افغانی) میخوانند یعنی غذای بیشتر اسعار خارجی تیل وکودکیمیاوی حل گردد

ولی توضیح وتشریح ادویه که بیماری گرسنگی جهان رامعالجه کندنسبت به استعمال این ادویه آسان تراست ازیک نگاه این امر مستلزم پول فراوان شاید صدها بلیون دالر درسال برای چندین سال باشد.

معهذا اگر فرضاکشور های غنی تشویق



یک تن از اطفال قحطی زده





شوند تادر تغذی همنوعان خود کمك نمایند
بازهم این پرابلم باسانی حل نخواهد شد.
برای حل این بحران ازطرق مختلف حرف زده می شود که ذیلا تقدیم میگردد .

درحال حاضر صرف یازده فیصد ازمجموع اراضی جهان یعنی تقریبا ۳٫۵ بلیون ایکر تحت‌زراعت قراردارد هستند متخصصین‌زراعتی که‌عقیده دارند ساحات وسیع دیگر روی زمین که‌بالغ بـه‌٦٫٦ بلیون ایگـر زمیـن میشود میتواند به‌اراضی زراعتی تبدیل شوند .

۱- اراضی زراعتی جدید:

آنها از آسیا که‌تقریباً ۸۵ فیصد اراضی زراعتی آن‌تحت زراعت میباشد حرف نمـی زنند آنها درین‌محاسبه‌خود غالبا متوجه‌جنگل های دوردست وادی‌دریای آمازون‌وقسمت‌های فریقای غربی بوده اند ۰از نظر فنی همچـو توسعه زمین های زراعتی یك چیز غیرممکـن نیست .

معهذا پرابلم اسا سی پرابلم مـالیست بسیاری اززمین های قابل قلبه وزراعت با مصارف قابل قبول قبلاتحت زواعت‌آمده‌است. سالانه ٤بلیون دالر دیگر بکار است تابیست ملیون ایکر زمین‌تاسال ۱۹۸۵به‌مجموع زمین های زراعتی جهان علاوه شود ۰اگر مصـرف زراعتی ساختن‌یك ایکر زمین‌را دوهزاردالر تخمین کنیم درآنصورت برای اینکه ٦۰٦بلیون ایکر زمین راتحت زراعت درآوریم بانـدازه ۱۳۰۲ تریلیون دالر درکار است تااین مامول بدست آید .

ستر برون یکی‌از متخصصین پرابلم مواد غذائی جهان ضمن تبصره گفت: آنهائیکه از افزایش مزیدزمین های زراعتی‌روی جهان‌حرف می‌زنند پرابلم مصرف رادرنظر نمی‌گیرنداگر شما خواسته باشید تامصرف رابدهید شمـا میتوانید دامنه های کوه ایورست رازرع‌نمائید

۲ــحاصلات بهتر

در سالهای بین ۱۹٦۰ و۱۹۷۰ تولیدات مواد غذائی مهم حیاتی چون گندم ،وبرنج‌بـه پیمانه بسیار وسعیی ازبرکت پروگرام های (انقلاب سبز) بـالارفت **تخم های جـدیـده** معجز آسیا **سیستم های توسعه‌یافته آبیاری** وتطبیق کودهای کمیاوی دهقانان رامخصوصاً **درنقاط کم‌غذای آسیا قادر ساخت تاحاصلات** زیادی رابدست آرند معهذا این تزاید بیسابقه درحاصلات زراعتی متاسفانـه **فقط جـهان‌را همانقدر قادر ساخت تاباتکثر سریع نفوس** جهان همگام شود .

خوشبینان معتقدند که تکنالوژی معاصـر میتواند حاصل زیاد تری ازیك ایکر زمیـــن زراعتی بدست آرد درحقیقت ساینس دانـان وسایل جدیدتر وتخم های بذری مولد تـررا انکشاف داده اند یك تجربه علمی درصـدد آنست تاگندم‌رابلویشه های‌سای‌بین (پلی‌باب) پیوند نماید زیرا گندم به نایتروجن ضرورت دارد وسای بین نایتروجن خودرا خود تولید می‌کند اما بسیاری ازین تجارب انکشافی‌تهیه آب‌وافر رادر کار دارد تا بصورت موثر نتیجه بدهد **پلان‌های وسیع وبزرگ‌دیگرچون‌شیرین** ساختن آبهای شور بحر بسیار پرمصرف وپر قیمت بوده وباحتمال غالب عامل بزرگـی در بهبود سیستم‌تهیه آب‌جهانی ثابت نخواهدشد

همچنین ارزش پروژه‌های بزرگ کنترول شرایط اقلیمی چون ایجاد ابرها تا حـــال مشکوك به‌نظر میرسد .

کلید اساسی برای ازدیاد تولیدات غذائی درکشور های روبا نکشاف انرژی ارزان می باشد ۰برای فعال ساختن وبکار انداختـــن ماشین های زراعتی پمپ های آبیاری ،وتولید کودکمیاوی مقدار زیاد تیل درکار است .

بلند رفتن قیم ضد قیمت های نفت دوطرف دوسال گذشته تاثیر ناگوار وزیان آوری دابر **اراضی زراعتی کشور های‌فقیر سرجاگذاشت** پشنهاداتی بعمل آمده که امریکا ئیان بایـد **استعمال کود کیمیاوی را درمزرعه ها، خانه ها درسوك هاوجاهای مشآبه دیگرکمترسازند** تاکود کمیاوی به‌مقدار زیاد به‌کشور های خارج جهت تقویه حاصلات زراعتی شان صادرگردداما نه ایالات متحده امریکاونه کدام کشور غنی‌دیگر جهان حاضر خواهند بودتا باین نوع فداکاری‌ها دست زند .

۳-کنترول نفوس:

تمام متخصصین زراعتی باین امر موافقه دارند که‌جهان هیچگا هی قادر نخواهد شد تا نفوس خودرا بصورت درست تغذیه کند مگر اینکه میزان تکثر نفوس که اکنون سالانه‌بـه ۲۰٤ فیصد میرسد به صفر فیصد پائین آید.

درحال حاضر سالانه ۲۵۰ ملیون دالر از طرف منابع عامه ومنابع شخصی در راه پلان گذاری خانواده ها بمصرف میرسد این مبلغ واضحاً غیر کافی بوده ویکمقدار زیاد دیمـو گرافرها معتقدند که برای اینکه‌پراگرام پلان گذاری فامیلی تاثیر مهمی رادر کنترول نفوس جهان وارد کند سالانه یك‌بلیون دالر ضرورت است. یکعده دیگر باندازه‌درین زمینه‌مایوس اندکه فکر می‌کنند باید حکومت هاپراگرام‌های کنترول نفوس اجباری رابرای جلو گیری از مصیبت تکثر نفوس وپرابلم غذائی جهان‌براه اندازند .

۴ـمواد غذائی جدید .

درطول سالهای متمادی ساینـس دانان‌و متخصصین مواد غذائی بعداز انجام یك‌سلسله تجربیات لابراتواری‌اکتشافات‌جدید رااز‌قبیل تولید مواد غذائی ازتیل ،وتولید مواد غذائی پروتین دار ازبرگهای درختان وغیره رااعلام نموده اند .

همین قسم یك‌تعداد مواد دیگرومخلوط حبوبات وغیره بحیث مواد غذائی طرف استفاده قرار گرفته ومارکیتهای بعضی کشـور های جهان مورد خرید وفروش قرار گرفته است .

اما تاکنون ذوق انسانی وقیمت های زیاد غذا هائیکه که‌باید جانشین غذا های مروجـه **گردد مانع تعویض غذاهای معمول گـریـده** است همچنین متخصصین مواد غذائی ازمدت های درازی بدینطرف خواب کشت وزراعت رادر بحرزده‌اند تاذخایر ماهی‌رابرای استهلاك انسانی ازدیاد بخشند .

باقبول مصارف گزاف وفقدان اراده‌بیـن المللی درین امر ،بازهم دلیلی موجود نیست که‌معتقد شویم بحر درسالهای آینده میتواند غذای زیاد تر انسانها راتهیهٔ کند ۰درحقیقت احصائیه های موجوده نشان میدهد که باثـر کثیف شدن وآلودگی ابحار وبه‌نسبت ماهـی گیری بیش از اندازه‌حجم‌ماهی گیری‌بالتدریج روبه پائین نهاده است .

۵-کمتر غذاخوردن.

بعضی از متخصصین باین عقیده اند کـه یکی ازطرق عملی تهیه مواد غذائی به‌مردمان محتاج جهان وتقلیل پروتین‌حیوانی ازطرف کشورهای غنی می‌باشدبرای تولید یك پوند گوشت گاوهفت پوند حبوبات‌وغله ضرورت است**ژان‌صیریکی** ازمتخصصین مواد غذائی میگوید :(اگر امریکا **ئیان ده‌فیصد از گوشتی راکه میخورندکمتر** استهلاك نمایند غله کافی برای تغذیـــه ٦۰ ملیون نفر صرفه جوئی خواهند کرد .

برعلاوه تخمین شده که امریکائی هابیست **ونیم فیصد ازغذایی راکه میخورند ضایع‌می** سازند اگر اضافه خوری شان هم درنظر گرفته شود این، رقم به ۵۰ فیصد خواهد رسید.

معهذا پیشنهادات‌برای اینکه امریکا ئیان استهلاك موادغذائی خودراتقلیل دهند ناگزیرا به‌مخالفت ها مواجه شوند.

هنگامیکه سناتور هیربرت همفری پیشنهادکرد که‌امریکائیان باید یك همبرگر کمتر درقـی

بقیه‌درصفحه ٦۱

لیکونکی : آدری منلی تکر   ژباړونکی: عنایت الله محرابی

لالهانده‌مینه

ستیفن په‌نرمی سره پوښتنه‌وکړه:«دنورو جراحتونو په‌مقابل کی دیوه سپر په توګه ؟ آیا داهغه څه‌ندی چه‌ته‌یی دماکس څخه غواړی ؟»

هغی‌په هیجانی توګه وویل :«نه! هسوا سرېږی ، راځه چه دننه ولاړ شو .»

ستیفن ترکوره پوری له‌هغی سره ولاړ .. ښکاریده چه‌نور څه‌شی‌دویلو دپاره‌نه‌دی پاتی داوسپنی دروازو سره ستیفن دتانیا خواتـه ورنژدی شو او خپلی شونډی یی دهغی لمه پارخوسره ونښلولی بیایی ورته وویل:شپه په‌خیر تانیا ،هیله کوم چه‌آرام خوب وکړی. اوله هغی څخه روان شو .هغوی دبیاملاقات دپاره کوم پلان جوړنه‌کړ .کله چه ستیفـن سبا سهار هغی ته تیلفون وکړ ،هغه دباندی تللی‌وه .ستیفن هغه ورځ په ناکراری سـره تیره کړه ،کله به‌یی لامبل اوکله به‌دلمـر وړانګو ته وغځید خوټوله‌ورځ دهغی‌په فکرکی وو. بله‌ورځ یی‌هغه‌یی‌له‌ساحل څخه‌دراستیندو په وخت کی‌ولیدله .هغه دکافی په‌څنګ کـی یوازی ناسته وه‌او ډیره دزړه سوی وړښکاره کیده‌د قهوی‌یوه پیاله یی‌هم مخی ته‌پرته‌وه. ستیفن ورړوغ کړ: سلام‌تانیا پرون چـیری پته شوی وی .)

(زه‌دیوه اوږده‌پلی رفتاردپاره دباندی ووتلم) (پدی ګرمی کی.)

پوهیږم خودا یوسوچ لیونتوب ووه‌هغـی یوه مترخه مسکا وکړه اوویی ویل:«له‌ماسره شه قهوه وڅښه » هغی دسترګو په‌کتوکی‌ویل (نه‌غواړم چه‌تردی زیلت یوازی پاوسم)

ستیفن وویل ،(راځه‌چه سبااته هغـــه اسپانیایی کلی وګورو)

هغوی دکوچنیانو په‌شان بی‌پرواوو په‌کلی کی تانیا ستیفن‌نه‌یو کوچنی کیندل‌شوی شکل‌رانیواو ده یوکوچنی دښیښی ونه‌هغی‌ته رالیوله چه‌پر شانګو باندی یی‌دوی کوتری ناستی وی.هغوی دغرمی‌ډوډی‌به‌کلی کی‌وخوړه‌اولاس په‌لاس کی‌دبس خو اته روان شوو .

تانیا کورته دستنیدوپه لار کی‌ستیفن‌ته وویل (ماداسپانوی (پایلا) پخول ښه زده‌کړی دی اویوه ماښامنی میلمستیا ستا پور وړی یم اته بجی څنګه دی ؟زه‌به درته په انتظارکی‌یم

زه‌به‌واقعا داسپانیا دی‌سفر څخه خوند اخلـم) (آیادا سفرتر هغه‌سفر ښـه‌دی چـه تـاد (لادی) سره وکړ ؟)

هغی په‌ساده آواز ووېـل .(ته‌بایـد داړول پوښتنی ونه‌کړی .البته هغه وخت حالات بل ډول ووخواوس زماپه دهغه ملګر تیاپای تـه رسیدلی ده .زه‌له ماکس سره واده کـوم‌او ورسره خوشاله به‌یم) .

زه‌هم همداهیله کوم .زماپه فکرکه څوك یوه خبره څان ته ډیر څله تلقین کړی هغه ربنتیا کیږی) .

هغی په‌تنده لهجه پوښتنه وکړه .

ته ولی له هری خبری څخه ناوړه‌استفاد . کوی ؟)

(په عمرکی یوازی یوه لومړنی مینه وجود لری ،لیونی اوبی پروا مینه .خوخلك بلاخره لوییږی اودخوانی لومړی مرحلی یی تیریږی .حوتا هیڅ تغیرنه دی‌کړی .تـــه اوســد احسا ساتو په‌یوه خلاکی واقع یی.ته دهیڅا سره ژوره علاقه نه‌لری .ته‌څان ته‌داوایی‌چه که دماکس سره واده وکړی هرڅه به‌سم‌شی خودا هغومره آسانه خبره نه‌ده .تاله اول سر څخه زما سره دصداقت اوربنتیا څخه کـار اخیستی دی.اوس ددی وخت دی‌چه دخپل‌څان په‌برخه کی‌صادقه واوسی .فعلا ته‌مهربانـی اوښه تفاهم ته‌ضرورت نلری بلکه بایدپـه سره سینه دخپل‌څان‌په باب مفصل‌سوچ‌وکړی(

تانیا پر قهر سره وویل. (زه‌دخپل ژوند تیرولو دطرتګوالی په باب ستا خبرو تـه ضرورت نلرم !) هغوی په‌پوره چوپتیاکـی دښار خواته روان وو. کله چه‌بس هغـوی دښار په‌میدان کی‌کښته کړل تانیا وویـل. (ستیفن زه‌تاسف کوم آیاددوو خــواراکــو (پایلا) برابرول به‌زما آبدبختی سبب شی؟

ستیفن دهغی خواته ومسل .داناممکنه‌وه چه‌دیوی اوږدی مودی دپاره له‌هغی سره‌مرور پاتی شی .هغه دتانیا سره ربنتیا مینه‌درلوده خودامینه یی چندانی بریالی نه‌وه لیکن هغه له‌دی رخصتی څخه ډیری‌ښی خاطری درلودی.

هغه ماښام مخکی تردی چه‌ستیفن ته‌تانیا څخه جلاشی، هغه یی پخپلو متوکی‌ولیولـه

(زه‌نه پوهیږم څه‌وکړم .پوهیږم چه‌تـه غواړی له‌ماکس سره واده وکړی ...

ستاسره درخصتی تیرول اوهغه وخت چه‌ته دسیندونودیوی ښاپیری په شان ښکا ریدی، زمادپاره دخوښی اوخوشحالی لحظی وی.دهغه آواز بیباکه ووخو سترګی یی‌یوازی دهغـی سترګوته متوجه وی شونډی سری او وچی وی خوتانیادیوی‌شیبی‌دپاره دهغه په‌لاسونوکی پاتی شوه‌اوبیایی دهغه‌خیروته عیناپه‌هماغه‌لهجه چه‌ده امداد کړی وی ځواب ورکړ .

هغه ورځ چه‌دوی دواړه خپل دعلاقـــی وړجهیل ته‌دتګ په‌خیال کی‌وو،تانیاته‌یو تلګرام ورسید تانیاپه داسی حال‌کی چه‌هغه تلګـرام یی‌په‌لاس کی‌ووستیفن ته‌دخپل کـور دروازه پرانستله .دهغی رنګ تښتیدلی ووا‌و پــه خیره کی‌یی دستومانی ښبی لیدل کیدی .هغی ستیفن ته‌وویل .

(ستیفن !دادماکس په‌باره‌کی دی‌هغه پریـوه تصادم کی‌ټپی شوی .زه‌نه پوهیږم چه‌پیښه واقعاً څنګه ده‌خو هغه اوس په‌روغتون کی‌دی .داتلګرام (جولیا) رالیږلی دی زه‌باید یو ځل کورته ولاړشم ...)

ستیفن یوعملی سړی وو.هغه تانیاپه‌غیږ کی‌ونیوله اودیوه ماشوم غوندی یی‌آرامه کړه. هغه‌د هرڅه ترتیبات برابرکړل اوحتی‌دالوتکی سیټونه یی هم ریزرف کړل تانیا اعتراض وکړ .

دویستونه ؟اما ته‌نشی کولای خپلی رخصتـی لـــــه دی‌امله قطع کړی .

(بیله هغه‌یی هم‌چندانی وخت‌نه وو‌پاتی. زه‌غواړم ستا سره ولاړشم) هغی‌په‌داسی حـال کی‌چه په‌ستر ګوکی یی‌امتنان او رضایت‌لیدل کیده ،دستیفن لاس‌ته فشار ورکړ وویی ویل ژوندی اوسی

هغوی دوریځو دیوه سیند پاسه چه‌دلمـــر طلایی رنګ ورکړی وو،د تانیا دکور خواته خپل سفر پیل کړ خوکله چه دلندن په‌هوایی ډګر کی‌کښته شول باران اوریده .

ستیفن وویل . زما موټر همدلته دی‌زه به دی کورته ورسوم .»

(زماکور ډیر لیری دی .... تااوس‌هـم پوره زحمت ګاللی دی)دهغی سترګی داوښکو څخه ډکی وی .دستیفن کتلو هغه غلی‌کړه. تانیا ډیره ستومانه شوی وه .

دتانیا داصلی ښارپه منځ‌کی دتیریدو پـه وخت کی‌ستیفن دکورونو بیاودانول او هغـه نیمکاره کورونه ولیدل چه دماشومانو دلوبو دکورونو په‌شان ښکاریدل اولویو ماشینونو دهغو کانکریټی تختی سره نښلولی ستیفن‌په لویو ماشینو باندی دماکس نوم هم‌ولیدچه‌په غټوغټو تورو لیکل شوی‌وو تانیا په روغتون‌کی د(جولیا) په‌لیدو لوظاهراً حیرانه شوه ،هغه یی‌له ستیفن سره معرفی کړه اوهغوی یـی انتظار په کوټه کی یوازی پریښودل .

ستیفن (جولیا) ته‌وکتل هغه یوه کوچنی ،توروزمه ښایسته نجلی‌وه اوداسی ښکاریده چه‌ټوله شپه یی‌خوب نه‌وی کړی ستیفن‌له‌هغی څخه پوښتنه وکړه .(پیښه څه‌وه؟) سـړکور جوړولو یو ماشین چپه شو، ماکس دهغـه چلوونکی ووهغه جوړیږی و ضمه یی‌ښه ده هغی پرخپلو بی‌موجه ویښتانو باندی لاس تیرکړ اوزیاته یی‌کړه.(هغه وویل چه‌دتانیاز اغوښتلوته ضرورت نشته).

ماکس دروغتون‌په‌شخصی برخه‌کی بستری وو. هغه بالښتونوته تکیه کړی‌وه پښی‌یـی پلاستر اومخ‌یی خوځایه پری شوی‌وو. دهغه دکټ تر څنګ یوتلفون‌پروت وواودهغه مخی ته‌یو میز پرّوت ووچه کاغذونه پرباندی خواره وه. هغه دخپل شخصیت له‌کبله پدغه حال‌کی هم‌کار کاوه .

تانیار ورړوغ کړه .ماکس !)او غیږمی ور باندی راوګرزوله (څه‌درپیښی شوی دی؟)

(ګرانی ،له‌یوه تراکتور سره می‌مجادلـه کوله .لکه چه‌وینی‌زه مغلوب شوم .دوی‌پښی اویوه پښه‌می ماته‌شوه.زه‌به څوورځی‌وروسته له‌روغتون څخه‌ووزم .راسپانیا څنګه‌وه ؟)

هغی پداسی حال کی‌چه دګناه احساس‌یی کاوه وییی‌ویل :(ښه سفروو) بیایی هغه‌ښکل کړاوله څانه سره یی‌داسی فکروکړ :(ګرانـه ماکسه !ته‌ډیر مطمن اوبی توقعه سړی‌یی.زه په‌ژوندکی همداسی سړی غواړم چه‌په قدرت اومهربانی باندی یی اتکا کیدای شی.)

تانیا دستیفن په‌باب‌هم‌هغه ته‌خبری وکړی اوزیاته یی‌کړه (هغه ژه‌کورته راوستم .آیادا یوه لویه مهربانی نه‌ده ؟)

(هوګرانی .ستاپوستکی ډیرښکلی نخودی رنګ غوره کړی دی .کله چه‌زه له‌دی رغتون څخه ووزم سمدستی به‌ولاړشو اوستادپاره‌به یوه ګوتمی انتخاب کړو .مادعسل دمیاشتـی دتیرو لودپاره یونان په‌نظر کی‌نیولی دی.ما تل غوښتل چه‌هلته ولاړ شم خوهیڅکله می وخت نه‌دی موندلی .په یاددی دی‌چه ماوعده کړی‌وه که‌په پوره اندازه‌پیسی پیداکړم‌یونان ته‌به ځم؟)

هغی ودروویل ·(هوپه یادمی دی)·

نانیاته بیازړی ورځی اوشپی ورپه یادشوی چه‌دوی دری واړه ـلاری ،ماکس اوتانیا پــه ښوونځی کی‌وواودښاز په‌یوه کافی کی‌یی‌د شېریخ خوړلو په‌ترڅ کی‌دراتلو نکو پلانونو په باب خبری کولی ·هغی ته‌دنومړی کافی‌دزاړه سبك ښیښه یی لوښی اوږدی‌کاچوغی‌اودمرمر ومیزونه ورپه یاد شول .هغی ته‌داهم‌ورپه‌یاد شوه چه وروسته بیا هغوی دځوانی‌په‌لومړنیو کلنو کی خانته خپل حاص‌جهانونه په تخیــــل کی جوړول چه ځلانده او ښکلی به‌یو·

ترڅوچه لاری یووخت وویــل ددی مدی کسبیږی دلی ځخه زړه‌توری شوی دی‌ـ ولــی ماکس ځان ته‌یوه جلاملګری نه‌پیداکوی؟تانیا په‌دغه وخت کی‌مبجانی وه‌اودیوه داسی شوق پرتیخ باندی واقع شوی‌وه چه‌پخپل ژوندیــی دغه مثال نه‌وولیدلی ·پدی شوق کی‌هغه‌په وریځو باندی ګرزیده اوستوری به‌یی سپینو ګلانو‌به شان دخپل تخیل‌په‌غولی کی‌را ټولول ·پدی وختو کی هغی له‌لاری سره زیاته علاقه اومینه درلوده ·

هغی بیاماکس ښکل کړاوو‌عده یی‌ورکړه چه‌سبابه بیاورته راځی .کله چه‌هغه دانتظــــار کوټی ته ورسیده ،جولیا تللی وه .

ستیفن وویل ·(هغی‌وویل چه‌بیابه‌یووخت ستا سره وګوری (هغه لمړځه مرور شــو او ورویی زیاته کړه :(هغه له‌ماکس سره مینه لری) تانیا کړه:(هغه‌ته ماکس ســـره مینه (مګر دانا معلومه ده‌ته‌دځه لــه‌مخی ویلای شی چه داســـی ده ؟)

(دهغی له‌خبری ځخه ځرګندیږی

تانیاته بیاکوچنی خبری ورپســه‌یا شوی، کوچنی اوبی رابطی پیښی ناځاپه دهغی‌پــه ذهن کی‌دامیل ددانوپه شان یوپه بل‌پسی‌را ژوندی شوی ·هغی له‌ځانه‌سره فکرکاوه‌چــه (جولیا) ډیره خوارکی ده·زه پوهیږم چه‌دهغی دامینه به‌داسی لکه ځنګه‌چه لاری)زه یوازی پریښودم) ·

هغی ستیفن ته په کلکه لهجه‌وویل:تــه نشی کولای چه‌تن شپه ولاړشی زه‌یوه وزګاره کوټه لرم هغی دستیفن دسترګو کاته‌ولیدل او اواز یی وچ غوندی شو .

سهار هغی ددروازی له ځنګ ځخه‌رسیدلی لیکوله واخستل‌اوپه پخلیځی کی‌یی‌قهوه‌جوړه کړه اوپه لیکونوباندی‌یی‌یو ځغلندنظرواچاوه کله چه‌هغی پویوه پاکټ باندی (دلاری) پــه لیك لیکل شوی نشرنامه ولوستله زړه‌یـــی بــــه‌لړزیـــدو سر شــــو قهـــوه ترانداری زیاته چښله خو هغه یی آواز تــه متوجه نشوه‌ستیفن پخلنځی‌ته ننووت اوبرقی چایجوشه یی‌له ساکټ ححه‌وایسنله ·هغــه پداسی حال کی چه‌دتانیا ننداره یی‌کوله دډی پیالی یی‌د قهوی ځخه ډکی کړی هغی اقلا دری ځله دلاری لیك ولوست اوبیایی سرپوړ ته‌کړاو ستیفن ته‌یی وکتل ·دهغی سترګی بریښیدلی اویوه دردناکه مسکایی‌په شونډو

باـــدی نخیـــــده .

داد(لاری) لیك‌دی ·هغه له‌یوی نجلی‌سره په‌هغه ښارکی‌چه ځان‌ته‌یی کار پکښی پیداکوی ته‌یی‌کار پکښی پیدا کړی واده کــوی. هغه لیکلی چه‌دایو ستړی کوونکی کاردی خوښه آینده لری !

که‌چیری هغه رښتیا ددی نجلی دپاره‌کار وکړی اوله سرګردانی ځخه ځان وژغوری نو رښتیاچه پرهغی باندی مین دی ، هغه لیکلی دی چه ملګری یی‌ډیره ښکلی‌ده .»

تانیا په خندلو شروع وکړه خوپه پای کی‌یی خندا په‌زړا او سلګیو بدله شوه.ستیفن دقهوی یوه پیاله هغی ته ورکړه او هغی‌هم دقهوی په ښښلو پیل وکړ قهوه ډیره‌تږی او خوږه وه .

تانیا ځانه سره داسی فکر کاوه:«ښه‌نو «لاری» بالاخره پوره سړی شو ، تانیا!پرېږده دلومړنی مینی داخوب چه ته درپوری ښښتی یی در ځخه لیری شی .کله‌چه «لاری» درڅخه ولاړ ژوند او مینه دی دواړه قطع شول.اوس ددی وخت دی‌چه ته‌هم دلویانو په شان کار وکړی اوداتولی خاطری ترشا پریږدی .»

ستیفن وویل :« آوس نوهرڅه ډیرښه ترتیب شوی دی . «لاری» واده کوی اوداستا اوستا دټولو ښو امیدونو لخوا بو سوغات دی چه هغه‌ته وړاندی کیږی بیا نوته‌پــه کاره له مــاکس سره واده کــولای شی .

«لاری» هغه وخت چه پخپل سروو بل سړی وواواوس چه ټول عمر مینه ورسره‌ده یوبل سړی‌دی . هغه نور تاته ضرورت نلری اوته نشی کولای هغه له‌ځانه سره یوځای‌کړی.

ستا دپاره‌اوس یوازینی‌کار دادی‌چه‌ماکس ته خپله توجه وګرزوی او ښایی یو وخت‌له هغه سره مینه پداکړی .»

تانیا هغه ته خواب ورنکړ خوله ځانه‌سره یی فکرکاوه چه دهغه خبری سمی دی .

ستیفن له‌هغی سره ډیرښه وضعه‌کړی‌و، اودهغی درخصتی ستوماټو ونکو ورځو ته‌یی خوند او رنګینی ور بخښلی وه . هغه‌دی‌ته

• • •

دیوی هداری حیثیت درلودچه دهغی‌دشخصیت انعکاس یی په رښتیانی توګه ځرګنداوه

تانیا فکرکاوه چه دځپل‌ژوند تر پایه‌پوری به‌له ستیفن ځخه ممنونه وی . تانیا دهغه تر تلودمځه دغه ټولی خبری ورته وکړی . هغه دتانیا مخ‌په ځپلو لاسوکی ونیو، په دقت‌سره یی‌هغی‌ته وکتل او ورته ویی‌ویل :

ـ« تانیا ، ته پرما ډیره ګرانه یی.که‌د «ماکس» له خاطره نه وای مابه‌داسی په‌آسانی ستاځخه لاس نه‌وای اخیستی .که چیری‌ستا هیله ترسره نشی وعده راسره کوی چه‌بیابه ماخبروی ؟»

هغی یو اسویلی وایست او دیوی شیبی دپاره یی هیڅ ونه‌ویل . هغــی ولیدل چــه ستیفن خپل آدرس اود تیلفون نمبر دهغی دپاره ولیکه . هغی ستیفن ښکل کړ او خپل ژور ممنو نیت یی ورته ځر ګند کړ ستیفن دهغی ډیر خوښ وو .

• • •

تانیا ترهغو پوری ستیمن ته لاس‌ښوراوه چه‌هغه‌یی له نظره غایب شو . بیاهغی جولیا ته تیلفون وکړ او ورته ویی ویل : «زه‌نن‌په کورکی نه یاتیږم او روغتون ته ځم .»

جولیا په محطاطانه لهجه وویل :«ښه‌ده، دستیفن په‌باب دی ځه وکړل ؟»

ـ «هغه ولاړ . ماکس به‌خو ورځی‌وروسته له‌روغتون ځخه راووزی ، ځومره به ښه‌وی!»

ـ «هو. زه دهغه د تصادم له امله ډیره خواشینی یم .»

تانما داسی فکر کاوه چه‌د «جولیا» آواز هغه غولوی دتانیا په فکر ستیفن د هغی

پاتی په٥٦ مخ کی





دولفین ها همیشه از یکدیگرخود درموقع خطردفاع میکنند

وبازهم راجع به دولفین

از منابع شوروی : ترجمه :جمال لغری

بشر برای آنکه کلیدرمز بعضی از اسرار حیات این حیوان رابدست آورد پس ازقرنهای متما دی تفکر وتشبث به یکسلسله مطا لعات وتحقیقات دست زد

ژان تار بور

درمیان کلیه حیوانات بحری عجب ترین‌و جالبترین حیوانی که‌ذریعه هواتنفس میکنـدو **پارچه های خورد گوشت (ماهی های کوچك)را بلع می‌نماید یکی هم‌دلفین است .تنها طـی افسانه هاوقصه ها حکایت میشدکه‌دولفین‌هم مانند انسان‌ها دارای مغرواحساس‌اندودولفین‌باّ پروگرام های منظمی که درکنار سواحل‌اجرا می‌کنند می‌توانند انسانراساعتها مشغول‌نگهدارد**

علما اکثرا به‌این عقیده اندکه این حیوان‌زیرك واقعا قادراند بعضی معلومات های مورد نظـر رادر دسترس آدمی قرار دهند .

اضافه از شصت قسم مختلف‌دولفین‌هاو سایر خوکهای بحری درآبهای گرم به‌ساعـت تیری مشغول اند .

باوجود آنکه بین خوك‌های بحری ودلفین تفاوتی نمی گذارند ولی بین آنها اختلا فاتی از نگـاه های مختلف موجود است مثلا پوز دولفین‌تیز بوده درحالیکه ازخوك آبی پهن است .بعضـی ازعلما ازین تفاوت هم صرف نظر کرده دولفین وخوك آبی رادر یك ردیف قبول نموده اند.

این خصوصیت دردولفین هامو جود است که‌بعضی‌از معلومات هارا یك به دیگرآزادانه مخابره کند امکان‌آن‌موجود است تابه دولفین آموختانده شود که ازبعضی اوامر آدمی پیروی کنند طرزتنفس‌دولفین هابصورت عمومی‌ازطرز تنفس حیواناتی که‌در روی زمین «درخشکه» زندگی می‌نمایند متفاوت است .

دلفین ها قابلیت فوق العاده حرکت سریع رادر آب دارند بااستفاده از ساختمان هـای مخصوص (اخذ صوت) خود قادراند اجسام‌و مواد یکه درآب قرار دارند پیدا کنند وحتی‌اگر چشمان شانرا هم‌ببندیم بازهم‌قادر خواهندبود وظایف پغرنجی راایفا کنندکه‌ما یه‌تعجب‌باشد جالب تراز همه اینست که‌دولفین با حیـات اجتماعی علاقه خاصی داشته ازاجتماعات نمی گریزد وباانسان الفت نموده خوان دوستـی هموار می نماید .

ایزوپ‌عالم یونانی (قبل‌ازتاریخ) در مورد دولفین حکایه‌ای دارد که‌دولفین سگی رااز غرق شدن دربحر نجات داده است ایـن سگ در حالیکه یك کشتی غرق میشد دراطراف آن‌دست وپا میزد ودولفین همینکه سگ رآدید آنـرابه ساحل آورده ازمرگ نجات دادولی دوباره سگ مذکور رابه آب انداخت تا آنکه مرد. زیرا پس ازآنکه دلفین سگ مذکور رابه ساحـل رسانید بعوض آنکه ازدلفین اظهار شکـر ان شود دم‌دلفین راچك انداخته بود

وهمچنان حادثه دیگر شاعر معروف یونانی (ارد یون) قابل تذکر است که نامبرده خودرااز چنگ دزدان دریائی به‌آب‌انداخت اورا نیزدلفین از مرگ نجات داد .

ده‌ها داستان‌وحکایات مختلف‌درمورد دوستی غیر عادی دلفین های ساحلی بحیره مدیترانـه بامسکو ینن واطفال سرزمین ایتالیا شاهـد مدعای فوق است .

درقرن اخیر درنیوزیلا ند(زیلاند جدیـد) قانون دولتی برحسب حفاظت حیات دودولفین که‌در ساحل آن قرار داشتند تصویب شدیکی ازین دولفین ها بنام (پیله روس جیك) بودکه همیشه کشتی رابطرف ساحل رهنمائی میکرد والی رسیدن آن‌به لنگر کاهش روی امواج‌بحر موازی باکشتی حرکت مینمود ودیگرش کـه دلفین ماده ای بود بنام (اوپو) یاد شده کـه مسکوینی شهر آپونونی رانظر به‌چهره وبعضی خصوصیات دیگرش تشخیص میکرد این دلفین درست داشت بااطفا لیکه‌درساحل می‌آمدندبازی کنند وخاصتا یکی‌از دخترهای که‌اغلب به‌ساحل می‌آمد علاقه خاص داشت .

زمانیکه جسد این دولفین (اپو) رادر ساحل یافتند تمام‌شهر ازغصه گریست دولفین‌مذکور دراثر یك‌تصادم باسنگ بزرگی کشته‌شده‌بود. دلفین ماهیگیران کلفرنیا ومکسیکو رادر پیـدا نمودن آشیانه ماهی مخصوصی که‌بنام (تونس) یاد میشود کمك مینماید وماهیگـران ازیـن خصوصیت دولفین‌هابوجه‌عجیبی‌استفاده می‌نمایند

ماهیگران توزیم که‌در آبهای گرم ساحـل جنوب شوق آسیا مشغول تهیه تدارك ماهی‌اند عقیده دارند که دولفین خالدار خاکستری برای آنکه ماهی هابه مقدار زیاد تری داخل تورماهی بیفتند کار های عجیبی می کنند .

بعضی ازتیپ های دولفین که‌در آب هـای



دولفین‌بسی از بازی های اکرو باتیك را نیز اجرا می تواند

نوسیدنی سواحل امریکای‌جنوبی زندگی‌می‌کنند ازطرف مسکو نین ساحلی خیلی هاقدر میشوند چه‌آنها این حیوان رامقدس شمرده عقیده دارند که مغر وقین راهمواره دلفین از مرگ نجـات داده است .

تحقیقات درمورد اناتومی دولفین بعمل آمده وسعی بشر در تشریح مغز وقسمت های‌داخلی وخارجی مغز این حیوان پستا ندار بحری بـه کدام نتیجه مثبتی نایل نگردیده است مشکلات اصلی درین بود که‌مغز دلفین باید بسرعـت فوق العاده از کاسه سر جـدا میشـد ومـورد تحقیق قرار میگرفت زیرا مغز دولفیـن دارای چنین خواصی است که پس از۳۰ دقیقه بعداز عمل بکلی از استفاده برامده وتجارب علمـی وطبی راکه لازم‌است‌بالای آن صورت‌گیردعمل شده نمی تواند بنالازم است تاانسانها نخست سرعت عمل‌راداشته‌باشندوبعدا تدابیری‌اتخاذ نماید تااز مغز سر دولفین مدت زیادی به‌حسن صورت نگهداری بعمل آید

به علت اینکه‌مغز دلفین‌دارای‌شکل پیچیده‌ای است عملیات بیرون ساختن مغز دلفین ممکـن

است چندین ساعت رادر بر بگیرد (درصورتیکه برای بیرون آوردن مغز انسان فقط ده دقیقه را احتوا می کند)

برای آنکه دلفین از نگاه جراحی مطالعه شود محققین سعی کردند از نرکوز استفاده نمایند ولی این تلاش آدمی باعث مرگ حیوان مذکور شدو هیچ کسی هم‌علت آنرا ندا نست که چــــرا ؟

فقط دراواسـط سال ۱۹۶۵ بودکـه گـروپ محققین انستیتوت (مسایل تبادله اطلاعات) (میامی) حل این معمار بدست آوردند.

انسانها وسایر حیوا ناتیکه درخشکه زندگی می‌نمایند بصورت اتومات هوارا تنفس‌کرده‌در حالیکه دلفین هوا راخاوج ازآب گرفته وبعـــداً داخل آب‌می‌شوند وبه تدریج ازهوای ذخیره شده استفاده می نمایند وهرگاه کیسه هـــوا خالی شد دوباره روی آب می‌آیند .

دلفین هوارا ازراه‌گلون خود (مجرای‌تنفس) در قسمت فوقانی کله دلفین قرار دارد گرفته ودر شش های خود نازمانی آنرا نگهمیدارد کـه درمیان آب قرار دارد وهمینکه‌درسطح‌آب‌قرار گرفت، دوباره هوای تازه گرفته دوباره بـه‌آب غوطه ورمی شود .بصورت نورمال دولفین‌دریک



دلفین درحال پرش ازسطح آب

دوحقیقه میتواند ۲-۴مراتبه‌تنفس بکشد وهوابگیرد این تحقیقات علمی پرسش های جدید را بدنبال دارد .

چه وقت دولفین میخوابد؟ هیچ کس نمی تواسیت جواب‌معینی به‌این‌سوال بدهد باتفاوت ازوتولین «که‌درخشکه‌میخوابد وازجمله‌حیوانات پستاندار بشمار می‌رود وهوا راتنفس می‌کند، دولفین بطور دوامداری روی‌آب حرکت می‌نماید

ودر حالیکه وجود خودرا بلند می‌نماید هوارادر شش های خود میگیرد .بعضی ازعلما پیشنهاد مینمایند که‌نیمی ازمغز دلفین بطور دوامـــدار استراحت می‌نماید وبعباره دیگر گفته میشود که این حیوان بصورت دوامدار در حالتی قرار دارد که حالت (نیمه خواب) یاد میشود .

با گرفتن نرکوز دولفین بصورت بسیار عادی ازتنفس کردن باز مانده وبه سهولـــت می‌میرد .در یکی از انستیتوت های (میامـــی) محققین شش های میخا نیکی را برای تحقیقات جراحی این حیوان بکار انداخت رهنمائی این هیات محققین را پروفیسور یوجین نایگیـــک عهده داشـــــت

علما ومحققین زولوزی‌به‌سیستم دوران‌خون دروجود دولفین بیشتر علاقمند شدند .خون‌در وجود دلفین بدون آنکـــه مانند نبض انسانها پمپ شود جریان عادی دارد این به علتی‌است که‌قلب میخانیکی ،شش همه‌خونی راکه می‌دهد بدون هیچگونه ضربتی داده می شود بسیـــار امکان داردکه مطالعه آین حادثه‌در ارگا نیـــزم دلفین زنده برای کسانیکه ساختن همچو آلات راطرح میکنند معلومات جدی‌برای تجدید کردن وبهتر ساختن ماشین های خود دست وپا کنند،



دلفین ها به بازی های اجتماعی نیـــز علاقمند می شوند



دلفین قادر است دوچند مقدار آکسیجن‌راکه انسان ویاسایر حیوانات باترکیب خون یکجامی نمایند بگیرد اودر برابر این مقدار که‌به سطح دوم‌آکسیجن اخذمی‌کندقادر استزندگی‌نمایــد درحالیکه انسان باهمین مقدار ممکن است یاخفه شود ویا اینکه کم‌ازکم‌از حال برود .

برای آنکه بصورت مکمل دلفین راشنا خت ومطالعه کرد باید اورادر محل مطلوبی که‌قبلا پیش بینی شده باشد قرار داد وتاریخ انکشاف

زندگی وسایر ایجابات دیگری راکه درین‌محل برای آن لازم است مهیا نماید .

دلفین هایی که درزمان‌قدیم زندگی‌داشتند وسایر نهنگ های‌قدیمه‌ملیون هاسال پیشــس بحر راترک گفته ودر خشکه به‌ادامه حیات خود ادامه دادهاند ودر اثر حوادث مختلف بقایـای آنها رابه بحر برگشتا نده‌اند در حالیکه حوادث ارگانیزم وجود شانرا حفاظت کرده بود.

نهنگ های بزرگ که پدران دلفین زمان حاضر اند وامروز بجز استخوا نهای آنها هیچ شباهتی بادلفین ندارند انسانرا بیاد آن‌زمانها می اندازد .

دلفین حیوان‌اجتماعی‌است ومیتواند‌معلوماتی رادر مورد خودو راجع به‌وضع خودبه طــرف مخابره نماید .

قرار معلوم دلفین زمانی اعلام‌خطر می کند که واقعا کدام خطری اورا تهدید کند وایــن عمل رابا انپلاق زدن به‌نحو مخصوصی اجـرا می‌کند همچنان خواهشات جنســـی انتقام از حریفیکه باچشم بدبطرف‌دلفین‌ماده نظر بازی کرده وغیره آرزو های خودرا دلفین با انپلاق زدن افاده می کند

در مجمع دلفین ها دسیپلین وقوانین شدید رهوار است که‌در مورد اعمال زشت وظالمانه دلفین قوی در برابر دلفین ضعیف نراز حـــود بکار می بنــــدد .

دولفین‌نر همواره ازدلفین‌ماده پشتیبانی کرده احترام به‌جنس لطیف‌دربین دولفین هابه‌واقعیت حاضر واثی دارد ۱۰اگرروزی دولفین نربردولفین ماده‌غضبناك شودبنابرآن‌انتقام‌خودرا نه‌تنهااز اوبلکه ازجوچه های اومیکشد بدین معنی کـه آنها رامورد سر زنش قرار داده از دوروبـــر نشان دندان میگیرند .

باوجود یکه دلفین‌هاموجوداتی خوش مشرب مست ودوست داشتنی اندولی درعین حـــال حیوانات قوی ... محسوب می‌شوند بنابرآن

گر انسانها باعث اذیت وآزار دلفین هامیگردند دلفین نیز بارسانیدن ضربات قوی وبه‌دنـدان گزیدن ازآنها انتقام می گیرند .

همچنان وقتیکه دولفین هابا نهنگ هـای وحشی (آکولا) برمیخورند میتوانند با ضربـه قوی‌خود این‌حیوان قوی ودرنده رااز پادرآورد واو رابکشد .البته بعداز وارد آوردن ضربـه قوی دلفین نیز به خونریزی مغز دچار شده‌از بین‌می‌رود ومیمیرد ناتمام

ترجمه ی: ر هپو

یك داستان دنباله دار

نوشته ی: هو گ گو

جزیره ی خاطره

از آنسوی اتاق مان، جایکه شو هرم به درست کردن آیینه باچو کات بر نجسی اش که بتاز گی برای ما تحفه آورده شده بود صدا کرد «اودری؟ خانم والاس» تبسم نمودم.

در چند ساعت [illegible] دو مراتب مواخانم والاس [illegible] هنوز [illegible] بعد ازظهر [illegible] اودری پالمر [illegible] شده [illegible] ماه جوست بودم که رخصتی تابستانی ام را [illegible] جامیکا می گذراندم . یکماه پیش حتی دکتور کننت والاس را نمی دانستم که وجود داشت یانی.

برایم شگفت آور بود که ناگهانی خود را متعلق به خانواده ی والاس ودر قصرافسانه ای آنها که مدت ها در هاله ی اسرار پنهان بود [illegible] سیبازی لحاظ این حادثه برایم [illegible] بود. ولی باوجود برخی حوادث ورخداد های ترس آور که درگذشته بمیان آمد وهوشدار های که بتازگی دریافت نموده بودم لحظه ای که بسوی شو هرم می رفتم هیچ احساس ترس نداشتم در حالیکه باآغوش همدیگر بودیم، خاطرات عروسی ام که بتازگی درسالون بزرگ پایین خانه برپا شده بود، درذهنم زنده گردید .

حتی در رویا های دوران جوانی ام چنین مراسم باشکوه عروسی راه نیافته بودم تمام خانواده ی بزرگ والاس درجامیکا آنجا گرد آمده بودند وعلاوه بر آن تمام دوستان خانواده در سراسر جزیره . در حیاط خانه افراد مختلفی ازروستا های دور گرد آمده بودند تا به (داکتر کننت) نشان بدهند که تا چه اندازه مورد احترام آنان قرار دارد .

و موسیقی آن زن مسن معجزه گر، مادر کلان کنت [illegible] آهنگ عروسی را در پیانو می نواخت حتی در [illegible] کلیسا هاکس نمی توانست این آهنگ را [illegible]



آرکن بنوازند او نمی خواست من و کریستینا متأثر شویم . آهنگ تمام فضای خانه راپر نموده واز درو پنجره های آن بسوی جنگل ها کوه هابازیبای خاص جریان میبافت وباخود تمام شك‌ها وترسم رامی زدود .

کننت به آهستگی در گوشم زمزمه کرد:

(مبر من والاس ، ماه قشنگی ازکوه‌های دور دست بلند شده است چه می شودقدمی بباغ بزنیم تاپیش از اینکه دروازه ها یمان رابروی شب ببندیم ؟)

گفتم:

(مه عاشق اش هستم)

در حالیکه دست بد ست هم داده‌بودیم اززینه ها پایین شدیم بیرون، انباشته از نورماه وبوی عطرگلها بود ، باکننت به آهستگی پیاده رو ها رازیر پا گذ اشتیم‌تا اینکه برکناره‌ی باغ‌که از فراز آن دور نمای زیبا دهکده بخو بی دیده می‌شد ، رسیدیم.

در همین لحظه خاطره ای او لین دیدارم‌از قصر بزرگ خانواده ی کننت بیادم آمد.

وبعد، باو جود اینکه شام عروسی‌ام‌بود، تمام خاطرات گذشته سیل آسا برمغزم هجوم آورده وبار دیگر ترس بوجودم راه‌یافت.

مالك مهمانخانه ی بلو ویز تا، جا پیکه هنگام پا بگذاردن به جزیره جامیکا در آن سکنی گزیدم راجع به قصر والاس گفته‌بود.

«پیفله پالمر هرکس بایداین قصر بزرگ رآولو برای یك دفعه هم شده ببیند» و لی بهتر است که سپیده دم بانجا رفت زیرا نا وقت تر برانهای‌سیل آسای ماه می‌اینجزیره امکان دیدار درست رابرای انسا ن نمی دهد.

لذا یکروز روشن برای دیدار از قصر والاس راه افتادم. جاده ی مار پیچی‌کوهستان ازمهمان خانه ی‌ویز تا مرا ازبین دهکده ی کوچکی که تازه در آن نبض زند گی روزانه می‌زد، بسوی بالا ها کشاند دریك محوطه‌ی سر گشاده وباز ،ز مین کمی هموار شده‌و روی آنرا در خت های که دارای میوه ها و سبزی های مختلف منطقه حاره‌بود ،پوشانیده بود.زنانی که درآن حوا لی ایستاده بودندبا نظر احترام بمن نگریستند .

آنها پیشتر مرا ندیده بوند . همیشه مهمانان بلویز تا به آن طر ف هامی آ مدند ولی این دفعه اول‌بودکه باتطر ف پامیگذاشتم. دوکتور خانوادگی در ماسا چوست دو کتور پندر بمن گفته بود که باید استراحت کنم زیرا من بحیث یك پرستار گوش شنو ایی به‌نصایح دو کتور داشتم.

او برایم هوشدار داده بودکه :

(رفتنت به جا میکا معنی آن را نداردکه تمام جزیره رازیر پابگذ اری این بدان‌معنی است که بنشینی ،استراحت کنی و بخوابی‌و سعی کنی که همه حواد ث‌گذشته رافرا موش کنی ،خوب طفلکم) .

این نصایح بیشتر بخاطر آن بود که‌پدرم بتازگی مراو دنیارآ پدرود گفته بود

طفلك؟ بزودی پابه سن بیست و چار سالگی می گذاشتم ، و حتی ازآنهم پیر تر خودرا احساس می نمودم. چند هفته پیش‌از اینکه در شفاخانه ای در بوستو ن کار می کردم وبه‌آرامی با پدرم زندگی میکردم خود راخو شبخت احساس می نمودم زیرا مادرم هنگا میکه هنوز دوسا له بود م‌مرده‌بودوبا اطمینان به‌یك زند گی بهتر آینده خوش‌بودم بعد، بصورت ناگهانی وشگفت آور پدرم به اثریك حمله قلبی در گذشت وآن بخش زندگی ام پایان یافت.

فکر کردم پس از مراسم تشیع جنازه‌به وظیفه ام بار گردم. د لی دکتور پندرنصیحتم کرد.

«توکنس هستی ، برای بعضی ممکن کار بهترین دوا باشد ولی تو هنوز آ ماد گی گرفتن این دوا رانداری . برای مدتی‌به دور دست ها سفر کن و استرا حت نمای.بجای برو که همه چیز برایت نو باشد در مورد جزایر غرب چه می گویی ؟»

«لیکن »

« جامیکا. یك جزیره ای قشنگ است.

چند روزی را دریکی از دها ت آنجابگذ ران‌و استراحت کن. کمی راجع بانجا میدانم.در این محل مهمانخانه کو چکی قرار دارد که‌گاه گا هی دوستانم برای استرا حت آنجا می روند.وبعد از اینکه بهتر شد ي می توانی جای دیگر بروی » .

اعتراض کردم.

(اوه‌نی ، این‌را نمی خواهم)

(تو باید بروی ، او دری، باید)

استد لال نیاور دم، دلی می دانستم که چیزی مراخو ش نخواهد سا خت‌ولی ا کنون خوشحال بودم که‌به بلوویز تابودم واز همه بهتر اینکه درآنجا فقط یك مهمان دیگر وجود داشت.

وخو شحا لی ام‌و قتی به اوجش رسیدکه دراین صبح زیبا در دهکده آرا مش بخش، بسوی قصر افسانه ای والا س قدم می زدم.

بعد راهرو ي که نز دیك جاده قرار داشت مردی سخن گفت وبا سرا سیمگی ایستادم.

او گفت :

(اوه، زن زیبا)

باشگفتی نگاه کرد م و چیزی را که‌شنیده بودم باور نمی کردم. اینو عخو شرآمدگفتن وآنهم دریك دهکده‌ی جا میکا و آنهم از یك آدم‌کلان ؟ باور نکردنی بود واز اینکه مرابه شگفتی واداشته بود خوشحال بنظر میرسید وبعد بایك حر کت زشت در حالیکه پای رهایش رالازم گشود تکرار کرد .(اوه، زن زیبا).

از، جانب چپم جیغی با صدای بار یك شنیدم (ویکتورا) واز درون حصار گل های رنگارنگی که محو طه خانه رابخو بی‌مرزبندی میکرد، یکزن با دوش آمد. این زن که باریك وجذاب بود وچهره اش را پوستی با رنگ مس روشن پوشانیده بود، کاملا عصبی‌معلوم میشد .

باخشم وقهر مردی را که مرا چنان‌مخاطب نموده بود، دشنام داد.

(او، مادر مه نمی خواستم تااین‌زن را آزار بد هم)

مادر ؟ از نزدیك به او نگر یستم. اگراو مادرش باشد ، پدرش باید مردقوی‌وتنومندی باشد زیرا ویکتور خیلی بزرگ معلو م‌می شد. در کنار بچه، مادر ش مثل گدی گك بنظر می آمدرنگ چهره ی بچه بمراتب‌روشن تربود. ممکن پدر ش سپید بوده باشد .

براهم ادامه دادم وبجای رسیدم‌که دریا قطع میشد .نقطه ای زیبا و دل انگیزبود. اکنون دهکده بعقبم قرار داشت . بجلو،کوه هامانند دود آبی بسوی آسما ن‌بلند میشدند وآسمان درحال پر شد ن ازبیر ق های سپید گونه ابر ها می گردید. در همان‌حصه جاییکه فکر میشد باران می بارد آسمان‌راابر هاتیره وشب‌گون فرا گرفته بود . در زیر پای هایم آب شفاف در یا روی سنگ های در خشان می لغز ید. بمجردیکه روی چوب درازی که بجای پل استفاده میشد پای گذاردم دیدم که در زیر ما هی هاکو چك‌و رنگارنگ جست و خیز می زنند. راه باریك بسوی بالا دربین کو هستا ن‌که بدوطر فش مزارع قهوه پهن شده بود، مانند اینکه‌پایان ندارد، کشیده میشد لحظه ای‌بعداز درون جنگل قهوه بجای که روشنی تند آفتاب چشم هارا خیره میکرد ، برآمدم وروی نشیبی در پیشا پیشم قرار داشت قصر کننت قدبر افراشته بود.

قصر بزرگ بود، این رابمن گفته‌بودند. در دوره ی بردگی یکی از جمله قصر های بزرگ‌جز یره بحساب می رفت و اکنون هم چنین بنظر می‌آمد . زیرا پیچ و خم های زوایای با مشق دیوار های از سنگ‌خاکستری رنگ قرار داشت. واین سنگ های اصلی ساختمان بود و روی چوب‌کار های آن‌بتازگی رنگ خاکستری تیره زده بودند در حالیکه کلکین های آن بارنگ خا کستری رو شن رنگ آمیزی شده بود مجموع رنگها اندوه‌بار این احساس رابرایم بو جود آورد که د ر برابرم یك قلعه ی قدیمی و کهن قرار دارد.

فکرکردم که قصر والاس مانندقلعه های‌کهنه پر ازخانه های متعدد است از آنجا پیکه‌قرار داشتم پیشتر نر فتم . راه ،که فکر میشد فقط بخاطر باغ داران قهوه درست شده‌است بسوی دره‌ی کو چکی که‌با نطر ف قصرو الاس قرار داشت ،کشیده میشد. در حالیکه به‌باغ های متعلق به قصر بزرگ می‌نگریستم صدای پیانو ی‌راشنیدم .

کسی در درون قصر والاس آ هنگ بتهون رامی نواخت .

ناگهانی فکر کردم، ماد ر کلان‌کریستینا والاس پیر ، اگر کسی بد استا ن باورداشته باشد از و قتیکه اربا ب کننت مرده‌بود،تمام شب راپیانو می نواخت. در حالیکه بسوی دور دست های دره کو چك به سنگلا خی‌که خیز قضاوت نامیده می‌شد واز آنجا ارباب کننت بپایین افتاده بود، می نگریستم،موجی ازترس در دآلود سر اپایم را نور دیده‌نقطه‌ی ترس آوری بود. این سنگلاخ که از سنگ سیاه ترکیب یافته بود تالبه‌ی پرتگاه ژرف دره می رسید.

آهنگ بتهون تاپل چو بی ای‌که بیشتر ازآن گذشتم مرا تعقیب میکرد. بمجرد یکه‌از روی‌پل گذشتم فریاد کود کی تو جه‌مرا بخود کشاند.

فریاد آ میخته از ترس ودرد بود. ازآن جاییکه شغلم پرستاری بود تکان شدیدخوردم این فریا د ازسو ی‌خانه ای کنی آنطر فتر قرار داشت می‌آ مد. به آنسو دویدم. و به مجردیکه نزدیك دروازه ی‌بانگسی رسیدم‌زنی که‌طفل گریانگر را باغوش اشت، معلوم شد.

زن جوان بود، تقریبا هژده ساله. اوبا زامیدی بجاده می نگریست .

پرسیدم.

(کمك کرده می توانم ؟)

باشگفتی بمن نگریست .

(البته لطفا)

طفل دختر تقریبا سه ساله بود و خون‌از زخمی که در دست راستش قرار داشت می ریخت.

گفتم:

(بدکتور ضرورت است)

(بلی ؟ بدنبال دکتور والاس فرستادم)

(اوکجا ست ؟ دختر ك باید زود تحت تداوی قرار گیرد)

(او تقریبا یك سا عت پیش بطرف‌پایین رفت)

(خوب ، مالمی توانیم دختر ك را اینطور رها بسازیم که‌خو ن از دستش روان باشد کدام تکه پاك دارید ؟)

بقیه در صفحه ۹۰

علیشیر نوایی

اثر : م . ت . آی‌بیک
ترجمه : ع . ح . ایلدم

خبر بازگشت نوایی وانتصاب او بصفت مهردار دولت‌چون‌حادثه‌مهمی انعکاس میکند. اهالی خراسان این‌تقرر را به فال نیك میگیرند وچشم امید به‌سوی او میدوزند .

چندی بعد میرزا یادگار یکی ا زشهزاد گان تیموری علم بغاوت می‌افرازد وباوجود شکست فاحش که‌از قشون حسین بایقرا میخورد ،بار دیگر تجدید قوا نموده ،بیا ری‌عده‌ای‌ازبیك هاوامرار خائن ،شهر هرات‌را تحت تصرف در می‌آورد.

حسین بایقرا که در صددبدست‌آوردن دوباره قد رت است پس از مدتی سر گردانی به «میمنه» اقامت‌میکند وپس از آنکه تصمیم میگیرد بااستفاده از غفلت میر زا یاد گاربر هرات شبخون بزند، باسپاه باقیمانده بدان سمت روان‌میشود .

حسین بایقرا در عرض راه‌با درویش معروفی‌به‌نام (باباخاکی) مواجه میشود وبنا بدعوت اوراه‌مسکن اوراکه در مغارهٔ کو هی قرار دارد در پیش میگیرد. د رویش به‌سلطان و ملاز مانش ماست تازه تعارف میکند وخو د در گو شه ی‌نشسته میگو ید :

ـشهر چند درون این‌مسکن بسان دل این بنده گناهکار سیاه است، باآنهم از کاخهای زرین سلاطین بر ترش میدانم درینجا با مرغان‌همنوایم و با سنگها همدرد . خدا یاسیل های بهاران که مظهر تجلی جمال تو است ، مرا بسوی بیکران دریای رحمتت نکشانیدندو طوفانهای سرما با گسستن زنجیر های زنگ اندو وجودم ، بسوی توام باز نگردانیدند .... یا هو !

حسین بایقرا پس ازسر کشیدن ماست، ریش و سبیل خود راسترد و همینکه درویش از سخن بازاستاد کرنش کنان اجازه‌باز گشت‌خواست واز او طلبید تا در حقش دعا کند. پیر مرد از جا بر خاسته دستها را گشود ورو بسوی قبله ایستاده‌شد سلطان نیز بسرعت از جا بر خاسته در عقب درویش قرار گرفت و دست بر هم نهاده سر بزیر افکند .

درویش پس ازختم دعابه سلطان اشاره نمود تاکمی درنگ نماید . نیزه زنگ اندودی را از عقب شاخی که در یك کنج خانه خلانده شده‌بود بیرون آورده ، از مغاره خارج شدو آنرا چون جنگجو یان نیزه باز در دست گرفته ،با چشمانی مشتعل از خشم رو به‌طرف هرات ایستادو مثل اینکه آنرا بر دشمن فرود آورد در هوا فرو برد و بدست حسین بایقرا داد . سلطان خیلی تحت تاثیر قرار گرفت . قطرات اشکی را که در حال فرو ریختن از چشما نش بودند ، بزحمت متوقف ساخته ، دستان لاغر واستخوا نی ریش سفید را بر چشمان خود مالید .

حسین بایقرا، یکجا با ملا ز مان بسرعت رانده خود را به سپاه رسانید. او تاثرات خود را به برخی از بیك ها بخر سندی بیان کرد و در حالیکه نیزه درویش رابه حیث مقد سترین چیز در دست گرفته بود ، دستور حرکت بسو ی هرات داد ... پس از سیر طولانی بلاو قفه ،نیمه های شب در محلی نزدیك هرات بنام (چشمه جزدوق) توقف نمو دند ...

پارچه کوچك مهتاب مثل اینکه میخواست فقر جا نگاه خانه های فرو ریخته و خاموش دهکده رانشان دهد ، با انواری خیره میتابید . از دور دستها گاهی صدای‌پارس سگها بگوش میرسید .

از شامگاه هان باینسو خاطر سلطان مکدر بود . اکنون در یك لحظه بسیار حساس ،در باره سر نوشت در خشان ترین گوهر تا ج خود یعنی هرات که‌در دست تصرف دشمن قرارداشت ، شك و ترد ید بر وی هجوم آورده بودند. با خود می‌اندیشید، چطور خواهد شد. اگر دشمن اغفال نشده به مقابله برخیزد آیا باز هم کار به رسوایی نخواهد کشید .؟!) اینگونه تصورات جانگاه هراس انگیز لحظه‌ای هم از مغزش دور نمیشدند او در تحت تاثیر این تصورات هیجانی شد ... سپا هیان مصروف پوشیدن خول و زره بودند و برای جنگ آمادگی میگر فتند .

نوایی سوار براسپ نزد سلطان آمد. او در باره اینکه باید خیلی باحزم واحتیاط حر کت کرد و قبلا باید تدابیری سنجید، از آنجمله‌مثلا عده‌ای را باید فرستاد تا افرا د دشمن را دستگیر کنند واطلا عا ت لازم را از آنها بدست آور نــد ، وسائل دیگری ازین قبیل بتاکید سخن گفت . او خسته بنظر میرسد اما طنین آوازش حاکی از اعتماد و اطمینان بود. حسین بایقرا فورا شیریم قر اول را نزد خود طلبید .او قراول هوشمند وزیر کی بود و در چابکی وحیله گری خود را کمتر از (مهتر باویلدا) (۱) نمی شمرد .

او با دو سه تن از جوانان کار- کشته در یك لحظه ازنظر ناپدیدشد سپا هیان که آماده پیکار بودند در انتظار دستور حرکت دقیقه شماری میکردند . گویا چنین احساس میشد که زمان بسرعت خواهد گذشت و صبح خواهد دمید اسبها بیقرار و آدمها بیتاب بودند ...

مدتی بعد شیریم قراول مرد نیم حستی را بجلو انداخته باز گشت و معلوم شد که وی از نفر های‌میرزا یاد گار بود ه‌است بیك ها کوشیدند تا این شخص که‌ازسرا سیمگی زیاد خود را باخته بود ، یك سلسله معلومات مهم بدست آورند .

شیر یم‌قراول‌گفت : (نتوا نستم جز خبر غفلت و بیخبر ی در هرات چیزی بدست آورم) .... بعد ازآن حسین بایقرا صد نفر را از میان سپاهیان انتخاب کرده زیر هدایت مظفر بر لاس ،ابراهیم برلاس و درویش ارلات قرار داد و آنها را به گشودن دروازه بزرگ (باغ زاغان) موظف ساخت و باز هم عده‌ای را موظف نمود تا افراد دیگر دشمن‌را هیچگونه سرو صدای‌از جانب هرات دستگیر نمایند و همینکه مطمئن‌شد بر نمی خیزد ،خود نیز با سپاه‌باقی مانده حرکت کرد .. چون از کوچه در خیابان (عبور نموده به مزار در امام فخر رازی) رسیدند ، سلطا ن خواجه ... راباگروه معیتی و ی فرستاد تادر وازه دیگر (باغ‌زاغان) را که به مدرسه (گوهر شاد بیگم) اتصال داشت محاصره‌کند. برا ی مراقبت سایر دروازه ها نیز، دسته هایی‌از سپاه‌را موظف ساخت وخود با هشتاد نفر باقیمانده بطر ف دروازه‌ای که مظفر بر لاس ماموفتح آن بود حرکت کرد . در عرض راه نماینده وفا دارش (میراخور) که‌در صفوف دشمن قرار داشت بسو ی پیوست و اطلاع داد که دروا زه

کشوده شده و ممکن است بدرون رفت. حسین بایقرا با شنیدن این خبر خود را سبک حس کرده به جلو راند وراسا به در (باغ زاغان) داخل شد. جوانان حسین بایقرا در تاریکی خیره شب، میان خیابان و قطار در ختان، به جستجوی نیرو های دشمن میپر داختند. در هیچ جا نشانی از سپاهیان ونوکر ان میرزا یادگار پدیدار نبود حسین بایقرا از آنجا به سمت (باغ شمال) که خوابگاه میرزا یاد گار در آنجا قرار داشت، عبور کرد. برخی از و کران که ازین واقعه نا گهانی دچار سرنو گیجه شده‌بودند علاوه‌بر اینکه نتوانستند بمقابله بر خیزندو یا از خود دفاع کنند، بدون گفتگو در برابر عمل انجام شده سرتسلیم نهادند.

جوانان، شهزاده ساده دل را میجستند. قصر شکوهمند چو ن دژی مستحکم سر بر افراشته‌است خر گاهی که نزدیك آن قرار دارد. کاملا خالی به نظر میرسد.. حسین بایقرا محل مرتفع تپه مانندی را از دور تحت محاصره گرفت. او حدس میزد که شاید میرزا یادگار در کوشکی باشد که در پشت این بلندی واقع است. برای داخل‌شدن به کوشك میبایستی از تپه عبورکرد همگان این ضرورت رادرك مینمودند این احتمال وجود داشت که شاید نیروی ذخیره دشمن بخاطر وارد آوردن ضربهٔ قطعی و تعیین کننده با تجهیزاتی بزرگ در عقب این تپه کمین کرده و آماده هجوم باشد در روشنایی خیره شب، خا موشی مشئوم قصر و تپه فروخته دلها را به لرزه می افگند.

حسین بایقرا بابی صبری به گروهی از سپاهیان غرق در جوشن وزره دستور داد تا از تپه گذشته کوشك را تسخیر کنند. اما نه‌صدای از آنها بر خاست و نه حرکتی دیده شد سپس مثل‌اینکه دستور رادرك نکرده باشند، بسوی هم نگریسته

متردد ماندند. درین موقع شاعر با حرکتی قاطع به چابکی يك عسکر از اسپ فرود آمده جلو اسپ را به

دست نوکر خود ـ باباعلی سپرد وبه سلطان نزدیك شد وجسورانه گفت (بما اجازه دهید) هیچ يك‌از بیك‌ها و سپاهیان چنین انتظاری از نوایی نداشتند.

بسیاری از آنها خجالت زده سر بزیر افگندند ورخوتی بروجودشان مستولی شده به خود لرزیدند اما دیگر فر صت از دست رفته بود. و هرکس ولو هر قدر آرزومند میبود از اثبات شهامت ومردانگی خود عاجز بود...

حسین بایقرا پس از دقیقه‌ای تردد، چشمان کشیده خود را به جوانانی که در پیرا مونش صف بسته بو دند دوخت وبشاعر اجازه داد نوایی شمشیر را از نیام برون کشید (این اولین و آخرین باری‌بود که وی شمشیر از نیام میکشید) و دلیرانه با گامهای استوار به جلو رفت. اوبجای راه معمولی‌که دیگران تخمین میزدند، از طریق‌دیگری به طرف بلندی روان شد. درین موقع کسی دسته شمعی افروخت. چشم همگان بسوی شاعر بودا و تکیه‌کنان بر شمشیر. رو به بلندی راه می پیمود. هنوز سایه شعر کاملا از نظرش ناپدید نشده نو کر ش، باباعلی با شمشیر بر هنه از عقبش دوید لحظه‌ای بعدده ها تن ازجوانان مثل اینکه بردژی هجوم ببرند، با

(بقیه در ص ٥٦)



از منابع فرانسوی

ترجمه : سید عبدالرزاق افضلی محصل پوهنځی ادبیات

جراحی قرن

عملیاتی که درست ده سا

یك جراح امریکائی دو خواهر دوگانگی را از باشند گان سانتودو- مینگو مرکز جمهوری دومینیکن که ازدو جناح کمر و جگر بهم چسپیده بودند از هم جدا ساخت.

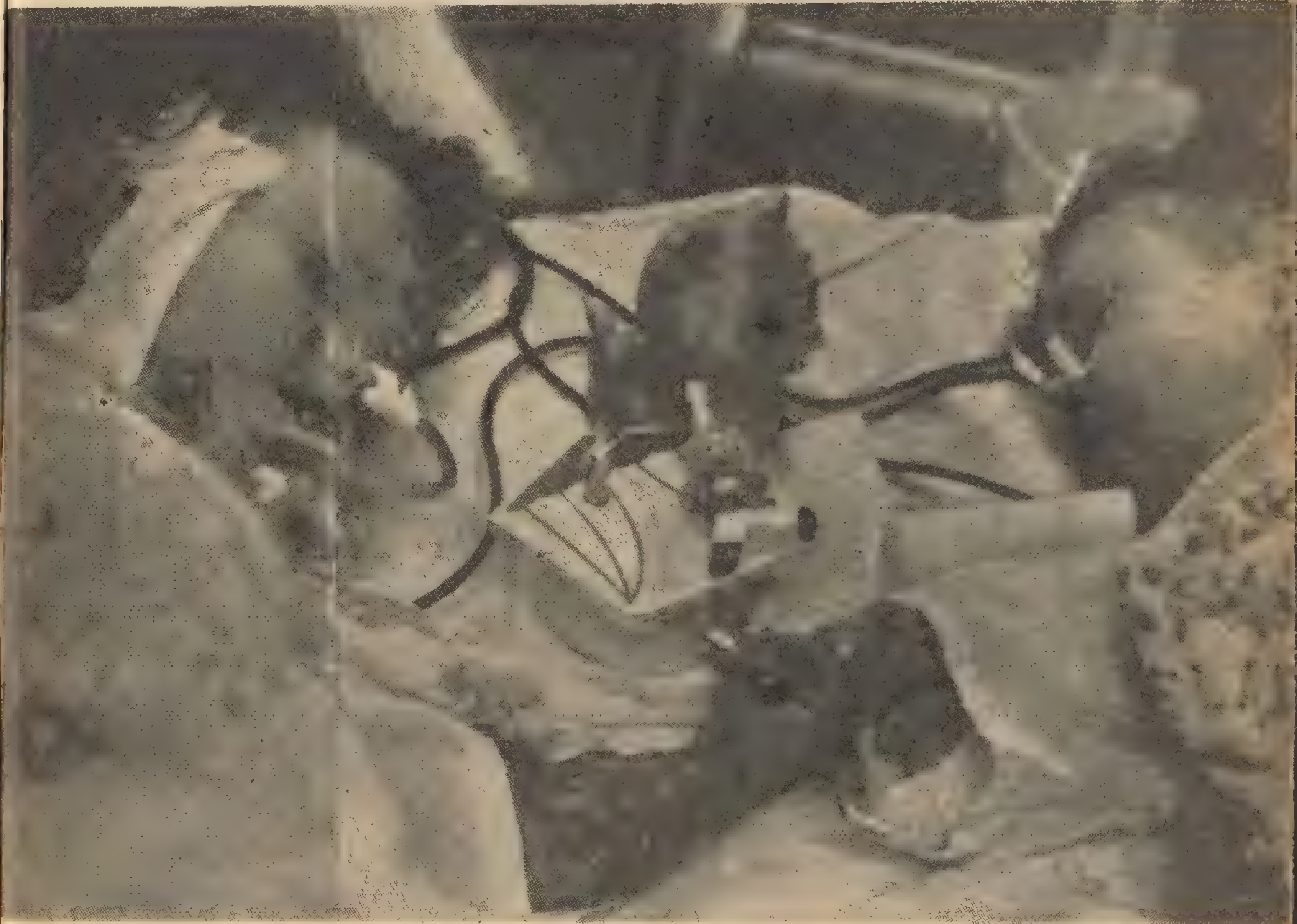
دکتور کووپ که این معجزه را به راه انداخته ودرینجا (در عکس) پریشان و سراسیمه به نظر میرسد توسط آلهٔ الکترو کار دیوگراف ، ضربان قلب کلارارا مواظبت می‌کند.

(حالا دیگر این دو دخترك معصوم نمی خواهد یکدیگر را ترك کنند . چنانکه در (عکس دیده میشود)آنها دست های یکدیگر رامانند سابق در حال خوابیدن محکم گر فته اند..

در جولای ۱۹۷۴ عیسوی فرید رو دریگی خانم یك خوراکه فروش‌از باشند گان لاس آنا نمیش)که‌تا حال مادر سه پسرقوی وصحتمند بود ، اینك این بار نوزاد های دو گانگی ایرا بدنیا آورده است .این ولاد ت

که در جمله چهار صد هزار متولدین آن شفاخانه بی سابقه قید شده ،

دکتوران آنرا یك چیز عجیب خوانده اند سر نوشت و تلاش های دقیقانه



بعد از جداکردن اولین شبی است که آنها در اتاق احیای مجدد دیده‌میشوند کلا را که در تصویرمشاهده میشود دستش‌را مانند سابق با هم چسپیده بودند بطرف خواهرش درازکرده است .

عت بطول انجامید

کلارا والتا دیگر جدا و بصورت مستقل از هم زندگی می کنند

دکتور کووپ چهار ده ماه پس از تولد این دو زندانی یك جسی را از هم جدا وآزاد ساختند که فعلا در یکی از اتاق های شفا خانه فلاد - لفیا بصورت جداگانه ومستقل ازهم بسر می برند وبا همدیگر بازی میکنند .

این جراحی که بتاریخ ۱۸ سپتا - مبر سال جاری عیسوی توسط جراح ۴۷ ساله معروف امریکائی موسوم به ایفرید کووپ انجام پذیرفته است و نتیجه عمل موفقیت آمیز و اعجاز آفرین وی را نشان داده ، بنام (جراحی قرن) یاد شده است .

درین عملیات خطر بزرگی که حیات کلا را والتا را تهدید می کرد همانا داشتن جگر واحد و مشترك بودن قسمت اعظم روده بوده که خوشبختانه آن هم بعد از مساعی ارزنده وجهد عمیق جراح موصوف به موفقیت انجامیده و تقسیم بندی اعضای وجود شان ماهرانه صورت گرفته است ،اما اینکه ایندو دخترك کوچك نسبت کجی لگن‌های خاصره شان درآینده صاحب‌فرزندی‌نخواهند شد ،ناگوار ودرد آور است .

از نتایج جراحی بر می آید که در وجود این دو طفل معصوم اثرات عظیمی از زخم ها باقی خواهد ماند ولی اثرات دانه های کوچك صندوق مانند که در دو جدار ناحیه عملیات قطع‌شده از اثردوختن‌صورت‌گرفته‌که موقتی خواهد بود .

جراح بسیار کوشیده تاازبریدن حصص مختلف و مورد ضرورت بدن که حتی در اثنای عملیات نیزحتمی بوده، تا اندازه‌ی خود داری نماید ، زیرا اینچنین .عملیات برای همه و مخصو صا کودکان و اطفال بسیار خردسال خیلی مشکل و طا قت فرساست .

کلارا و التا دو خواهر کوچك تا اکنون در یك بستر خواب می کنند زیرا مشکل است دو نوزادی را که از روز اول یکجا و پیوسته تولد شده اند دفعتا از هم دور ساخت همچنان دکتوران نیز در قسمت یکی بودن‌ایشان دربستر نظریه‌مثبت داده اندزیرا این وضع بحال شا ن مفید و سود مند ثابت میشود بدینو سیله شوکی راکه در اثنای عملیات دیده اندرفع وجبیره می نماید . طوریکه در عکس دیده می شود ، اطفال مذکور مانند روز های اول دست های یکدیگر را در حال خوابیدن محکم گرفته اند ، ولی با این فرق که قبلا مانندحال باسا نی خوابیده نمی توانستند جز اینکه نوبت را مراعات میکردند ، ولاز م بود یکی از آنها بنشیند تا دیگرش بخوابند و براحت دراز می کشید .

حال که وضع صحی آنها کاملا رو به بهبودی است ، احتمال دارد در جریان‌ماه نوامبر سال جا ری عیسوی از شفاخانه مرخص و عا زم مسکن اصلی شان گردند .



پیش ازعملیات التامجبور بودبنشیند تا خواهرش کلارا خواب بتواند



دکتور کروپ عینك بچشم با ۲۳نفر معاونین در حال اجرای عملیه دراتاق عملیات دیده میشود ۱۰ ین‌عملیات درست ده ساعت بطو ل انجا مید‌ه است

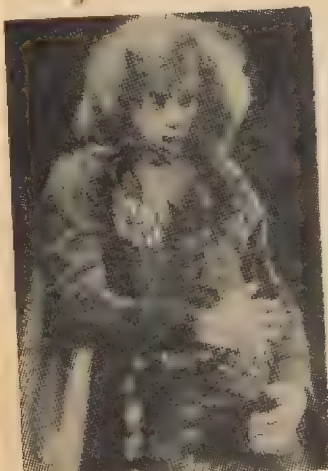
عسکها و مطلب ها

تقاضای جالب



میگو یند یکدختر ۲۰ ساله‌ای‌فرانسوی برای (شون کانر ی) جیمز باند معروف سینما نامه جالبی فرستاده‌ودران‌از شون کانری‌خواسته تا او را کمك کند که با نامزد خجالتی اش چگونه رفتار کند تا کمی با روحیه شود در نامه نوشته شده : دفعه اول که نا مزدم بخانه من آمد و قتش را به تماشای آلبوم خانواد گی گذراند دفعه دوم سگ کوچك ما را نوازش میکرد و دفعه سوم هم با برادر کوچکم صحبت‌کرد آیا بنظر شما‌دفعه چهارم‌بمن خواهد رسید ؟

دستور بیتل‌ها



بیتل‌ها کار را بجائی رسانده اندکه حالا دستور صحتمندی‌میدهد ،چندی قبل در یك مجله انگلیسی این دستور را صادر کردند :

ـ اگر میخواهید دندانهای سالمی داشته باشید و شادابی و سلامت دندانهای خودرا حفظ کنید .بعد از **هر غذایی که‌میخورید یکدانه‌سیب‌را** نوش جان کنید . خوردن سیب‌پس از غذا بمشا به مسواك و بر س دندان است که دندانهای شما مانند مروارید خواهد در خشید .

شکارچی ماهر

خوب است بدانید که در میان‌شکار چیان پرنده ، آقای مار کوس ر‌یپن که درسال ۱۹۲۳جان سپرد درطول زندگی خود (۱۹۲۳ ـ۱۸۶۷) بر روی هم ۵۵۶۰۰۰ غاز ، کبك‌وانواع دیگر پرنده های خوردنی را شکارکرد درین مدت او علاوه براین تعداد ، ۰۰۰ ر۲۴۱ کبوتر نیز شکار کرد ، جالب اینجا ست کـه‌خود آقای مار کوس نیز به هنگا م شکار جان سپرد ودر ۲۲ سپتا مبربعد از شکار ۵۲ مرغابی ، ناگها ن قلبش از حرکت ایستاد ، مرگ‌او شاید انتقام قتل این همه پرند ه های زیبا بوده است .



احصائیه گیری زنان



اخیرا یك موسسه احصائیه‌گیری در سان فرا نسیسکو برای تعین تعداد زنانی که دو بار ازدواج کرده اند .درین شهر به تحقیق پر داخت و دریافت که ۳۹ در صد زنانی که نام شوهر اول خود را فرامو ش کرده‌اند .

برای دومین بار ازدواج کرده انـد نام‌شوهر اول خودرا فراموش کرده اند .!

خیانت مستخدم



آقای (جان میل) اهل شیکا گو چندی پیش و قتی بخانه اش بر گشت متوجه شدکه مستخدمش میخواهد بزور (نانسی) زن‌زیبای‌او راوادار به عشق و رزی کند . و زنش متواتر فریاد می کشد و کمك میطلبد ، دیدن این صحنه بحدی آقای میل را اعصبانی ساخت که بسرعت میله آهنی را بر داشت و چند ضربه محکم به سر مستخدم خیانت کارش وارد آورد ، کـه در نتیجه مستخدم مرد و آقای (میل)هم بخاطر این قتل مستقمیا بـه اداره پلیس رفت وخودش‌را منحیث قاتل معرفی کرد .



عروج استغنا

حاذق

در عروج استغنا ست مسکنی که‌من‌دارم
بال‌وپرنمیگنجد ما منی که مـــن دا ر م
ازصفای دل کو کب رنگ خود بـرانداژد
صـــدفروغ مهتاب است روشنی که من‌دارم
دل بساز نو میدی مو ج از شر'و دارد
شعله‌درقلم گیرد گفتنی که مـــن دا ر م
خون دل دراین گلشن قطره قطره‌می‌ریزد
یك‌جهان‌نو مید یست مر دلی که مـن دا ر م
باوجود محرو می دست درد عـسا نبود
زیربارمنت نیست گردنی که من دا ر م
زیرو بم بخود چیند ناله و فغان من
ساز عشق مستغنی است درفنی‌که‌من‌دام
هر رگ گل از خونم رنگ وبوی‌نـودارد
عالم تماشائیست گلنبی کـــه من دار م
یارب اینچه بی‌غور یست‌کشتگان ابرورا
کس‌سراغ نتوان کرد مد فنی که من دارم
حاذق! اینچه‌غوغاییست‌در ضمیر خا مو شـی
ناشنیده کر کـــــردست شیو نی که من دا ر م

نذیر میهن پور

آخرین دیدار

اولین بارکه لرزید دلم
نگه اش قصه ئی ناگفته ئی داشت
ودو چشمان شراب آلودش
غم واندوه مراپنهان داشت
من واو نگهت گلهای چمنها بودیم
کودکی مست بدنیای غریب
بی خبر ازغم فردا بودیم
همه گلهای چمن
همه گلباده صبح
به دل انگزی این وصلت خوب
بدل آرامی دلهای پراز شادی ما
می‌خندید

وچنان دره سبز
روح ناشاد مرا مستی داد
وبرامواج نگاهم که براومی آسود •
سوز احساس مراهستی داد
هر دو همچو فانوس
در شبستانی غمین ومتروك
میشگفیتم چو گلبر گ نخستین شـــب
عشق
وسحرگاه
من واوتازه ترازبرگ اقاقی بهار
چشم برهستی رویائی هم میبستم
لیکن افسوس ودریغ
دامن بخت مرا
سردی سخت زمستانها سوخت •
وقرار بخش دلم
باهمه عشق ودل انگیزی خویش
با منی خسته ز آسیب خزان
قصه تلخ جدائی را خواند

شعر تازیی ازناصر طهوری

قلب‌دورنگ

همه روز از توبقهرم ، همه شب: باتوبجنگم
همه لبریز فغانم ، بفغان ازدل تنگم •
دل تو ازچه زبون شد؟ بفسون که فسون‌شد ؟
آخرآن عهد توچون شد؟ عهدت ای‌خوب‌قشنگم !
آنچنان این دل شیدا، شده در عشـق‌تورسوا :
ـ که دگر منکرنامم ، که دگر دشمن‌تنگم
پردل باز نمودم ، باتوپرواز نمودم
پروبالم تو شکستی ، زدی از بسکـــه‌بسنگم
گرچه (پا) ساختم از (سر) : بـه ره‌عشق توکافر !
ـ نیست درکوی تودیگر ، پس ازیـن‌جای درنگم
چون کنم ناله موزون ، زتو با شعـــرپرافسون ؟
ـ که بودشعرهم اکنون، پیش تو: حرف‌جفنگم
بای احساس من اینك : توز صدجای،شکستی
وه‌که درکوره عشق ،رهرو خسته‌ولنگم
نبرم تابقیامت، عهد بشکستنت ازیاد !
ریخت درکام دل آخر، این گریز تـوشرنگم
دیگر ازبهر طهوری ، تو مریز اشـــك‌تحسر
که بصد رنگ تحیر ، من ازآن قلـــب‌دور نگم

مرحوم استاد شایق جمال

دریای رحمت

یاران مرابه مهر و وفا امتحان کنید
پیوسته نان به کلبهٔ ما نوشجان کنید
آفت نمی رسد به شما در تمام عمر
نام خدای پاك چو ورد زبـان کنید
هرکار تان بحکم خدامی شود درست
کاری اگر بکام دل دوستان کنیـد
دریای رحمتی است بهرقطره‌اش نهان
گرپاك آب دیدهٔ بـی مادران کنیـد
بسیار مختصر که نهیر ند دیگـران
بالای قبر مسئله گـــر: بیان کنید
آزرده از تکلـــف بسیار می شـــود
گر (شایق) محبت خود مهمـان‌کنید

گوهر شهوار

دادیم بیك جام زکف نقد روان را
مستیم و نداریم غم سود و زیان را
جز تودگری کیست درین میکده ساقی
کز لطف بگیرد خبر بی خبران را
تاب آنقدرم نیست که در د ســـت بگیر م
ساقی بدهد مفت اگر رطل گران را
غافل مشو ای پیر خرابات که زهــاد
بستند به ویرانی میخانه میــان را
گفتم‌که محال است برم جان بسلامت
روزیکه قضا داد بابروت کمـان را
روز سیهم تیره تراز ابر بهار است
کزگریه خود شاد نمایـم دگـران را
بس گوهر شهوارکه از خامه فشاندم
افسوس ندانست کسی قیمت آن را
نه سرو کندگوش ونه شمشادشودشاد
بیهوده کشد فا خته در با غ فغـا ن را
المنة الله که من وشمع درین بـزم
گفتیم سخن تار مقی بود زبـان را
آداب (نوید) ازمن دیوانه چه‌خواهی
مستی ز کف عقل ربو دست عنا ن را

(نوید)

ر طور دقیق نمیدانست‌چند
ب را وقف مطالعه روم ن
رده است که صدای خفیفی
را جلب نمود ، گویا کسی
ه کلکین میزند .
اب را روی میز گذاشت و
لکین که بسوی باغچــــه
ز میشد ، نگـا هی بخارج
یچکس بنظر نرسید ، ولـی
آن فورستر بدهلیز رفت و
شود .نگاه شرر بار (برت)
دروازه عمارت آتش کینـــه
را بسرا پای فورستر پاشید
. قبل از آنکه با فورستـــر
کند ، مدت کوتاهی همسر
رد.
بدون هر گو نه تعا رفی
.
حم شلم؟
ر در حالیکه از ورود نا-
ی اندکی ناراحت شده بود
برای برت باز کرده ،گفت.
ه بهیچ وجه ... بالاپوش‌تان
ید ؟
، من‌صرف چند دقیقه اینجا
نصادف از اینحدود مـــی
چراغ اپار تمان‌شما راروشن

ر مهمان نا خوانده خود را
رهنمایی‌کـــرد و پـــر ت
در چوکی خاص ما یلد رید
یز چای نشست . میزبا ن
بچوکی مقابل وی جاگرفته

روب ؟
ندکی خود را راست کرد ه

، متشکرم طوریکه قبـــلا
ن باید زودتر بروم .
رت چطور ؟
ر خودرا بعلامت‌نفی حرکت
هش را روی کتاب فورستر
ظه اول عنوان آن جلـــب
، پاشیده ، گفت :
همیشه داستا نهای جنایی
؟... برای من که اینگونه
ی ارزشی ندارند ، زیـــرا
زیر کانه‌ای‌درآن گنجانیده
البا روی تصورا تی‌بی‌ریزی
ت که‌در واقعیت‌امر نمیتوان
سد بدان عمل کرد .اگرطور
ن بخواهم کسی را بقتـــل
یقینا زیرکی قهرما نـــان
گونه روما نهارا نخوا هــم
معمولا افراد زیرك بیشتـــر

درانیگونه موارد خودرا مبیا زنـد و بیشتر خطا میکنند . اصولا یـــك پلان دقیق و ظاهرا بی عیب کـــه بسیار زیرکانه تهیه شده میتوا ند بسهولت مشت طراح باهوش راباز کند. ، زیرا طرح کننده این پـلا ن سعی نهایی بخرج میدهد تاباساس آن، طابق الفعل بالفعل پیش برود، زیرا در واقع نقشه ایکه‌برای دستبرد باجنایت طـرح کـــرده ، رهـــنما ی اوست وچه رهنما ی بی‌پایه ای...! شاید طراح زیرك کمتر باین اصـــل مسلم توجه کرده که (تصور) بـــا (واقعیت) یکجهان فاصله دارد واین وا قعیتها است که غالبا یا یـــه تصورات‌را میلرزاند شخصیکه مطابق پـــلان برای انجام یك عمل جنایـــی حرکت میکند،اگرحادثه‌ای بر خلاف پلان پیشبین شده رخ بدهد چـــه خواهد کرد ؟ او که خودش رامطابق به رموز و دقیق پلان عیار کـــرده است ، چگونه در برابر حوادث غیر مترقبه پایداری خواهد کرد ؟ ..در رومانهای جنایی ممکن‌است به‌نیروی خیال برای هر حادثه‌ای طریقهٔ فرار جسنجو شود ، و لی در صحنـــهٔ واقعیت ...

فور ستر حرفش را قطع کرده ، در حالیکه سعی میکرد .دلچسپـــی خودش را برای شنیدن عقا یـــد مهمان ارزشمند ، نشان دهـــد ، گفت :

ـ واقعا درست میفر مائید . من کامـلا طرز فکر شما را تائید میکنم وضع برت چنان نبود که تصور شود بزودی خیال رفتن را دارد . وی‌بعد از مکث کوتاهی ، ادامه داد:

ـ حرفهای من معنی آنرا ندارد که گویا اصلا طرفدار طرح و نقشه ای درانگونه موارد نمیبا شم . اقدا م بعملی که باساس پـلان و نقشـــه قبلی نباشد ، بدان ماند که انسان یك کشتی بی سلطان را در بحـر بیکرانه‌ای سوق دهد ... ولی بزعم من اینگونه پـلانها باید ... باید ، فی المثل الستیکی باشد ودر حالات مختلف باید تغییر کند . اگر بازهم کشتی را مثال بیاور یم. ناخدابابد بتواند بهر بندریکه مساعد بیند ، لنگر اندازد . بفکر من ، وقتی حادثه غیر مترقبه و پیشبینی نشد ه ای رخ‌بدهد ،وایجاب‌تغییررامیسر‌بنماید طرح باید علی الفـور تغییربنما ید وخصوصیات پـلان طـوری با شد که اینگـو نه تغییـر ات آنـــی را

یک پلان الستیکی

ترجمه: سراج وهاج

الزاما بپذیرد .

فورستر با آنکه دیگر حرفها ی‌او را نمیشنید و در پتحـــال بایـــن موضوع می اندیشید که علت اصلی ورود نابهنگام برت درین وقت شب چه خواهد بود ، سر را بعلا مـــت تائید شور میداد. در حقیقت میا ن او وبرت هیچگونه را بطه‌ای وجود نداشت تا زمینه یـك مـلا قـــات عادی و صحبت نورمال آنســان را- فراهم آورد .

مهمان نا خوانده پس از یـــك وقفهٔ کوتاه ، ادامه داد :

ـ البته مشکل است‌مثال ساده‌ای درتائید قول خود بیاورم ،ولی‌سعی خودم را میکنم ، زیرا با ذکر امثله اکثر معضله ها قابـل فهم میگردد . طور مثال ، اگر من آمده باشم تـا شما را بقتل برسانم ، در آنصورت هنگامی را برای این عمل انتخاب می کنم که بااطلاع قبلی بدانم .

که در آنساعت‌خدمه منزل‌مرخص شده وهمسر شما (مایلدرید) بـــه بستر رفته است. به هرحال من از عادات مایلدرید با خبرم ، چـــراغ اتاق خواب وی در طبقه بالا ، بعد از ساعت‌ده شب خاموش میشود وبه سهولت هم میشود اطمینان قطعی‌در اینباره حاصل کرد ، زیرا کلکین‌های منزل شما از روی جـاده قـــابـل رویت است .

برت در بیان مطلب خودهیچگونه تشویش و تردیدی نشان نمـــیداد گویی یك مبحث عادی را میخوا هد بثبوت رساند .وی‌با همین‌بی‌خیالی ادامه داد :

ـ خوب، وقتی از جاده دیدم چراغ های‌اتاق خواب‌خاموش است ،وقتی فهمیدم ما یلدرید بخواب رفتـــه و خدمه مرخص شده و وقتی فهمیدم شما به تنهایی مشغول مطالعـــه هستید ، طبعا از طریق در وارد نمی شوم ، بلکه‌با انگشت به کلکیـــن میزنم ...

وی باز یرکی خاصی مستقیما به چشمان فور ستر نظر دوخته بود و میدید که میزبان دیگر بر اعصـــاب خودش تسلطی ندارد وتدریجـــا معنویات خود را میبازد . وی بـــا همان لحن قلبی‌دنبالهٔ بحث‌را گرفت:

ـ طبعا مایلدرید از واقعه اطلاعی نخواهد داشت و نخواهد فهمید که مـن اینـــجا بـه منظـــور خاصی آمـــده ام ... در آ نـــو قـــت مسلما علت اقدام خود را بسر عـت برای شما خواهیم گفت یعنی اینکه:

شما کانون فامیل مرا بر هم زده‌اید

فورستر دیگر نتوانست خاموش بماند . وی‌علت ورود برت رافهمیده بود و دیگر نگذاشت حرف برت به جا های باریك بکشد :

ـ خوب ، کافی است ... ولـــی یقینا بخاطر دارید که من درســـت هنگامی با مایلدرید آشنا شدم که شما از هم جدا شده بودیـــد و در حالت طلاق بسر میبردید.

با بیان این جمله ، میخوا ســت از جا برخیزد ، ولی مشا هده لولهٔ تفنگچه دوباره‌او رابجایش نشانید. فورستر برای نخستین بار متو جه گردید که برت دستکش تیره‌ای به دست دارد و دهن سیاه و مرگبـار تفنگچه رابه نشانهٔ قلبوی معطوف ساخته است.

برت تبسمی کرده ، گفت :

ـ بلی ، من دستکش پوشیده ام تا آثار انگشتم روی تفنگچه باقـــی نماند . در پلانیکه طرح کرده بودم این موضوع مسلم بود که شما بـــه وقت گشودن در ، از منتهای حیرت ناشی از ورود نابهنگام و غیر ممـــن متوجه دستکشها نمیشوید و اصـــلا فراموش میکنید بامن دست بدهید. اگر بفرض محال میخوا ستید با من دست بدهید ،باعذر خواهی کوتاهی خود را کنار میکشیدم . این دیـــگر خیلی ساده است وطفره رفتـــن د ر برابر افراد ساده دل وزود بـــاور اشکالی ندارد ، همانگونه که شما و مایلدرید بسهولت مرا فر یبدادید.

برت بار دیگر سکوت کرد و این سکوت ،گو یاتر از هر کلمه‌ای بود که در میان مطلب وی بکار میرفـــت وی از اینکه مایلد رید را از دست داده بود و آن زن زیبا با همه طنازی اش با آغوش فورستر پناه برد ه بود ، سخت ناراحت بـــود. آتش انتقام سرا پای او را میسوخـــت و شعله های حسادت از چشما نـــش بیرون میجهید .

مهمان نا خوانده انتقام جو ، پس از سکوت کشنده ، اظهار کرد :

ـ نخست اینطور سنجیده بود م که بعد از قتل ، تفنگچه را بدست بی‌رمق شما قرار دهم‌و باین حادثه جلوه(انتحار) بدهم،ولی همانگونه که قبلا تفسیر کردم ، پـلان خود را در آخرین دقایق نظر بمو قعیـــــت فعلی ، تغییر دادم . بمـــجرد ورود متوجه پیاله های چای شما ومالدرید شدم که روی میز پهلوی هم قرار

گرفته اند وبرای من دفعـــتا رو
گردید که شما جفت خوشبخ
دقایق خوش و پرلذت چای نو
پهلوی هم سپری کرده اید ،
گونه که من در آرزویش بود
همین جهته هم من ...
فور ستر با غیظ تمام فریاد
ـ شما عقل تانرا از دســـت
اید .
و متعاقبا با لحن استو حام
گفت :

ـ بنام خدا ،پای مایلدرید را
صحنه سازی ه دخیل نسازید
برت با لحن سرد و خالی
گونه عواطف انسانی ، گفت :
ـهیچ پدیده ای نمیتواند
پشفقت مرا بر انگیزد . آیـــا
گاهیکه یگانه‌مونس زندگی را
دور میکردید ،از رحم و عاطفه
در کله و قلب شما بود ؟... ـ
نزدمن انگیزه ای وجود ندارد
گردد مراعات یکی از شما و یا
را بنمایم ، هرگز ... اما جر
فعلی ، تصور صحنه سازی
شما‌رااز ذهن‌من دورساخت ،د
چه چیز سبب گردیده ، شما
بخود کشی بزنید؟ این سوا
است که یقینا موقع بررسی
هر کاری آگاه و پولیس با تج
خواهد گذشت و چون به نتیج
قطعی نخواهند رسید، مسلما
بررسی و تحقیق را گسترش
داد و آنگاه ...
برت مکثی کرده . ادامه دا
ـ براستی من او را دوست
داشتم ، بیشتر از زند گیم ،
مایلدرید اخلاق تا هنجاری دا
با اندك بر خوردی ، منفجر
و مجموع لغات نا مطبوع و ک
زشتو نفرت انگیز را بسرم
ریخت. با آنهمه زشتی وتلو
عشق مرا نسبت بخودش از
نبرد ، ولی مرا به ستوه آور
زندگی بیزارم‌کرد .. ظا هرآ
جدا شدیم ، اما با طنا او را
پر ستیدم.
برت یکبار دیگر نگاه شرر
خودرا بچشمان فو رستر مع
ساخته ، بعد از اندك فاصله
بخش صحبت،دوام داد:
ـ ... وقتیکه پیاله های چ
را روی میز دیدم ، پـلان خ
فوراً چنین تغییر دادم. صحن
طور ساخته شود که بوی یك

بقیه در صفحه

د گلو بهیر

دوطن کور

غوبنی، شی، هدوکی شی، واجمع شی‌بدن‌شی

وینه‌شی، اروانسی،سرو خو خیږی تـن شی

عقل شی احساس شی، دوطن ادی‌یی‌وروزی

زړه شی، کور دمینی شی، میشته‌پکی‌وطن‌شی

حبیب الله رفیع

خیردی وی

اوبنکی می له ستر گو ځـی‌بی واره خیر د ی و ی
هیڅ څه خبر نه راځی له یاره‌خـیردی وی

کومه قضیه بیگاه سبا ز مـاد سر شوه
بیاله غریوه ډکراغی ریباره خیردی‌وی

درسته ورځ خفـه دزړه پ‌غولی‌مـی‌تیاره ده

ووتم درو غو له روز گا ره‌خـیر دی و ی

بـیـاله یا ره بـوی را و پـشمـال دتو رو زلفو

ستاپه خونه چغی شوی عطاره‌خیر دی وی

یارمی بیگا تله په خوله‌یـی‌هیڅ راته ونه وی

هیره یی چا په شو ه له‌تلواره‌خیـر د ی و ی

یارمی مسافر دی سلا مت له‌خیـر ه راشی

ومی شلید و لړ له چندن‌هاره‌خیر دی وی

ببابه چیرته کښیوزم په حلقودتورو ز لفو

لوبی می په خوب کی کړ ی‌له‌ماره خیر دی و ی
گرځی په کوڅو کی‌دولـت مند لـه‌تانه ډیر

یار به‌کړم هم تا قاسمـه !یاره خیردی وی

(قاسم)

متصدی : ز،س

اوسنی اد ب :

دعشق‌پور

ماته مه وایه ، چی دا څه شـر وشور دی

انو یواله!پــه ز ړ گی کـی می سور او ر دی

ناوکی پرسپین تندی راخپوراوربل کی
که‌دورخی زړه دشپی په راتلو تور دیء

زه په زړه ددرد ناری وهمه

غمــازخو شی لگـو لی د غاو تو ر د ی

که ته بو لی یاشړی می ، بـا گه‌ی‌نسته

له ازله مــی پــر غا ړه د عشق‌پور دی

مینــی‌هسی ز ړ ه راسپین کی چی‌یی گورم

زملدسر د ښمن می هم دستر گــوتور دی

راته نه‌گوری بانی ، کــا هسی داسی :

تیره کړی یی پرلوته باندی لوردی

دزړه درد و ، چـی می دا غـز ل اشنا کـړ

کنه میــنه او داستان خـو یی لاوور دی

پوهاند حبیبی

مسافر آشنا

مسافر آشنا چیری رانه ولاړی!؟

ستا وفا همداوه ؟... ته همدی ته مینه‌وایی چی پرخان دی مین‌کړم ... اوپه لیونی مینی‌کی دی لیونی .

دژوند دتور آسمان په بهیرکی لکه‌دتوری‌شپی ستوری سترگکو نه وهی ، نـوبیا دی پخپلی مینی کی ولی وسوزولم ...هواخوته‌لکه دمازیگر دلمر په شان وی ...چی زما دزړه دافق وریځو ته‌دی اور واچـاوه ... زه‌هسی سوزیلم خوته راځخه ولاړی ... او د بیلتانه زړه در دوونکی تیاری دی راخپری‌شوی ، ډیر درپسی وگـرځیلم ... خـود ببلتانه په تردمی‌کی دی چیرته پیـدا کـولای‌شم .

لکه چی تادمینی په کتاب کی دهمدی دوورخو وفا او مینی ترانه لوستی وه‌ها ؟...

خو هغه ترانه زما ښه په یاد ده ..° اوهغه ترانه چی اوس یی زه ستا د بیلتون په شپوکی یواځی دخانه سره لولم اوماشوم زړه پری کراروم ...

خوته ..° ته‌هم پو هیږی

چی نکیږی ..° زړه تاغواړی ... تابه‌چی‌کله‌کله زما په سینه سر ولگاوه ، او په خوشی خبره به‌دی کټ‌کټ اوږده خندا کوله ، اودزړه خاله په دی دځپلی مینی په گرمی توده ساتله .

مصطفی جهاد

اوسنی ادب درنواوښکو باران

د نیا را باندی تل گر دوغبار د ی عـا لمه

په‌زړه می دظالم بیلتون‌پـر هاردی عالمه

دنیا راباندی تل تاویږی دژر نـدی‌پـه شان
دسترگو می بهیږی درنو اوښکوباران

دلبر می مرور دی خلقه یمه هــک‌اریـا ن

منـصورغـو نـد ی زما عمر په داردی عا لمه
ریباره رب‌لپاره ډیر به وکتې ثواب

زمـاله‌لـو ری یار ته ږ و ا یـه خـو ا ب

نامردی هغه خپل اشنا د شو سینـه‌کباب

نه لـوردنامسلم پلار دی خو نکاردی عا لمه

تیرشوی له دنیا دی عا شقان د پره‌ارمان

جی‌خوک‌به پیدا نه‌شی د لیلی مجنون په‌شان

دوی دواړه صادقان وو، چـــی شول‌ستوری داسمان

فرهـادمی شیر ینـی پسی بیمار دی عا لمه
فقیر رحمدین وایی حکایت په‌ښه‌مضمون

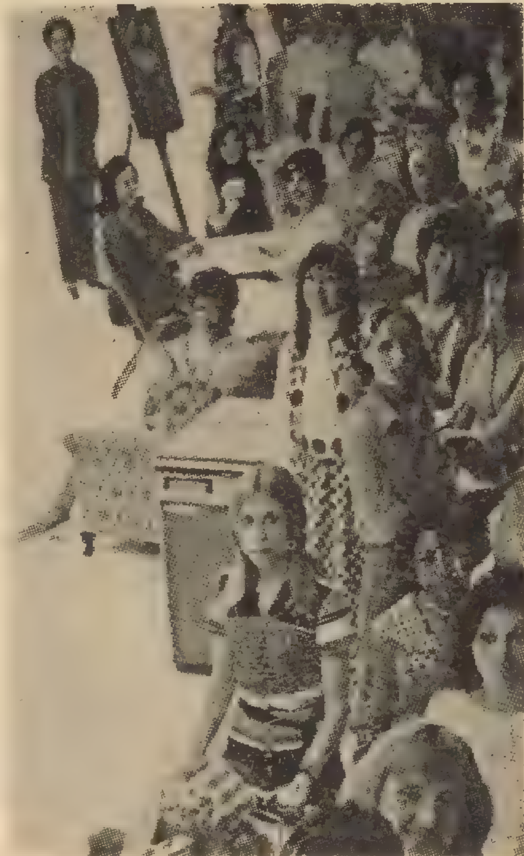
دیدن دیاروصاف گنم مرگی لکه بیلتون

هغوك به‌پاتی نه‌شی خلك را کاږی‌په‌افسون
مخلوق یی کړ جارومرگی ناتار دی عالمه

«رحمدین دلغمان‌اولسی شاعر د۱۲۹۹مړ»

کوتاه. دلچسپ. خواندنی

قلت شوهر



(جان پوستیج) دانشمند جامعه‌شناسی انگلیسی ، اخیرا نظر یه جالبی انتشار داده است او مدعیست که عده زنان دنیا روز بروز زیاد تر میشود و معلوم نیست به کدام علت تناسب میان نوزادان پسرو دختر بهم خورده و تعداد دختر ها بیشتراز پسر ها شده است واگر وضع به همین ترتیب ادامه‌پیدا کندبزودی‌عده‌زنان‌جهان دو برابرها میشود وآنوقت است که قحطی مر د پیداخواهد شد وز نان همه‌کارهارا در تصرف خواهند آورد.

(جان پو ستیج) قرص و کپسول‌را توصیه میکند که زنان بخورند تا نطفه های دختر در رحم آنها ازبین برود و فقط پسر ها متولدشوند و بدین طریق از افزایش عده زنان‌جلو گیری‌گردد. پرو فیسورانگلیسی که استاد در پوهنتون سو سکس‌انگلستان است ، خطر افزایش‌زنان را خیلی جدی گرفته و به همه‌هشدار داده است که برای مقابله با این خطر آماده گردند ، مخصو صازنان را متوجه این می سازد تا در آینده به مضیقه‌شوهر گرفتار نشوندهر چه زودتر کپسول های موردنظر را مصرف کنند و اگر نه بزودی‌شوهر حکم کیمیا راپیدا خواهد کرد وبه خاطر تصاحب شوهر خانمها ناچار خواهد شد به جنگ و جدال بپردازد .

کشف تازه‌ای برای رفع گریپ

چندی قبل در کشور شوروی ،دکتوران‌برای رفع بیماری ها و گریپ فارانژیت لاژ نژ یت و سینوزیت معا لجه بوسیله اشعهٔ ماوراء بنفش را تجویز کردند .



این عمل معمولا در شرایط شفاخانه با استفاده‌از دستگاه های‌نسبتا بزرگی انجام میگیرد این دستگاه ظاهرا شبیه تفنگچه است و با فشار دادن دکمه ای بکار می افتد ساده بودن دستگاه به بیماران امکان میدهد که معالجه را شخصا بدون کمك دکتور در منزل انجام دهند ، این کار مخصو صا در موارد شیوع گریپ فوق العاده پر ارزش است

افزایش موترهای شخصی

هم اکنون ماسکو و بعضی شهرهای دیگر اتحاد شوروی با مشکل فراوانی موتر هاو کمبود جاده های‌موتر رو دست و گریبان است .

و متخصصان راه عمده مبارزه بآن سازمان عقلانی حرکت وسایل نقلیه عمومی منجمله محدود کرد ن‌تردد موترهای سواری درمرکز شهر است گفته شده که در سال ۱۹۳۷در حدود ۴۰ میلیارد مسافر از سرویس های‌برقی‌و پطرول استفاده‌کرده اند متخصصان غربی‌نیز به‌این نتیجه رسیده‌اند که باید وسایل‌نقلیه عمومی بسط وتو سعه حاصل کنند نه موتر های شخصی .



هاکی درروی یخ‌درشوروی

یکی از مشکلترین ورزشها ،هاکی‌روی یخ است ،که در اتحاد شوروی بیش از سایر کشور های جها نورزشکرانی درین رشته تربیه می شوند در شوروی هم اکنون ۱۰۰تیم هاکی روی یخ وجود دارد که در گروههای (آ) و (ب) با هم‌هزار نفر در رشته هاکی روی یخ مسابقه هائی میدهند و جمعا ۵۰۰هزار نفر دررشته های هاکی‌روی‌یخ کار می کنند .وجوان ترین گلرهاکی‌روی یخ در اتحاد شوروی آقای (ولاد لیلاو ترتیاك) است .

سوفیا لورن بهترین لحظات زندگی‌راهمراه شوهر وکودکانش می گذراند .

سوفیالورن، در آستانه‌ی پیری

ترجمه ی :رهپو

سوفیالورن: برای‌من بهترین پناگاه شوهر و اطفالم است رازهای زیبایی درآرایش غلیظ و تند نهفته نیست بلکه درخود شناسی پنهان است

« بزرگترین جشن تولدم همان‌سالی بود که‌مادر شدم »

چندماه پیش چهل‌ساله‌شدم.

برخی این را زوال من می‌دانند. زیرا می‌گویند چهل سالگی سقوطی‌است ما نند قفسچه لفت که ناگهانی بپایان فرو غلتد. وبنظر برخی این پایان زندگی زیبایی ها ماست.

ولی من از اینکه پابه‌این سن می گذارم مسرورم. پیش ازآن چنین خوشی‌ای راحس نکرده بودم. ونمی خواهم که‌دوباره به سن بیست برگردم. درآن سن می‌خواستم‌باکارول عروسی کنم ولی نتوانستم . وباشد ت می‌خواستم بچه دار شوم ولی نمی‌توانستم نمی‌دانستم که کی هستم‌وچه‌میکنم.

ولی‌سن ۳۰ سالگی رامی‌توان دوران تولد اساسی زندگی ام بحساب آورد. وبه‌آن‌آمادگی چندان نداشتم . بعداز اینکه بسن پانزده سالگی پاگذاردم به‌سینما راه‌یافتم‌و همیشه دررل‌زنهانه‌دختران .

درفلم ((عروسی به‌شیوه ایتالیایی))پسر ۲۲ساله داشتم. ودر فلم((دوزن)) دختر ۱٤ ساله‌وقتیکه بسن ۳۰سالگی وارد شدم تمام مطبوعات جهان برمن هجوم آوردند و از احساسم درسن (میانه) سوال پیچم کردند. درآن زمان موجی از احساس نو سراپایم را فرا گرفته‌بود.

هنوز درسن پرهیجان قرار داشتم، مملو از خواسته هااندیشه‌های نو، وحتی‌می‌توانستم دست‌به عشق بازی هاویافتن دوست ها ی نوبزنم وبه‌تغییری در زندگی ام‌بپردازم.

پاگذاردن به‌سن ۲۰ سالگی زمانی است



سوفیا وکارول سخت بهیم علا قه دار ند

که انرژی ونیروی انسان پایان‌می‌کشد واین مرحله است که‌آدم برای اولین بارمتو جه خودمی‌شود. دیگر بایدتوقع‌نداشت که‌مردم بگویند ((چه‌زن جوان وزیبای است.)) این سن تقاضای آن رانمی کند که انسان خودرا ازدیگران جوانتر احساس کند. بعداز سن۳۰ سالگی ممکن آدم دست به‌کار ها ی طفلانه

زند ولی طفل نیست.

این سن مرا مجبور ساخت تامزه تلخ این واقعیت رابچشم که‌دیگر زمانی نیست که‌به احساس ها و عواطف سرسری وکاذب زمینه جلوه گیری را بدهم .

دراین سن ناگهان شمامی دانید که برای همیشه نمی توان جوان وتازه بودناکامی‌هابا نام‌خاصش یادمی گردودیگر نمی توان از جانس های دو را ن جو ا نی چشمی داشت.

گپ ها در مورد عمر مرا دلمرده ومتاثر می‌سازد.

ولی اکنون بهتر می دانم .

دراین ده‌سال اخیر بسیار چیز ها ر ا دانستم، بخصوص درمورد خودم، دوباره‌سن وعشق تاسف نمی خودم. هر چیز یکه می‌خواستم‌کردم ومسؤلیت‌آنچه راپیروی‌نمودم احساس می‌کنم. چنان زندگی‌ای را از سر گذراندم که‌تعجب می‌کنم به‌چه چیز د ست نیافتم.

تاسف ثمره ای جز بوجود آوردن چین و شیارهای چهره‌چیزدیگرنیست.

جشن سالگرد تولدم درچهل سالگی‌خوشی آورترین سالگرد تولدم بود، زیرا بالا خره خودرا‌شناختم. دانستم که من کی‌هستم وبه چه‌ضرورت دارم .

ازاین پیشتر هیچگاه احساس‌جوانی‌نکرده‌ام زیرا به‌پیروزی دست‌یافتم . دوطفل دارم ، معجزه‌ی که‌درتمام عمرم‌به‌آن چشم داشتم ، واین‌رامانند تمام‌وجودم دوست‌دارم . دوکودکم سیبی‌وادوارد وزندگی‌ام رابه‌صورت کا مل دگرگو ن ساخته‌است وبه‌آن توازن بخشیده است. وبه‌همین دلیل هیچ احساس تر س ازپیری ندارم زیراباآنان بز ر گ‌میشوم.

دراین سن یادگرفتم که‌چگونه کوره راه رابپایم ،بر احساس هایم چیره شوم. تجارب کمتری گرد آوردم واز آن هراضی باشم . نسبت به‌سال‌گذشته بدگمانی کمتری نسبت به نیکو کاری بشر دارم. کمتر ضرورت‌به دیدن هرچیز دارم ویااینکه هرکس مرادوست داشته‌با شد وزندگی خامو شانه ا م راپر نماید

دوستان ارزشمند اند ولی به‌مقدارکمتر آنها ضرورت دارم. سعی می کنم چنددوستی که‌دارم به‌شکل بهتر از آنها بررسی کنم . دراین سن که آدم‌می آموزد، که‌مردم تنها نمی میرند طو ریکه درسن ده سا لگی آدم می اندیشد، ولی آنها دور می شوند و یا از دواج می کنند و یا ا ینکه هیپی می شوند .

داشتن دوست برای روز بدحباتی‌است‌ولی به‌این دوست باید سخت اتکاء کرد، مانند دوستی که‌باآن درددل می نمایی وازدلمردگی نجات می‌یابی . برخی عقیده ارند که‌مارلین مونرو ازپیری می‌ترسید. ولی من‌فکر میکنم که‌او به علتی خود کشی کردکه بی دو ست بود وبه‌شدت تنها. من دوخواهرخوانده‌نزدیك دارم مثل که‌دیگران به آ نها ضر و رت دارند.

من با کارول شوهرم راجع به همه چیزسخن نمی‌زنم زیرا شوهر ظرفیت متفاوتی دارد. زنها همدیگر را بهتر درك میکنند وبه‌آنها می توان گپ ز د . با رو ل درمورد اطفال ،خانه وغیره سخن می ز نم‌ولی اورا به‌دنیای شك هایم وارد نمی کنم واوهم چنین می‌کند.

درهمین سن نیز علاقه دارم عشق‌بور زم ولی‌نمی خواهم این‌حالت راچنین بز ر گ بسازم که‌همه مسایل راتحت شعاع بگیر د. درسن بیست سالگی فقط به‌ظاهر مرد و حتی لباسش می‌نگریستم، پهنای سینه ها یش توجه‌ام راجلب می‌کرد، ونمی خواستم که‌چه باشد فقط تمایل داشتم همانچز که هست باشد.

ولی حالا فکر می‌کنم که عشق بکار،شوهرم وکودکانم مهم است. حالا آموخته ام که با به‌مغزم‌فکر کنم باقلبم‌احساس‌کنم‌ودیگران ر ا بحرکت بیاور م .

از اینکه زیبایی ام را می بازم متا ثر نیستم زیرا می دانم که‌این عنصر در دراز مدت مهم نیست در اوایل زیبایی در هارا بروی انسان می گشاید و لی‌اگر استفاده‌نشود بزودی همه چیز از دست می رود. به آن هنرمندانی بنگرید که‌چطور بسادگی پیش ازاینکه زیبایی شان پایان یابدخود شان‌از نظر حاکم شدند زیرا چیز مهم دیگر نداشتند.

زمانی کاری گرانت برایم گفته بود که من زیباهستم واینست کلماتش ((سو فیا ، تومیوه‌ای هستی که‌در درخت نمی رویی)) جواب دادم. ((نی، ولی خوب‌است که‌در بین مردم می‌رویم، این‌مهم است))اوخندید،ولی به‌مزاح این رانگفتم . دیدها‌تغییر می‌یابدولی اگر جالب باشید ومورد توجه، واگر راستی غیر ازخود به‌مردم هم‌بیاندیشید، برای‌همیشه مورد احترام مردم خواهیدبود.

زنهاییکه فقط به‌جوانی وزیبایی‌می‌اندیشند با پاگذاردن به‌سن ۴۰ سالگی دلمرده‌میشوند. اگر شق اول رافکر کنید، خودخواه‌میشوید این خودخواهی پژمرده می شود ودر(حقیقت) شما نیز به‌آن می پوسید. راز این نیست که‌زیبای جاویدان باشد بلکه باید از لحاظ احساس وعواطف برای یك مرد جو ا ن بمانید. مردم ممکن بازیبا ی کسی عشق بورزندولی این حالت گذرا دارد وفر دادل رامی زندبوزیبای دیگری‌رامی‌خواهد.

یقین داشته باشید که آرایش، ر ژیم گرفتن وخودرا لاغر ساختن ،دست‌زدن به عملیات پلاستکی وغیره (رازهای) جو ا نی وعشق نیستند. روابط جنسی فقط یك گوشه



بازی با ادوارد سرگر می خوبی‌برای‌سوفیاست

از ارتباطات زندگی خانوادگی است و آنهم خیلی گذرا.

امروز دوستی وعشق من‌کارول این‌سرحد هارا درنوردیده‌است.

آنچه که‌ساختمان مستحکم این روا بط رامی سازد به‌سن ۴۰- یا۴۵ ویا ۵۰سالگی ازبین نمی رود.

این ها: احساس مشترك،رویاهای‌همگانی درد های مشترك وده هاچیز دیگر است که .پایه‌های مستحکم رامی‌سازد.

سن طبیعی، پیوند کمتری باسن روانی ، فزیکی ودماغی دارد . سن چیز یست که شماخودتان فکر می‌کنید . من همیشه این گفتار یك دانشمند فر ا نسوی را بیاد دارم که:

((زنها ازسن ۳۵ تا ۴۵ پیر اند. و لی بعداز آن ساحری صورت می گیرد و آنهازیبا بالبلغ وبا شکوه می شوند .تر شی‌ها ازبین می‌رود وجای آن راقلمرو وقارت ومتا نت می‌گیرد.

اینگونه زنها به دوستی می ارزند و مردیکه به آنان بر می خورد هیچگا ه پیرنمی شود)) .

مادرم از جمله این زنهاست ومن نیز آرزودارم چنان زنی برای کارول مادری‌برای سیبی‌وادوارد وخودم باشم . واینکه من دراین سن ازترس پیری رنح نمی برم بخاطرمادرم است. او برایم‌نمونه‌خوبی‌است.

واگر بتوانم راه زندگی او رادنبال کنم دیگر ترسی وجود نخواهدداشت.

اویك پیانو نواز بزرگ ومعروف بو د ولی زندگی اش راقربانی من وخواهرم‌نمو د بدون او امروزمن‌چیزی‌نبودم. او با وجو د ۶۵ سالگی هنوز چه ازلحاظ ظاهروبا طن زیباست . اوبجای گرفتن میدهد واین راز جوانی اش است . او در برابر همه‌حوادث آماده است و هرگونه تغییری رادر زندگی پذیرا می شود. از همه کس مراقبت‌می‌نماید واز خودش چه‌ازلحاظ روانی ،فزیکی و مغزی پرستاری می‌کند.

من نیز بزندگی ام تو جه‌دارم. هشت ساعت می خوابم . یگانه کرمی که ازآن‌کار می‌گیرم روغن کودکان است. به‌چهره ا م آشنایی دارم ومی دانم چه آرایشی برا یم مناسب است. ازمدتها ست که‌نوع لوازم

بقیه درصفحهٔ ۶۰

مختصری پیرامون برخت

مترجم مهدی دعاگوی

برخت میخواست طبیب شود ولی هنرمند شد فعالیت این مرد پرمایه در اروپا لبریز و بامریکا سرریزه کرد

* * *

نظریات این نابغه هسته و اساس قایم در تیاتر و بازیگری میباشد

بر تولد برخت که از جمله نوابغ عالم تیاتر در جهان بشمار می آید درسال ۱۸۹۸ در شهر آکسبورگ تولد شده و نام اصلی وی (او یگن بر تولد فر یدیش برخت) میباشد پدرش (برتولد) و مادرش (سوفیا) نام داشت که هر دو از اهالی و مسکونین ایالت (شوا ین) بو دند پدر ش در اوایل زندگی یک مامور خرد رتبه بود که بعد ها در کارش به ترقیاتی نایل آمده و آمر یك کار خانه کاغذ سازی میشود . ولی مادرش کار وباری نداشت و فقط بامور خانه رسیدگی مینمود .

(برخت) پس از ختم تحصیلات ابتدائی شامل متوسطه‌سلطنتی شده وبه فرا گیری میپردازد و بصورت ضمنی از استعداد شعر گوئی خود مستفاض شده و اشعار خود را در مجلهٔ (دی آرنه) میفر ستاد که غالبا به چاپ میرسید تاآنکه درسال ۱۹۱۷ متوسط را تمام میکند و برای تحصیل‌در رشته طب آمادگی می‌گیرد مسقط مریض خو د بسو ی مو نشن که تقر یبا هشتاد کیلو متری فاصله دارد به مسافرت می پردازد .

ولی از آنجائیکه جنگ عمومی اول در جریان بود (برخت) با استفاده از عکس العمل ملی گرائی خود نما یشنامه (داستان سر باز مرده) را که یکی از گویا ترین نمایشنامه های برخت در مو رد جنگ و فلاکت باری های ناشی از آن میباشد برشته تحریر در آورد.

یك سال بعد از آن نمایشنا مه اسپار تاکوس را که بعدا نا م آنرا به (آواز طبل داشت)تعدیل میکند می نویسد . اما در همین فرصتیکه او مصروف نمایشنامه نویسی بو د غالبا نقد تیاتری را برای روز نامه (فولکس ویله) می نوشت که این نوشته ها گذشته از اینکه شیوه های ثابت نقد داشت انعکس‌از افکار ونظریات برخت درمورد تیاتر تمثیل و نمایشنامه نویسی هم بود که قسمت از آنرا یاد داشت هـ ی ضمنی او پزیرفته اند .

وقتی که در برلین سکونت اختیار نماید . این تصمیم او در منصه عمل می آید ودر سال ۱۹۲۲ او در برلین مسکن گزین می شود و در همین وقت نمایشنامه (آواز طبل درشت) به رژیسوری (اتوفلا گنبر گ) به عوض نمایش قرار داده میشود که این اثر او جایزه معروف (کلیست) را حاصل میکند و این موضوع در مشهورشدن برخت‌بی اثرنمی ماند جنانچه با ساس همین شهرت یابی ها او موفق میشود با خواهرنویسنده معروف المانی ازدواج نماید .

یك سال بعداز این جریان درست در فرصتیکه اولین دختر برخت پا بجهان هستی می گذارد او بحیث در امانویس در تیاتر (کامر شپیله) در مونشن استخدام میشود و او دست به نگارش نمایشنامه (ادوارد دوم) میزند وقتی نمایشنامه تکمیل میشود (برخت) آنرا بدائر کشش خود آماده نمایش می سازد که کار (برخت) یکسره در خور توجه دقیق اهل فن بوده واز آن استقبال شایان توجه بعمل آمد .

(برخت) مدت چهارسال مصروف نوشتن نمایشنامه و آماده نمودن نمایشنامه ها بروی ستیژ بود و در این‌مدت او نمایشنامه های (هیاهوی



اویگن برتولد فریدیش برخت

شهرها) مردم مرد است استفان را نوشت و هم چنان نگارش پارچه معروف (عروسی) در همین سا لها صورت گرفت که این پارچه برای ا ولین بار در تیاتر فرا نکفو رت به محل اجرا آمد .

(برخت) در فرصتیکه سخت مصروف فعالیت های هنری خودبود اختلالی درزندگای فامیلی‌او بوجود آمد.

که در نتیجه او مجبور شد از همسرش‌بعد از ۵ سال‌زندگی‌مشترك جدا شود و مقابلتا با (هلنا وایگل) رسما ازدواج نماید .

در طول اینمدت برخت نمایشنامه های (ارتقا وسقوط ژاندارك مقدس کشتار گاهها) و نمایشنامه مادر را باساس رو مان معرو ف ما کسیم گورکی نوشت که‌نما یشنامه (ارتقا وسقوط شهرما هاگونی) به‌رژیسوری خودش دربرلین بمعرض نمایش‌قرار گرفت و متعاقب نمایشنامه مادر برژیسوری برخت بمنصه نمایش‌در در آورده شد .

در سال ۱۹۳۳ برخت از برلین فراری شده و از طریق پراك به سویس میرود وبرخت داستان(هفت گناه) را نوشت که بعدا بصورت‌باله در شانزده لیزه پاریس نمایش داده شد .

که سال بعد از این جریان نازی ها حق تابعیت برخت را رسما سلب می کنند و او هم بصو ب



برخت حین تمثیل یکی از نمایشنامه هایش

مسکو بمسافرت می پردازد و از آنجاه بسوی نیویارك‌عزیمت می‌کند.

(برخت) در شهر های مهم اروپا فعالیت های مهمی را ایفامی کند که بصورت عمومی این فعالیت او را در مشهور ساختن بیشتر کمك میکند و او در پنای نبوغ و قدرت بی نظیر واستعداد فطری و اندیشه های روشن و تابناك خود پدیده های بکرو تازه برای جهان تیاتر ابداع میکند بطریقی که بعدها سر مشق ارزنده برای بازیگر ان تیاتر قبول میشود . اودر کنوا ـ نسیون بزرگ نویسندگان‌در پاریس تازه ترین اندیشه های خود را برای ارتقا وگرایش باز یگران بسوی یك اساس نوین و تازه تقدیم‌میکند که‌باکتریت آنرا مفید و سود مند ودر خور استفاده میخوانند .

همچنان بین سالهای ۱۹٤٥ ـ ۱۹٤۷ ارتباط و همکاری بین او و (چاز لیزلافتون) بر قرار میشود که (چارلز) نمایشنا مه زندگی گالیله) بزبان انگلیسی ترجمه می کند و برخت آنرا در لو س انجلسی و نیویارك به‌نمایش میگذارد تادر پنای همین نمایشنامه بتواند اتهامات وارده را از خود دور کند .

(برخت) نمایشنامه های زیاد ی نوشته که از جمله (دایره تیاتری ففقاز)محکو میت لوکو لوس (ننه دلاور) را میتواند یادکرد اوبدریافت نشان ملی درجه اول نیز نایل شده واز جمله کتب اوکتاب (کاردر تیاتر او شهرت فراوان دارد .

و در سال ۱۹٥٦ باثر یك سکته قلبی چشم از جهان میبو شید .

یك نگاه کوتاه به نمایش‌نامه‌های برخت :

بصورت عمومی نمایشنامه های برخت که چه بر‌اساس وقایع تاریخی نوشته شده مانند (ننه دل آور) و (زندگی گالیله) و چه محصول و زائیده تفکر و اندیشه اوست همه دارای منظور های عمیق اخلاقی و حاوی رصالت های بیدریغ است که منبع ومایه درونی دارد واز همین خاطر است که نمایشنامه های اورا باتکای درو نمایه ژورف آن (عقل گرایانه) میخوانند .

و جانب دیگر تئوری های اینمرد پر قدرت که امروز سر مشق تیاتر ها بوده و در نفس خود یك شیوه ومکتب مختص بخود است با ژ رف نگری های که نمایشنا مه های خود وی انجام داد کلیه تئوری های اودر باره نما یشنامه و تیاتر ، در طول زندگی اش چندین مراتبه تغییریافت ولی عقیده او قسما ثابت و غیرقابل تغییر بوده است .

چه برخت عقیده داشت که تیاتر باید از مسحور کردن تماشا گران اجتناب ورزد ولی سعی کند که بینند گان را به تفکر وادارد .که‌این طرز عقیده او بصورت خاص و مجرد در همه آثار او بملاحظه میرسد .



نمائی از نمایشنامه مشهورزند گانی گالیله

نما یشنامه های برخت دارای یك خصو صیت است و آن اینکه در هیچ یك آن قهرمان وجود ندارد و هیچکس را چه از لحاظ شخصیت روانی وباطنی وچه از لحا ظ منزلت اجتماعی با کسی دیگر بر تری و بهتری نیست زیرا برخت عقیده داشت که‌برای او(من) وجود خارجی ندارد آنچه باید موجودیت پیدا کند همانا (ما) است بروی همین طرز تلاقی آدم‌هاو قهرمان های نمایشنامه های او که آدم های بد کاری استند اعمال و کردار های مهم و موثری را انجام میدهند و کر کتر های خوب ودوست داشتنی دراثر بر خورد ها و اصعکاك های اجتماعی به افعا ل واعمال بدو نا شا یستگری متما یل میشوند .

مثلا در نمایشنامه زندگی گالیله پاپ از نگاه خودش نسبت بعلم و دانش علاقه فراوانی از خود نشا ن میدهد وظاهرا نظریات (گالیله) از قبول دارد ولی نظر به مو قعیت اجتماعی وطرز تفکر مذهب‌پرستا نه خود را مجبور میدانند در مقا بل گالیله زشتی کاربگیرد وبرای حفظ مو قعیت خود اورا شکنجه کند در جانب دیگر این جریان دسته دیگری هم دیده میشوند که چون منافع خود را مخاطره قرین احساس میکنند (گلیله) راحق بطرف‌دانسته وسعی میکنند او را از خود بسازند ولی این جاه یك تناقض وجود دارد و آن اینکه این دسته سرمایه دارنه بخاطر علاقمندی شان بعلم و دانش باین عمل دست می زنند بلکه آنان باندازه گیری ها وپیمایش تخمینی شان در یافته اند که اندیشه های نوین و انقلابی گالیله جهان صنعت را گسترش میدهد و آنان از این رهگذر منافعی را برای خود جستجو می نمایند .

اماخود گالیله‌اتکای شخصیت ترسیمی اش در نمایشنامه برخت از نگاه کر کتر طوری ترسیم‌شده که‌فکرمی شود از همه‌نعمات‌و مواهب برخور- دار است و بموفقیت های بزرگی هم نایل شده است اما همینکه علما ی مذهبی باندیشه های او انتقاد کرده و او را تکفیر میکنند و او را تحت نظر میگرند یکبارگی اسناد و مدارك خود را مخفیانه بخارج میفر ستد که این حرکت او میرساند که گالیله یك‌مرد جبون،ترسوعقب مانده‌است که‌هیچگونه صنعت قهرمان شدن در او جستجو نمیشود .

و مزیداً تماشاچی و یا خواننده گالیله برخت را شخصی ریا کار متظاهر ، چاپلوس می یابداما درختم او بیك آدم خود خواه و خشونت‌کار تحول میکند .

حالا ناقدان حق دارد برسد که یکمرد ناقص وضعیف چگونه ممکن است پایه گزار دانشی‌شود ؟

از دیگر اینکه نوعیت نمایشنامه گالیله برخت ازنگاه‌نقد امروز نما- یشنامه مشکوك لقب گرفته با ین نوضیح که این نمایشنامه نه‌ماهیت تراژیدی دارد ونه‌آنرا میتوان‌کمبدی خوانه همچنان شخصیت خودگالیله در این نمایشنامه فوق العاده نیست در حالیکه یك قهرمان اصول فوق- العاده باید باشد .

(جورج ساوتر لند فرائزر) استناد پوهنتون راج ستر نیویارك عقیده دارد که ماشخصیت گالیله برخترا از خود بالاتر والانه احساس نمیکنم او مطابق رسم واصول تراژیدی های کلاسیك که مرتکب خطا ی عقلانی و یا اخلاقی شده باشد در

بقیه در صفحه٥٦



فوتوی بالانمایشنامه ننه‌دلاور برخت‌نشان را میدهد.

دنی پروانه گم

هروقت که به پسرم دنی می نگرم فکرمی کنم او پروانه گگم است او درسن پنجسالگی تولد یافت...

• • •

عشق مادری معجزه گراست وهمین امر بود که پسر کم دنی رااز درون ابرهای تیره و تار غیزعادی بودن، بیرون آورد.

هر وقتیکه به‌آن می اندیشم هرگز باورم نمی شود .این ها فقط معجزه میتواند باشند .

بشبی که پسرم دنی پابه زندگی گذارد بخوبی بیادم است .نیمه شب یکشنبه ، در شفا خانه بود درد شدید نداشتم ولی احساس میکردم که طفلم تولدمیشود برحسب حساب من این زایش یکماه پیشتر صورت می گرفت .

کمی قبل از نیمه شب شو هرم باموترش مرابه‌زایشگاه برد. د ر اتاق تنها بودم و احساس میکرد م که طفلم پایین می‌آید. لذا صداکردم کمك«کنید طفل پیدا میشو د لطفا بکمکم بیایید ».

پرستار شبانه با عجله آمـــده و بازویم را گرفته گفت: «لطفا بدوید که به‌اتاق حمل بر ویم» در راه به برستار دیگری گفت :

که بداکتر تلفون کند .

بمجردیکه داکتر داخل اتاق حمل شد، طفلم تو لد یافت. وضعم چنان خراب بود که آنان طفل را گذارده‌و سعی کردند بمن رسیدگی کنند . بلا خره گفتند .

«پسرك تو لد شد ».

این سومین طفلم دنی بود .

وقتیکه روز بعد اورا بنـــز د م آوردند به شدت تکان خـوردم . او کامـلا پوست و استخوان بود چهره اش تکیده و خشك بــوده و سراـ پایش را موی سیاه پوشا نیده‌بود. و به شدت می لرزید .

فقط ٤٨ ساعت به شفا خانه‌ماندم هنگامیکه بداکتر گفتم که دنی می لرزد او گفت (تیرمی شود ، مهـــم نیست) واین وقتی شگفت انگیـــز بود که هوای اتاق نزده درجه بود.

بعد متوجه شدم که پستان را نمی چوشد و باز وقتیکه موضوع را بـــا داکتربمیان گذاردم گفت(مهم نیست هنو ز بسیار وقت است .بخا نه که رفتی خوب میشود .)

وقتیکه بخانه بر گشتم بیدار ش نمودم که شیر بخورد . تمام وقـت را خوابیده بود . خواب غیر عاد ی مثل یك مرده و هرگز گریه نمی کرد با ا ضطراب و پریشانی بوسیلـــه قاشق برایش شیر دادم . بعد سعی کردم از چوشك شیر کار بیگیر م ولی مك نزد . شیر بدون اراده در حلقش پائین میرفت و کلویش رامی گرفت .

وقتیکه باز موضوع را با داکتـر گفتم در جواب پاسخ داد :(چیـزی نشده اش . شما بی علت پریشان هستید).

درظرف دوهفته موی‌های روی‌بدنش ناپدید شد ولی هنوز زیـــاد می خوابید و تمام وقت عرق می کرد . بعد بوی بدی از وجودش شنیده می شد ومجبور بودم رختخو ا بش را هرروز تبدیل کنم .

برایم تر سناك مینمود. و قتیکه این موجود کو چك ونازیبا را بـــه آغوشم میگر فتم‌سراپایم پرازتر س و اضطراب می شد .سعی میکردم تا پریشانی ام رااز شوهر و دو بچـــه دیگرم بپوشا نم ولی بی‌ثمر معلو م میشد .آنان هیجانم را درك کردندو متاثر شدند .

شش هفته شده بود ولی هنـــوز پستان نمی گرفت ، ولی بخوبی به وسیله قاشق غذایی آبگین را گرفته می توانست . دو باره به داکتـــر مراجعه کردم ولذا خواستم تا خطی برای معاینه‌ی امراض حیوانی برایم بدهد . بعد از مدتها انتظار بالاخره اجازه رفتن به شفا خانه امـــراض عصبی را در لندن بدست آورد م.

ولی هنوز بسیار وقت بود و برایم گفتند (هر ماه اورا بیـاور تـا در نتیجه معاینه‌معلوم شودچه تغییراتی در او بوجود می آید ممکن علت این امر تولد پیش از وقت طفل باشد .



دنني پس از صحت يـا بي بـاخانواده اش



لذاتو نباید متاثر باشی).

متاثر نباش . این کلمات را همه داکترانی تکرار می کردند هر روز به طفلم می دیدم و مراقبت او بودم تا علایـم مبنی بر اینکه او یك طفل عادی است در وجودش بیابم .ولی بنظر من او یك موجود انسانی نبود یك چیزی بود. هفت ماهه بود ولی حرکت نمی کرد . روی رختخوا بش افتاده بود .فقط می توانست بوسیله پیاله چیزی بنوشد .

بعد از دو دفعه معاینه ابراز نـظـر کردند که دنني باید تحت آز مایش های بیشتر قرار بگیرد .بلا خـره آنها نتایج آزمایش های خـود را جنین گفتند .

(نتایج نشان میدهد که ا و بـه مرض کشش اعصاب مبتلا ست ودر نتیجه قسمت مرکزی مغز کار نمی کند. وروی همین دلیل ممکن طفل در آینده حرف نزند ، راه نرود و اگر راه هم برود یك بغله خواهـد رفت و هرگز حرف نخواهد زد زیرا زبانش از حدمعمول بزرگ‌است.)،

(خانه ببرش ومراقبت او باش و پس از هر شش ماه برای معا ینه‌ی مجدد به کلینك بیار یشس).

در حالیکه پای ورقه‌ی کا غذامضا کردم تمام وجودم برای کمك فریاد می کرد ولی همه آن بیهوده بود.

(فکر کردم باید خفه اش کنم).

در خانه با پسری خموش و بـی حیات، توته گوشتی‌که حرکت‌نداشت و به سختی شور می خور و هـم و هیچ شباهتی با پسـران دیگـر م نداشت ، تنهای تنها بودم .

در یك بعد از ظهری در منزلـم تنها بودم ودو نظر د رمغزم فشار می آورد . شوهرکار می کرد ، مادرم ازبچه ها پرستا ری میکرد و من‌فقط کاری جز به شفا خانه رفتـن و از او مراقبت کردن، ندا شتم ،یا خود اندیشیدم (باید او را خفه کنم بلی این یگانه راه است ،باید او را خفه کنم .)

تلفون زنگ زد و بـدون اراده گوشک را بر داشتم. مادرم تلفون می کرد تا خبـرم را بگیرد .اشك های که در ماه اخیر بزور نگه‌داشته بودم ،نا گهان فرو ریخت .برایشس گفتم که می خواهم دنني راخفه کنم صدایش صاف از گوشک تلفـو ن شنیده می شد . (بلحاظ خدا چـه شده است ؟ سعی کن بر اعصابـت مسلط شوی)

چیزی در مغزم برق زد. .از بچه ها پرسان کردم واز او خواستم که بخانه بیاور شان .

و از این پس مجادله ام آغاز شد

ولی هنوز نمی توانستم او رابـه حیث پسر کوچکم بپذیرم .او بسیار اندو زده و بی حیات معلوم میشد . ولی با گذشت هفته ها چنین بنظر می آمد که در برابر بازیچه ها کمی عکس العمل نشان مـیدهد . در چشمانش نور نوی خوانده میشد ، نوری از شناخت .

با وجو دیکه ده ماهه شده بـو د هنوز به تخت خوابش نمی‌ایستاد.و برای کمکش دست هایش را لبه‌ی سخت می بستم به آ هستگی تخت خوابش را بالا و پائین می آوردم تا بلکه مطلب را درك کند .

سه هفته بعدیك روز صبح‌وقتیکه داخل اتاقش شـدم روی تـخـتش ایستاده بود . و بعد از آن فهمیدم که با زحمت میتوان از دنني چیزی ساخت او در درونش گیـر افتاده بود،و می بایست از پـوسته اش بیرون بکشمش . ولی زمان زیـاد ضرورت داشت .

پیشتر ها هیچ با طفل غیر طبیعی ای سرو کار نداشتم و در این مورد کدام هدایتی هم نداشتم . ولی بـا بزرگ نمودن دو بچه دیگر، کمـی تجربه بدست آورده بودم و مـی دانستم که چه وقت باید گپ بزند ایستاده شود و بنشنید ،تبسم کند وراه برود . ولی سعی کـردم او را به آهستگی مهربانی به ایـن مطالب آشنا بسازم .

اول او را روی چوکی طفلانـه بسته نمودیم .قاشق چوبی بزر گی را بارنگ های تند و روشن رنگ آمیزی کردم تا نظرش را جلـب نماید.

روزی فکر کردم (باید برایـش گپ زدن یاد بدهم) لذا برای ساعت ها نشستم و با او حرف زدم .

بار دیگر به‌شفا خانه برای معاینه بردمش باز همان نقص مغزی بود. تلاشهایم بیهوده‌است.همانسال‌خشویم از هسپانیه آمد وسعی می کرد که باماساژ دادن به دنني ر سیده گـی کنند . بعدما برای گذراندن رخصتی به اسپانیه رفتیم وسعی کرد یـم برایش راه رفتن را یاد بدهم .

کژخلیقها یافریاد های وحشتنا ك:

وقتیکه از سفر بر گشتیم . برای اینکه چشم راستش را درست‌کنیم. برای عملیات دنني را به شفا خانه بردیم. **در این وقت ۱۵ ماهه بود**. در این مدت کوتاه، زندگی اش پر از حوادث تراژ دیك بود. ولی پس از پایان عملیات چشم‌دیگر ش(چپ) شد . نا امیدی سر وپایم را گرفت و مجبور باز به شفاخانه مراجعـه کردم .

دنني کج خلقی را شروع کردواز اینکه با او تماس می نمودم بدروئی می کرد .با من احساس بیگانگی‌می نمود .خوش نداشت باکسی رابطه

بقیه در صفحه ۵۷

این عکس ذریعه دستگاه سیاره‌پیما اتحاد شوروی‌مارس ـ۵ـ بدست‌آمده است .

چگونگی دورنمای تحقیقا

برای اینکه دانشمندان با سرار کائنات پی ببرند کدام‌مسایل رادر آینده نزدیکی حل خواهند کرد؟

. . .

دانشمندان کیهانی ساختن کشتی های کیهانی راکه مسافرت چندین ساله‌را در سیارات تأمین بدارند درپیشرو دارند.

در زمان موجوده تحقیقات فضا کیهانی به مرحله جدیدخویش داخل گردیده و فضا کیهانی بحیث محل کار و لابراتوار دانشمندان تبدیل می گردد بعد از پرواز های ابتدائی عصر. تحقیقات منظم فضا کیهانی شروع گردیده ودر جریان چند سال آینده موفقیت های زیادی نصیب دانشمندان خواهد گردید .

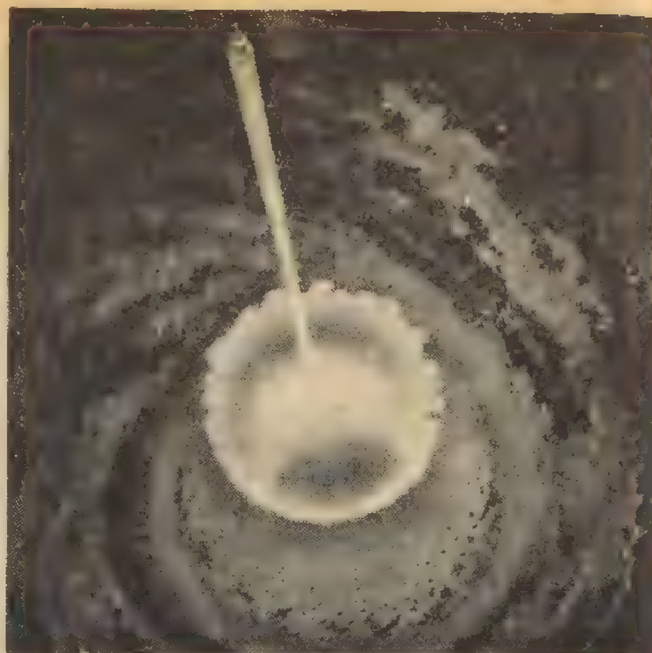
اگر راجع به فضا نزدیک زمین بحث کنیم موضوع اساسی در این ج. عبارت از مطالعه طبقات بلند اتمو سفیر ،مقناطیسو سفیر ورابطه زمین و آفتاب می باشد دقت زیاد دانشمنداق متوجه بلند بردن کمیت تحقیقات ، طرح آزمایشات کامپلکسی تحلیل و تجزیه دقیق نتایج تحقیقات میباشد .فضا نزدیك زمین قسمت اصلی محیط اطراف انسان‌را تشکیل داده و بصورت مستقیم بر طبقات ضخیم اتمو سفیر زمین تاثیر وارد می نماید .از طرف‌دیگر ایو نوسفیر برای تحقیقات سیستم کیهانی طبعی بسیار نزدیك بوده و نتایج مطالعات آنها برای طرح سترا تیژی عمومی تحقیقات سیارات دیگر منظو مه شمسی و اجسام استرو فزیکی مهم میباشد .

دانشمندان جیوفزیکی بصورت آهسته آهسته نظر خودرااز جوکات فضا نزدیك سیاره زمین به محیط بین سیارات می اندازد .دا نستن جریانا تیکه در آنجا می گذرد برای واضح ساختن مفصل رابطه زمین و آفتاب و میخا نیزم تاثیرات آفتاب بالای زمین بسیار ضروری است .

در زمان موجوده یکی کر دن میتود های مختلفه مشاهدات اجازه داده است که شکل ونمای عمو می مقنا طیسو سفیر وتاثیر آن را بالای باد های آفتابی در نظر مجسم کرد. فعلا فزیك روابط آفتاب وزمین به مرحله ئی می رسد که تما م نکت ها را تحلیل نموده و نتیجه رابطه جریانات دنیامیکی را فهمیده است وسایط خوب ترین برای حل این پرابلم ها عبارت از دستگاه های الوبا ستکی نوع (پرو گنوز) است که درتشکیل خود دارای‌یك‌کامپلکسی مکمل آلات می باشد .

دانشمندان در پهلوی میتود های پسیف‌اندازه‌گوری‌وثبت‌جریانات‌که‌در محیط کیهانی رو نمامی گردد زیادتر آرزو دارند که در جریان تحقیقات از طرق اکتیف بکمك منابع پلازمائی دسته های‌اپولتس الکترو نی‌والیونی استفاده بنمایند . بدین قسم در چوکات پرو گرام (آراکس) اتحاد شوروی و فرانسه برای تحقیقا ت مقناطیس سفیر بکمك اکترو نهایی سریع وساختن روشنی قطبی مصنوعی آمادگی گرفته میشود .

آینده درخشانی را پیشر فت های ما بعد تحقیقات خارج از اتمو- سفیر آفتاب در سپکترر رنتکینی اشعه ماورای بنفش ،اشعه تحت قرمز و ساحات رادیو ئی بکمك اقمار مصنوعی مخصو ص آفتابی می گشاید . جریانات در روشنی دهنده ما (آفتاب) حالت فزیکی محیط این سیارات و اتمو سفیر سیارات را که شرایط حیاتی را در سیاره زمین بوجود می آورد تعین می نماید . آفتاب عبارت از نزدیك ترین ستاره است که راجع‌به جریانات ستارگان دیگر بما معلومات میدهد . مطا لعه آفتاب بما امکانات آن را میدهد که میخا نیزم تبدیل کننده آن دریا فته



پرتاب ازستاره استروئید و لی(عکس فانتزی)

...ت کیهانی

انتقال انرژی را از منابع مرکزی به فوتو سفیر و غیره محهیا بسازیم . همچنان ما راجع به پیدا یشس ، پیشرفت و تکامل و تقسیمات ساحه مقنا طیسی آفتاب ، فعالیت آفتابی اثرات انرژ یتکی بسیار عالـــی در روشنی دهنده ما ، تشکیل کیمیاوی وسا ختمان فوتو سفیر کرومو سفیر و تشر آن معلو مات بدست خواهیم آورد.

ان موضوع همچنان در نظر است که تحقیقات سیارات مهتاب، زهره ومریخ راکه بصورت موفقانه شروع شده است ادامه داده شده و سطح سیارات ، اعماق آنها ، اتمو سفیر آنها وساحات تشعشعی ومقنا طیسی آنها مطالعه گردد .

تجارب فضا نوردان نشان دا ده است که مو ضوعات زیاد مسایـل مطالعه سیاره مهتاب وسیارات دیگر باید بکمك دستگاه های اتو ماتیکی حل گردد . ازین نقطه نظرکه‌دستگاه های اتوماتیکی دارای درجه عالـــی اتوماتیکی بودن در صورت حرکـت قبول و تحلیل محیط اطراف و اتحاد بالای سطح سیارات بوده و قادر به قبول وتحلیل محیط اطراف اتخاذ تصمیم راجع به فعالیت دستگـــــاه اتومات نظربه شرایطاوضاع میباشد لذا آنها دارای آینده درخشان مـی باشند .

فقط تحقیقات منظم با استفاده از طرق عصری ژیو فزیکی و وسایـط عصری امکانات آن‌را میسر می‌سازد که‌بالا خره‌با اطمینان عالی ساختمان اعماق سیاره مهتاب ، تشکیل ونوع خاك آن را دانسته تکامل‌و پیشرفت درین قمر طبیعی‌دائمی سیاره خودرا به فهمیم .

مطالعه سیارات ذهره و مریـــخ در مرحله اول برای فهمیدن پیداش وتکامل سیستم منظو مه شمسی به صورت عمومی و بصورت خصو صی از سیاره زمین بسیـــار مهم میباشد اگر ما راجع به سیاره مریـخ سخن می زنیم ،از نقطه نظر بیو لوژیـــکی دارای دلچسپی است . بطور مثال در پرو گرام تحقیقاتی (ولکنگـك) ایالت متحده امریکا دیده میشود که تمایل زیادتر آنها متوجه مطالعـــه کیمیای عضوی‌به‌سطح(سیاره سرخ) و همچنان اجراء تحقیقات بیولوژیکی بوده است .

مطالعه ساحات و . ـ منظومه شمسی و سیارات بزرگ مشتری وستور ن بسیار چیز های بما وعده می دهد.



اگر مابتوانیم معلوم نمائیم‌که درین سیارات تناسب‌بین‌سلیکات های‌سبك فرار کننده و اجزای آهن چـــقد ر است در آنصورت ما قدم مهمی در دانستن این موضوع که چه قسم ابر های سیارات حدمسافات مختلف اند از آفتاب بوجود آمده و در کدام شرایط جمع‌شدن‌مواد سیارات صورت گرفته بر داشته باشیم . روشنـی بسیار زیاد سیاره مشتری در ساحه امواج رادیوئی از زیاد بودن جداشدن حرارت درین سیاره بزرگ پیشس بینی می کنند و این قسم هم شده میتواند که این‌سیاره از دیگرسیارات منظومه شمسی فر ق داشته باشد. بهرحال متخصصین کیهانی ازپرواز دستگاه های اتوماتیکی بین سیارات که بطرف مشتری پرواز می نمایند انتظار وامید زیاد دارند .

اجسام کوچك سیستم منظو مــه شمسی از قبیل استر وئید هـــاو کومیت ها معلومات پر ارزشـــی را راجع به حالت ابر های اولی‌سیاراتی وسیاره زمین هم از آن بوجود آمده حتی در جریان تحقیقات این اجسام کوچك می توان کلید درك طبیعـت ابتدائی پیشرفت منظومه شمسی را بمدا کرد .

امکانات مشاهدات استر ونو مـی خارج از حدود اتمو سفیر آرزو ی سابقه استر ونومی میباشد داخـل

ساختن تلسکو وپ هادر فضاکیهانی قابلیت تشخیص آنسها را بسیا ر بلند می برد . ضرورت به مشاهدات خارج از اتمو سفیر مربوط بانسـت که فقط يك قسمت بسیار کم ساحه

شعشع الکترو مقنا طیس به سطح سیاره زمین رسیده و درینجه قابل مشاهده می‌باشد .البته این را هـم باید بخاطر داشته باشید و ساختن رصد خانه استرونومی در مدار زمین کار آسان نیست .از همه زیاد تـر موضوع توجهه کردن و استقرار دادن پلت فورم که آلات و وسایـط سترو نو می را نقل میدهد بسیار مشکل است .

زنان و دختران

از شوهرم شکایت دارم زیرا

– وقتی در محفلی شرکت میکنیم او بدون اینکه توجهی بمن داشته باشد با دوستانش سرگرم صحبت میشود و مرا بکلی فراموش می کند.

– بدون اینکه فکر کند من در کنارش استم وقتی براه می رویم چشمش بزنان و دختران دیگر است .

– معاش و پولهایش را از من پنهان نموده و صرف هر روز صبح یك مقدار پولی که کفایت مصرف‌را نمی کند پیش رویم می‌اندازد .

– اکثرا نا وقت های شب بخانه می آید .

– اگر غذا کمی هم بمزا قش برابر نباشد بنای غالمغال و گفتگو را می گذارد و رسوایی راه می اندازد .

– اقتصاد خانواد گی ما را در اثر ولخرجی های بیجا بر هم می زند .

– به‌سر ولباس خود هیچ توجهی ندارد .

– وقتی از اعمال و حرکاتش‌انتقاد نمایم با من جنگ می کند .

– اگر مهمانی بخانه ما بیاید آن قدر پیشانی ترشی و بد خلقی می کند که‌مهماتان بالاخره به خود می خو ر ند – هیچ و قت برایم موقع نمیدهد که درد های‌د لم را باو درمیان بگذا رم.

– در هر چیز باید کور کورانه از او اطاعت کنم .

– بدون اینکه باینده اطفالش فکر کند آنها را پول می دهد تا خود سرانه هر گونه فلمی را که خواسته باشند تماشاه کنند .

باشوهرم چه کنم

خوا هر محترمه (پر معروف) یکی از خوندند گان عزیز مجله ضمن صحبت تیلفونی مطالب ستون (باشوهرم چکنم؟) منتشره شماره قبلی مجله رامورد انتقاد قرار داده ومتذکر شدند که مطالب این ستون هیچ نوع جنبهٔ اصلاحی ورهنمائی ندارد.. .. متصدی صفحه زن‌ضمن اظهار قدردانی وسپا سگزاری از خواننده محترم که علاقه بخصو ص بمطالب این صفحه نشان داده اند میخواهد متذکر شود که منظور از نشر ستون(باشو هرم چکنم؟)صرف جنبهٔ تفریحی داشته و خواسته ایم باخوانندگان‌محترم مجله شوخی‌نمایم ازینرو از خو انند گان محترم خواهشمندیم مطالب این ستون را جدی تلقی نفر مایند .

واینك باز هم به پاسخ های قبلی ادامه میدهیم :

* * *

–شو هرم بیکاره وتنبل است بااو چکنم؟

رخت شوئی وخانه جارو را یادش بدهید وهر روز وادار ش سازیدکه مشق وتمرین کنید.

–شو هرم هر وقتی بامن جنگ می کند مرا تهدید می کند.

بوت ازپابکشیدوخودش راتهدیدکنید

–شرم روز ها می گذرد ویك‌پول هم بمن نمی دهد.

شب ها جیبش را تلاشی کنید.

مود

ضرب المثلی است که می گویند (زیبائی در چشم بیننده ا ست). بعضی از میرمن ها فکر می کنند هر قدر تکه گرانقیمت خر یدا ر ی نم نید لباس شان برازنده تر خواهد بود در حالیکه بر عکس ، نظر ما اینست که در طرز تهیه لباس تکه قیمتی نقش‌ندارد،بلکه طرزساختمان اهمیت زیاد دارد .

شما ازتکه های‌چار خانه تولیدات کشور یك رنگ زیبا را مطابق میل تان خریداری و اگر خود تان از عهده ساختن آن برآمده‌نمیتواند به خیاط تان مطابق باین نمونه فرمایش دهید . وقتی لباس تان آماده شدآن را در یك محفل بپوشید و متو جه باشید که در محافل آینده چند نفر دیگر از شما تقلید خواهند نمود .

از لابلای نامه‌ها

دختری هستم تحصیل کرده و از چند سال است با جوا نی که تحصیلات خودرا با خر رسانیده و در اداره کار می کند نامزد شده‌ام . یکسال از نامزدی ما گذشته بود که پدر نامزدم فوت‌کرد ویك مقدارپول از دارائی که ازپدرش مانده‌بودبین سه برادر ودو خواهر و مـادرش تقسیم شد نامزدم نیز ازین مدرك صاحب چند پولی شد و چون دو برادرش صاحب زن و اولاد بودند بنابه مشکلی که داشتند برادر شان را نتوانستند با خود بپذیرند و ناچار در اثر موافقه پدرم با مازندگی اختیار نمود . نامزدم نسبت اینکه پولش بهدر نرفته وبیجا مصرف نشود آنرابه پدرم طور امانت‌سپرده تا آنرا نگهداری نماید . از مدتی است که موضوع ازدواج ما مطرح است من ونامزدم در نظر داریم که با همین پول یك سرپناه خیلی ساده هم اگر میسر شود خریده و یك موتر نیز خریداری‌کنیم ،پدرم‌نیزنظر ما را تائید می کند اما مادرم قطعا به نظریه‌ما موافقت نداشته واصرار دارد که باید از همین پول چند ین دست لباس و زیورات خریدا ری نموده و متباقی را مصرف عروسی کنیم .هر قدر برایش دلیل می آوریم باو تاثیری نمیکند .

من فکر می کنم اگر این پول را بمصرف عروسی و تهیه لباس هائی که شاید ازهرنگاه در آینده بدردما نخورد برسانیم ما نه‌تنها بی سرپناه خواهیم ماندو آرزوی داشتن یك‌موتر راکه هردو بدل‌می‌پر ورانیم‌یك‌نقش بر آب خواهدشد ،بلکه‌برای همیشه قسمت بیشتر معاش خود را بکرایه خانه ه ی شهر بپر دازیم و از یکجا بدیگر جا همیشه نقل مکان کنیم و لحظه روی راحت وآرامی را نبینیم زیرا با پول معاش نمیتوانیم هم زندگی خودرا سر براه نمائیم و هم خانهٔ از خود داشته باشیم فلهذا نتیجه این خواهد بود که همیشه در بدر وبا مشکلات اقتصادی هم روبرو باشیم .

از شما خواهش می کنم‌در مورد قضاوت نمائید واگر امکان دا شت نوشته‌ام رادر مجله چاپ‌نمائید تالاز



مرگ یکی از معلمان لیسه زرغونه

هفتهٔ گذشته میرمن عطیه سروری یکی از معلمان جوان و ورزیده‌لیسهٔ زرغونه چشم از جهان بست‌ومرگش باتا ثراتی زیادی در محافل عرفانی بخصوص در لیسهٔ زرغونه انعکاس کرد .



مرحومه عطیه سروری

میرمن عطیه سروری، درسال ۱۳۲٤چشم به دنیا کشودوتحصیلات خود را در لیسه رابعهٔ بلخی بپا یان رسانید و سپس شامل پو هنځی ادبیات وعلوم بشری گردید و بعداز ادامه تحصیل در رشتهٔ تاریخ و جغرافیه آن پو هنځی، بسال ۱۳٤۹ وظیفه مقدس معلمی رابعهده‌گرفت.

مرحومه بروز ۲۳ عقرب به سن۲۸ سالگی در هاشم زیرنتون وفات‌کرد.

نکته های در بارهٔ زن

– اگر میخواهید اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید بزنان آ ن ملت بنگرید .

(ناپلیون)

– مردان قانون وضع میکنند و زنان اخلاق بوجود می آورند .

کوندورسیه

– شرح زندگی خوشبخت ترین زنان ، مانند تاریخ خوشبخت ترین ملل خالی ازوقایع‌وحوادث نیست .

جرج الیوب

– ازبین مرد ها از همه سعادتمند تر (آدم) بود : زیرا مادر زن‌نداشت

پار فی

– وقتی که زنان دو ستمان مـی دارند، مارا ازهر لحظ بد یده های عفومی نگرند ، حتی جنایات مـارا ولی وقتی که ما را دوست نمیداشته باشند ارزشی حتی به فضا یل مـا هم قائل نمیشوند .

بالزاک

آشپزی

ازپوست‌های مالته‌نیز استفاده کنید



موسم مالته فرا رسیده .این میوه لذیذ علاوه ازاینکه غنـی تر یـن ویتامین ها مخصو صا ویتامین (ث) است و تازه آن نیز میوه خیلـی خو شمزه میباشد ،موارد استفاده دیگری نیزدارد که‌اینك بشما معرفی می کنیم .

۱ـ پوست مالته را جدا کرده و خسته های آنرا نیز دور کنید بعدا آنرا در بین ظرفی که عاری از زنگ باشد بصورت پارچه های کوچـك انداخته یکمقدارپوره نیز بان علاوه کنید و بالای آتش بگذارید تا خوب بجوشد وقتی بقوام آمد آنرا در بین پیاله ها وظروفی که لازم می دانید انداخته بگذار ید سردشو د آنـرا عوض پودین بعد ازغذا صرف کنید.

۲ـ پو ست‌مالته‌راکه خوب‌شسته شده باشد اولا قسمت سفیدی بیـن آنرا با چاقوی تیز تراش کنـید سپس آنرا خلال نمائید بعد از آ ن در یك دیگ بدون زنـگ زا دگی ا نـدا ختـه بجو شا نیـد بعد از مدتی جو شانیدن آب آنـرا صاف کنید و باز آب انداخته بجوـ شانیدو همین‌طور ۳ـ٤ مرتبه تکرار آنرا جو شانده و آبش را تبـد یل نمائید .

در ظرف دیگری مقداری بوره که توسط هاون خوب میل شده باشد انداخته وخلال های جو شانده‌راکه باآب شستشو نموده اید سا عتی بـگذارید تا خـو ب خشك گردد بعد از ینکه خشك شد دربین پودر بوره انداخته توسط یکدانـه پنجه خوب آنرا با پودر مخلوط کنید سپس آنرا بروی کاغذ پاك و یا تکه پاك هموار نموده بگذارید خـوب خشك شود .

از خلال خشك شده بهتر یـن سیمیان شرین بدست می آیدکه به فامیل ومهمان تعارف میتو ا نید .

نامهٔ شمارسید

خواهر محترمه ا.الف ؟

نامه تانرا خواندیم از لطف وحسن نظر خواهر انه تان در مورد صفحهٔ زن یك جهان تشکر .امید واریـم طبق وعده همکاری تانرا از ما دریـغ نفرمائید .

پیغله ، ل از جمال‌مینه !

ما هم با شما در مورد نوشته تان هم عقیده میباشیم . وباید محترما نه از ایشان خواهش کرد تا از حرکات خلاف نزاکت خود داری نمائید .

محترمه ن از لیسه جمهوریت .

امید است بتوانیم مطابق بذوق شما وسایر خوانند گان عزیـز و محترم مجله صفحـه زن را بیش از پیش جالب تر وسر گرم کننده تر تقدیم نمائیم از لطف تان تشکر .

محتر مه ـش ؛

شما میتوانید با تر تیبی که داکتر معالج بشما توصیه نموده عمـل نمائید راونتیجه‌برایش‌بگوئید شاید توصیهٔ دیگری بشما بنماید .

پیغله ز ، از شش درك

البتهِ علل زیاد دارد وبهتر است بیك متخصص طب مراجعه نمائید .

یکطرف مادرم با شتباهش ملتفت گردد واز جانب دیگرهر پدرو مادری که واقعا آرزوی سعادت دختران‌شان را دارند درین مورد بینند شینند و راهی را انتخاب نمایند که آینـده دختر شان مواجه به پریشا نـی نگردد .

س :از پر وان مینه ؛

ژوندون : نظر شما را تائید می کنیم وضمنا از خوانندگان محترم م

این صفحه خواهش می کنیم‌آنها نیز نظر خویش را بما بفرستند .

لطفا دربالای پاکت (متصـد ی صفحهٔ زنان و دختران ـژوندن)را فرا موش نفر مائید .

یك تست روانی برای جوانان

فرستنده: میرمحمد «مظلومی»

باپاسخ دادن به این سوالات، رفتاری که بادیگران دارید دریك داوری واقع بینانه قرار دهید.

بدون رفتار نیك، جامعه بشری تحمل ناپذیر وغیر قابل زیست خواهد بود زیرا بدون (رفتارنیك) ووجود داشتن اصول و مقررات پسندیده به عنوان (آداب زندگی اجتماعی)، زندگی عرصه یك بازی خواهد شدكه بازیگرانآن، مكلف به رعایت هیچ قاعده وضابطه ای نخواهند بود. تلاش برای توجیه این واقعیت بدیهی ضرورتی ندارد، همه توجه دارندكه وقتی باآنان بشیوه ای احترام آمیز رفتار میشود، چقدر احساس غرور وشادی میكنند. دراینصورت، داشتن (رفتارنیك) علاوه براینكه جامعه بشری را تحمل پذیر وقابل زیست میكند، برای انسانی كه اصول آنرا رعایت میكندارمغان های ثمربخشی خواهد داشت. حالا بایدكه وضع شما، ازاین نظر، ازچه قرار است. آزمایش روان شناسی كه رو شنگر این نكته دقیق است. آزمایش بصورت (۲۰) سوال است. هرسوال را بدقت بخوانید صادقانه وآگاهانه ومنصفانه با وضع خود تطبیق كنیدوبعد. با(بله) ویا (نه) بهر سوال پاسخ دهید.

سوالات

۱ــ آیادر ستودن وتحسین كردن دیگران سخاوتمند وگشاده دست هستید وهر وقت رضامندی برای تان حاصل میشود، آنرا به سهولت ابراز میدارید؟

۲ــ آیا (خواهش میكنم) (وسپاسگذارم) ازكلماتی استكه پوسته ازدهان شمابیرون میریزد؟

۳ــ آیااغلب یك گام عقب میگذارید تا شخصی كه شتاب دارد، یك گام پیش بگذارد؟

٤ــ آیانفرت دارید ازینكه ببینید كسی آزرده شود واپس زده شود وبه بازی گرفته نشود؟

٥ــ آیا روشی دوستانه دارید: راحت میشود باشما صحبت كرد وبدنیای تان دست یافت؟

٦ــ آیادر معر فی كردن اشخاص كه یكدیگر رانمی شناسند، سریع وپش قدم هستند؟

۷ــ آیابراستی كوشش دارید كه نام ها وچهره هارا بیاد داشته باشید؟

۸ــ آیانسبت به احساس واندیشهدیگران حساس هستید: متوجه میشویدكه آنان چه موقع دوست دارند ساكت باشند، نیاز به دلجوئی دارند وترجیح میدهندكه موضوع مورد بحث وگفتگو تغییر یابد؟

۹ــ آیا هنگامیكه با آدمی نا توان وناجور برخورد میكنید میتوانید خو نسردی و ادب خودرا حفظ كنید؟

۱۰ــ آیا تحمل نظری راكه مخالف نظرات شما ابراز میشود، دارید ویا اینكه ازآن آدم های هستید كه تابخاطر مخالف خودرا باقاطعیت رد نكنید وابراز كننده آنرا سرجای خود ننشانند آرام نمیگیرید؟

۱۱ــ وقتی اشتباهی میكنید، در اعتراف وپوزش خواهی سریع هستید؟

۱۲ــ آیااین دقت رادارید كه با فراد، وقتی حرفی برای زدن دارند، فرصت كافی بدهید تاحرف های خودرا بشما ویا دربرابر شما بزنند؟

۱۳ــ آیاوقتی افراد باشما صحبت میكنند توجه ووقت وعلاقه كافی برای شنیدن ابراز میدارید؟

١٤ــ ممكن است باافرادی كه نشست و برخواست دارید احساس لذت نكنید. اما میدانیدكه آن افراد شما رامیخواهند ویا بوجود تان نیازدارند. بااینهمه، آیا ابراز همكاری میكنید؟

۱٥ــ آیاوقتی دست بكار ناجوری میزنید،

بقیه در صفحه ٥۹

ازدنیای جوانان

دختران هوا باز فرانسوی دست به یك سلسله عملیات عجیب زده اند بدین معنی كه نه دو شیزه كه بزرگترین آن بیشتر از ۲۲سال ندارد باپرواز های اكرو باتیك در آسمان فرانسه توانستند ثا بت نمایند كهاز بسیاری جهات میتوانند با پسران برابری نمایند.

وقتیكه از ایشان در باره اینكه چرا در میان دها تفریح وورزش های دیگر تنها به این تفریح خطر ناك مبادرت ورزیده اید عدهای از آنها برای اینكه جواب داده باشند گفتند.

چون میدیدیم كه پسران بیشتربه ورزش های علاقه میگرفتند كه ما دختر ها جر ئت آنرا نداشتیموبرای اینكه ثابت كرده باشیم كه ما هم دست كمی از آنها نداریم **شروع به یادگر فتنطیا ره نمودیم وامروزبا پرواز های خودثابت نمودیم كه ما هم میتوانیم در بسیاری از مسا یل دیگر ورزشی با پسران رقابت نمایم.**



دوشیز گان هوا باز

در جستجوی دوستان قلم

اینجانب محمد نبی میخوا هم در باره هنر رسامی ، نقاشی و هیکل تراشی معلومات تازه جمع آور ی کنم .
کسانیکه در این راه میتوا نندمرا کمك و رهنمائی نمایند لطفا به این آدرس مکاتبه کنند.
آدرس- لیسه صنایع کابل محمد نبی متعلم صنف یازدهم .

* * *

مایلم با برادران وخواهران افغا نی خویش مکاتبه نمایم موضوعات که من بدان علاقمندم اینهاست .
موسیقی ، رسامی ، خیاطی ، بافت
آدرس -لیسه زرغونه - نجیبه معلمه صنف نهم .

* * *

آرزو دارم با کسانیکه در بـاره آثار تاریخی افغا نستان مخصو صا دوره کوشانی معلومات داشته باشند مکا تبه نما یم.
آدرس - نجیب الله متعلم صنف یازدهم لیسه نادریه .

* * *

میخواهم بدانم که دوره رنسانس د ر کشور ما چه وقت بـوده وآثـا ر هنرمندان معروف کدام ها اند .
کسانیکه درین باره معلومات دارند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .
آدرس -لیسه عایشه درانی - نادره متعلم صنف هفتم .

* * *

ماشین چاپ چه وقت اختراع شده و مخترع آن کیست میخواهم در این باره معلومات داشته باشم .
آدرس- محمد هارون از لیسه تخنیك کابل .

* * *

مایلم با برادران خود که در باره ادبیات دری افغا نستان مخصو صا ادبیات دوره غزنوی معلوما ت جمع آوری کنم .
آدرس - عبدا لفتاح متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه .

* * *

از عبدالجلیل (جو لان)

مراعات آداب معاشرت از ضروریات است

در جهان کنونی با اختراعا ت و انکشافات هر چه بیشتر و بهتر که بعمل میاید در نتیجه پیچ ویا پیچ های بر پیچید گیهای موجوده حیات انسانی افزوده میگردد . وما این مساله را نه تنها با حواس خویش درك مینمائیم بلکه میتوان در زمینه از لابلای او راق تاریخ نیز استنتاج نمود چنانچه از تتبع صفحا ت مذکور بر میاید که در از منه قدیم وقتا که هنوز اجتماعات باشکـال کوچك وجود داشته واز طرفی هم از پدیده های محیرا لعقول امروز ی اثری در میان نبود . طرز زند گانی مردم شکل دیگری را داشته است.
قابل توضیح است که مـرام از پیچیدگی حیات این نیست کـه پیشبرد زندگی همچون گذشته های بعید مشکلتر میشود بلکه بر عکس مطلب از جملهٔ فوق الذکر اینست که طرز سلوك و روشن یا همنو عـان ایجاب یك سلسله آداب و اصول را مینماید . و آن بدینمعنی خواهد بود که همانند سیستمهای زندگی دراز- منهٔ قدیم که نزاکتهای زیست باهمی بنابر عدم رشد علمی و مدنی ایجاب مبرم نمی نمود نمیتوان در شرا یط فعلی مطابق آن عمل کرد . بلکـه بابمیان آمدن پدیده هـای علـم و تخنیك که توام با آن تمدن بشـری رنگ ورونق دیگری بخود گرفتـه ضروریست تا جهت فراهـم آوری تسهیلات برای رفاه و رضائیت افراد اجتماع که با آنها در یك محیـط زیست میداریم یك سلسله نکاتی را مورد توجه و عمل قـرار داد و از برخی اجتناب ورزید، تـا از یکسو اسباب سرورو خوشی خاطر سائرین را فراهم آوریم و از جا نبی هـم از رنجش خاطر ایشان جلو گیری نموده باشیم .
طور مثال هر گاه شخصی به کمك مریضی میشتابد و یا حین اخذ تکت سینما ویا سوار شدن در بس نوبت را مراعات مینماید نه تنها باعـث

بقیه درصفحه ۵۹



از جوانان برای جوانان

«وطرح تازه وجالب از بهتر ین مود سازان اروپا برای جوانانیکه طالب مود وفیشن اند . .
بخاطر باید داشت کـه ذوق و سلیقه موید شخصیت شما اسـت پوشیدن لباس های خویش دوخت و خوش رنگ بر عـلاوه اینکـه نمایندگی از ذوق عالی شمامی نماید بلکه برا زندگی خاص بر شما مـی بخشد .
آنانیکه میخواهند لباس خوب و زیبا بپوشند باید چند نکته را در نظر داشته باشند .
۱- رنگ لباس متناسب به سن و موقعیت شما باشد .
۲- پوشیدن لباس های که رنگ تیره دارد در شب زیبنده تـر است .
ناگفته نباید گذشت که انتخا ب نکتایی وپیراهن وبوت تاثیر مستقیمی به زیبای لباس شما دارد و البتـه شما باذوق که درین قسمت دارید تمام این نکات را مرا عات مـی نمائید .






تورنمنت خزانی مکاتب پسرانه معارف پایان یافت

تور نمنت خزانـی باسکتبـال و والیبال مکاتب پسرانهٔ‌معارف که‌روز دو شنبه ۱۳ عقرب

در جمنازیم ورزشی لیسه امانی آغاز شده بود .دو شنبه ۲۰ عقرب خاتمه یافت .

این مسابقات به اسا س قوانین جدید ورزشی صورت گرفت .

در مسابقات والیبال که روز دو شنبه ۱۳ عقرب انجام شد در آن تیم‌های‌والیبال‌لیسه های،محمودطرزی حبیبیه، امانی، غازی انصاری ابن سینا، رحمن‌باباوخوشحال‌خان‌ـ ختک اشتراك ورزیده‌بود مسا بقات والیبال به سیستم (نیمه لیـگ) و (نیمه ناك اوت) صورت گرفت کـه تیم لیسه انصاری قهرمان شنا خته شد و جایزه قهرمانی خویش را که عبارت ازیك توپ‌والیبال بود ازمدیر لیسه امانی تسلیم شد .

به ادامه تور نمنت در مسا بقـه روز چار شنبه ۱٤ عقرب لیسه های غازی ، نادریه ،محمو طرزی ،امانی ابن سینا، وخوشحال خان ختـك اشتراك کرده بودند که تیم هـا ی لیسه های غازی ،امانی ، نادریه و ابن سینا به نیمه فاینل رسید اندو بعد مسابقه بین تیمهای لیسه ابن سینا غازی صورت گرفت تیم لیسه غازی با اخذ۷٦ نمبر مقابل ۳۳بالای تیم لیسه ابن سینا غالب شده وتیم لیسه امانی بر تیم‌لیسه نادریه فایق



تیم قهرمان باسکتبال لیسه‌غازی

ورزش بدمنتن درجمنازیوم پوهنتون کابل آغاز شد

ورزش بدمنتن از چند روز به ایـن طرف در جمناز یوم پوهنتون کا بل **بطور اساسی‌آغازیافت وورزشکاران** بدمنتن به روز هـای جمعه‌بمسابقات شان ادامه میدهند .

یکعده ورزشکاران خارجی مقیـم کابل نیز با ورزشکا ران افغانی به تمرین این مسابقات میپر دازند .

ورزش بدمنتن از شش سال بـه اینطرف در جمنازیوم پولی تخنیـك تمرین میشود .

بدمنتن ورزش است که بارکت و توپ پردار صالون های سر پوشیده اجرا میشود .این ورزش اولین بار **درهند رایج شدو بعدابه انگلستان** به مرور ایام در اکثر از ممالـك اروپایی ، آسیایی و امریکائی علا ـ قمندان زیادی پیدا نمود .

در سال ۱۹۳٤ اولین فدرا سیـون بین المللی بدمنتن را (سر جورج توماس) انگلیسی بنیان نهاد و بعدا ممالك زیادی با تشکیل فدرا سیون های ملی خود به عضویت فدراسیون بین‌المللی بدمنتن در آمدند .

در سال ۱۹۳۹ فدرا سیون بین‌ـ المللی بدمنتن تصمیم خود را برای انجام مسابقات‌قهرمانی بنام‌مسابقات جام (سر جورج توماس)اعلام کرد. این مسابقات هر سه سال یکبـا ر انجام می پذیرد .

این ورزش همه وقت در بـازی های آسیایی شامل بوده است .



تیم قهرمانان والیبال لیسه انصاری

آمده به‌فاینل نهائی رسیدند و به ادامه تور نمنت روزدو شنبه ۲۰ عقرب بین تیم های غازی و اما نی عالیترین مسابقه با سکتبال بالا ی بدست آوردن مقام قهرمانی صورت گرفت که در نوع خود در چند سال اخیرا بی‌سابقه‌ترین‌مسابقه‌باسکتبال بشمار می آید در آغاز بازی اعضای هر دو تیم شطرات های قابل وصف از خود نشان میدادند و مسا بقه‌هر لحظه گرم و هر چه گرمتری شد تا بالاخره اعضای‌تیم‌غازی‌بابدست‌آوردن (۷٤) نمبر مقابل ۳۲ نمبر به مقا م قهرمانی باسکتبال نایل آمد و تیم لیسه های امانی ـ نادریه و ابن سینا به ترتیب مقام های دوم تا چهارم را اخذ کردند در پایان مسابقه به تیم قهرمان یك توپ باسکتبال به عنوان جایزه ودپلوم باسکتبال اعطا گردید وبرای تیم هـای دوم ، سوم ، و چهارم دیپلوم داده شد .

آناتولی کارپف یکی ازبازیکنان شطرنج‌اتحادشوروی



مینخایل تال قهرمان شطرنج کـه یکی از قهرمانان شطرنج جهان در اتحاد شوروی است‌درباره مسابقات آناتولی در ضمن گفتگوی مطبوعا تی اش گفته بود .

سبك‌بازی آناتولی‌ورقیبش‌ویکتورکار چنوی بحد کفی بوضوح‌در مسابقات نیمه نهایی که انجام دادند نشا ن داده شده است . وپیروزی کارپـف بر اسپا سکی بعلل زیادی از اینهم بیشتر در من تاثیر کـرد . درزور آزمائی در لیننگراد پیش از همه این مساله برای من جالب بود که کارپف چه عکس العمل در مورد او لیـن شکست خود نشان میدهد که عادت نداشت **هیچ به‌هیچ بشورد وحالت معصومیت در مورد باختها نداشت** بهر حال اولین دور بازی انجـا م گردید .اسپاسکی بابرتری آشکاردر این بازی پیروز شد . ضمنا کارپف بعدا حالت سرما خوردگی پیدا کردو به همین جهت مجبور بود از یکی از دو حالت مجاز تایم اوت استفـاده نماید . من در حقیقت تصور میکردم که کار یف باوجود نشان دادن‌حالت ظاهرا آرام شروع به (از نـفس افتادن) خواهد کرد .

در آخر دوره نهم بازی کارپـف واسپا سکی تاثیری شدیدی در وی کرده است هنگامیکه شطر نجبا ز **یگانه حرکت درست‌پیدا میکند،**(همه حرکات دیگر منجر به باخت میشود) **برای وی دو علامت تعجب میگذارند** این موضوع کاملا روشن است و ی شایسته گی آنـرا بدست آورده است .

ولی چگونه میتوان این جریان را ارزیابی کرد که شطرنج باز در بین تعداد زیادی حرکت چنان حرکتی‌رابر می‌گزیند کـه فورا معـلوم **میگردد آن حرکت موجب برد است** ضمناسعی مینماییم ثابت کنیم که‌این کارکافی نمیباشد زیرا بازیکـن دانه های سفید با این وجود پس از رفع مشکلات باید موفق گردد ، بهر حال کارپف حرکتی انجام میدهدکه پس از آن اصلا فدا کردن بی مورد میباشد و اصولا بازیکن با دانه های سیاه‌هیچ امکانی ندارد.دیگر مسله‌ای مطرح نیست .

وی‌درمورد سابقه کارپف وکارجنوی یکی دیگر از شطرنج بازان گفت :

بجاست یاد آوری نمایم حسا ب آنها مساوی است ـ۲بر۲ با نضمام یك هیچ به هیچ .کارپف خیلی کم برتری معنوی دارد که در همه بازی های خود با دانه های سیاه مفیـد بازی میکرد .ولی ارزش دارد وقتیکه **چنین مسابقه ای باید انجام گـردد** جزئیات مورد بحث قرار گیرد ؟

خبرنگار خبر گزاری ا.پ.ان در جریان آخرین مسابقات المپیـك جهانی شطرنج در شهـر نیتس در

بقیه در صفحه ٦١



آیا این شاعر را می شناسید؟

برای شنا ساندن این شاعر کـه از شعرای معروف هرات در قرن دهم هجری بوده است ودر سال ۹۸۳ درهند وفات یافته ، دوروش یکی ریاضی ودیگری ادبی، بکار میبریم که البته با توجه به مولد و تاریخ و فاتش ، به آسانی میتوان اورا شنا خت:

الف ــ روش ریاضی :

تخلص او از چهار حرف ترکیب شده که مجموع حرف دوم وسومش به حساب ابجد مساوی حرف اول وحرف چهار مش معادل حرف دو م است و مجموع هر چهار حـــــرف مساوی نود می باشد .

ب ــ روش ادبی :

این ابیات از اوست :

منم ودل خرابی ، به تو می سپارم او را
به چه کار خواهد آمد که نگاه دارم اورا
شب که به بزم خویشتن دید من خراب را
رفت برون ز مجلس وکرد بهانه خواب را
افسرده چون شوم ز تو کز یـک نگاه گرم
بـازارآ ر زو ی مرا تیـز میکنـــی.

پیدا کردن عدد محذوف

سه عدد راکه در پی یکد یگرقرار گرفته اند مثلا ۷و۸و۹ از دوســـت خود، بخواهید تا انتخاب کند و مکعب هر کدا م را جداگانه پیدا نمایــد ومجموع مکعب ها را بدست بیاورد، آنگاه از این مجموع ، یك رقم را حذف نماید (از سمت راست باشد یاوسط یا ازسمت چپ) فرق نمیکند سپس باقیمانده مجموع را که یك رقم حذف شده است برای شما بگوید.

برای شما پیدا کردن عدد حـذف شده مشکل نیست باین معنی کـــه ارقام عددی راکه بشما گفته شد ه است بایکدیگر جمع کنید جمـع آن هرچه باشد از عددی که بزرگتر ازآن مجموع وبر۹ قابل قسمت باشـــد کسر کنید ، تفاوت آن همان عـــدد حذف شده می باشد.

مثال فرض میکنیم عدد ۷و۸و۹ را انتخاب کرد مجموع مکعب های این سه عدد ۱۵۸٤ میشود ، اگر ٤ را حذف کرده باشد عدد ۱۵۸ را بشما میگوید که مجموع ارقا م آن ۱٤ میشود واز عدد ۱۸ (عددی که بر۹ قابـل قسمت است) ٤ عدد کمتر است ،اگر ۸ را حذف کرده باشد عدد ۱۵٤ را بشما میگوید که مجموع ار قا م آن ۱۰ میشود واز عددی که بـر ۹ قابل قسمت است ۸ عدد کمتـــــر است .

وبهمین ترتیب است باقی اعـــداد مجموع مذ کور یا مجمـــوع مکـعـب هرسه عدد متوالی دیگر که دوست شما انتخاب مینماید .

اما کار به همین جا خاتمه نمی یابد زیرا از شما میخواهیم راز این معما را پیدا کنید که چرا هر عددی کـه حذف میشود برا ثر تفریق باقی اعداد از عددی که بر۹ قابل قسمت میباشد پیدا میشود ؟

اطلاعات عمومی خود را بیازمایید

۱ــ در حدود قرن هفتم و ششـم پیش ا زمیلاد فیلسو فی در یو نـان قدیم میزیست که برای او لین بـار کسوف آفتاب را پیش بینی کرد، او کیست ؟

۲ــ در فاصله ۱۵۹٦ تـــا ۱٦۵۰ دانشمندی در فرانسه زندگی میکرد که هم فیلسوف بود هم فزیکدان، هم عالم ریاضی و هم بیا لو ژیســـت و ریاضیات را ایده آل و سر مشق همه دانشها میدانست . اوکیست ؟

۳ــ در فاصله ۱٦٤۲ تـــا ۱۷۲۷ میلادی ، نابغه ای از مردم انگلستان زندگی میکرد که با کشف قانو ن جاذبه عمومی انقلابی در جهان دانش بو جود آورد، او کیست ؟

٤ــ در فاصله ۱۵۵۰ تـــا ۱٦۱۷ یك ریاضی دان اسکا تلندی زندگی میکرد که با کشف لگار یتم، علـم حساب را تکامل بخشید، او کیست؟ جواب را در شماره آینده مطالعه فرمایید .

یك سوال حسابی

تعدادی کتاب داریم، اگر آنها رادو تا دو تا در کنار یکدیگر قــرار دهیم . یك کتاب باقی میماند، اگـر سه تا سه تا پهلوی هم بچینیم دوکتاب باقی میماند ، اگر چهار تا چهار تا، نز دیکـد یگر بـگـــذا ر یـــم سه کتـــاب با قـــی می ما ند وبهمین قیاس اگر ده تا ده تا رو ی یکدیگر بگذاریم ،نه کتاب باقـــی میماند ، یعنی از دو تا ده تا همیشه از شماره قسمتها یی که نزدیکد یگر گذاشته میشود ، یك عدد کمتر باقی میماند . تعداد مجموع کتابها چند جلد است ؟

اصل این شعر را پیدا کنید

کلمات شعری را که بسیار معروف است در هم ریخته ایم واز شمـــا میخواهیم تا اصل آ نرا پیدا کنیـد پراگنده شعر چنین است :

آهسته دشوار عشـــق دلا که و ــ آهسته آسان ترسم گرفتی گردد

حل کنندگان

کسانی که درین هفته جواب صحیح فرستاده اند عبارتند از:

بناغلی غلام ربانی محب زاده ،محمد کریم شیفته ، رحـمت الله حمزه یی ،لطف الله کارگر مطبعه دولتی ، نور احمد نوری، محمــد اسمعیل قصاب زاده، محمد سلیم ،عبدالحی و عبدالمحمد، اسد اللــه عزیزی و محبت خان .

بقیه صفحه ۲

افغانستان همیشه یک...

معاونت کند از آنجمله افغا نستان را بایدنیز این بانك کمك نماید ،اگر چه تاحال از این بانك مساعد تی نگرفته ایم اما توقع داریم کمك های موثری از این بانك بگیریم ۰

سوال :ـ در کنفرانس اسلامی لاهور تصمیم گرفته شد تایك صندوق تاسیس گردد واز این صندوق بصورت اضطراری برای کمك به کشور های نیاز مند استفاده شود درعین حال کمیته هشت عضوی در نتیجه کنفرانس لاهور تشکیل شد تادرمورد طرح این صندوق وکمك های دوامدار آن به کشور ها تجویز بگیرد نظر جناب شما رادر زمینه آرزو میبرم؟

جواب :ـاگر این صندوق بمیان آیدیقینا ازآن استفاده شده میتواند وما از آن استقبال میکنیم ۰

سوال :ـطوریکه اطلاع دارم چندی قبل درنتیجه تماسها بین رجال افغانی وایرانی قرار داد های اقتصادی وتجارتی بین دوکشور امضا شد وعلایق دو کشور خیلی صمیمانه میباشد نظر جناب‌شمارا درزمینه می‌خواهم؟۰

جواب :ـ بلی همین طور است مناسبات بین کشور های ما دوستانه میباشد ۰

در مورد کمکها بین‌دوکشور تا حال‌مذکراه صورت گرفته این مذاکرات جریان دارد واقعا این کمك ها کمکهای موثری خواهد بود.

سوال :ـ در تابستان گذشته بیم آن میرفت که افغانستان درجنگی کشانیده شود اوضاع فعلی را چگونه ارزیابی میفر مائید مخصو صا برای تقویت دفاع ملی ومقابله با بحرانات آینده چه قدم هایی برداشته شده است ؟۰

جواب:ـ البته روابط باپاکستان کاملا روشن است پاکستان همیشه مخصوصابعد از تاسیس نظام جمهوری در افغا نستان کوشش نموده است تا در افغا نستان ناارامی ایجاد کندوپرو پاگند آنها دوام داردهدف پرو پاگند پاکستان دو چیز است :

یکی آن که میخواهد ذهنیت دنیا را نسبت باافغا نستان مغشوش سازند واز طرف دیگر بدینو سیله میخوا هد ناارامی هاو بدبختی‌های داخل کشور خود رااز نظر ها بپو شانند ۰

ممکن است چندی پیش‌شما شنیده باشید که منابع پاکستانی گفتند افغا نستان وهند در سر حدات آن سو قیات نظامی کردند در عین حال منابع پاکستانی پرو پاگند میکنندکه افغا نستان در داخل خاك خود گریلاها را تربیه کرده وبه پاکستان میفر ستند درحالیکه این اتهام بکلی عاری از حقیقت است وباز میگویند که بیش از صد هزار نفر از دست ظلم ،ستم وبی داد گری به‌پاکستان پناهی آورند ۰در حالیکه اینها عبارت از کوچی هائیست که در قرون متمادی در موسم معینه از اینجا باآنجا میروند از همین قبیل گفتار های ضد ونقیض از طرف منابع پاکستانی صورت گرفته ومیگیرد که البته این گونه تبلیغات روز بروز تشنج را بیشتر میسازد۰

یك ملتی مانند افغا نستان که مصروف رفع پسمانی های خود بوده وکوشش مینماید تا مشکلات اقتصادی خودرا رفع سازد وهمیشه صلح دوست بوده است ،هیچ وقت آرزوی جنگ را ندارد ۰البته این سخنان صرف ساخته پاکستان است ،آرزوی ما همیشه این است که باهمه مردم جهان در صلح وصفا زندگی کنیم ،البته وظیفه دفاع از خاك وظیفه ملی هرملت است تا جائیکه به افغا نستان ارتباط میگیرد برای دفاع ازخود آمادگی که درقدرتش است باید داشته باشد واین یك مکلفیت برای همه است‌لیکن آرزوی ماانیست روزی جهان‌به‌آنجا برسدکه اصلاهیچ ضرورتی برای تسلیحات وجنگ باقی نماند ۰

سوال :ـ چندی قبل یك هیات نظامی افغانستان تحت ریاست دگر جنرال مستغنی به مسکو رفت ودر این اواخر یك هیات به دهلی جدید نیز سفر نمود آیا این موضوع ارتباطی به تقویه قابلیت دفاع افغا نستان دارد ؟۰

جواب :ـوظیفه ملی ماست که برای دفاع از خود آمادگی بگیریم در مورد جزئیات این موضوع از جواب دادن معذرت میخواهم ۰

سوال :ـ درین اواخر شاه ایران در باره بلو چستان سخنانی گفته وواقعه را در آنجا موضوع داخلی پاکستان قلمداد نموده است وهم از آمادگی خویش برای مساعدت‌به‌حل‌و فصل اختلافات پاکستان به افغا نستان سخن گفته است نظر جناب شما را در زمینه میخواهم ۰

جواب :ـ در مورد موضوع بلو چستان باید متذکر شد که بلو چستان ازنگاه موقعیت جغرافیایی با افغا نستان‌همجوار میباشدومردم آن بامردم افغا نستان علایق تاریخی وکلتوری بسیار نزدیك دارند لذا هرناارامی رنج و بدبختی که در آنجا برای مردم آن پیش‌میشود حتما برافغانها تاثیر میکند وممکن نیست که تاثیرات آن در افغا نستان انعکاس نکند ۰

افغا نستان همیشه یك‌اصل راتائید کرده وآن عبارت از پشتیبانی از آمال ملی برادران پشتون وبلوچ ما میباشد این‌مربوط خودآن مردمان است که در باره خود وآینده خودچه تصمیم میگیرند وچه را قبول مینمایند ۰

در قسمت مساعی شاه ایران برای رفع اختلاف افغا نستان وپاکستان باید گفت که شاه ایران در موقع صدارت اینجانب نیزسعی کرد تا مناسبات دوکشور خوب شود شاید ایشان اکنون نیز چنین فکری داشته باشند اما هیچگونه پیشنهادی درزمینه نه‌ازطرف‌آنها ارائه شده است ونه‌ازطرف ماچنین‌پیشنهادی صورت گرفته است ۰

سوال :ـ دو روز پیش من‌از کندهار دیدن کردم وبعضی بلوچ هایی را که از بلو چستان بافغا نستان پناه آورده اند دیدم تعداد آنها در حدود سه صد نفر است درا‌ثر هدایت بوتو که قوای خودرا از مری به‌منگل سوق داده ممکن است تعدادپناه گزینان بلوچ بیشتر شود اکنون طوریکه ملاحظه کردم مقامات افغانی برای پناه گزینان مساعدت مینماید اگر تعداد آنها زیاد شود آیااز اداره پناه گزینان ملل متحد مساعدت خوا هید خواست ؟۰

جواب :ـ بلی‌البته وقتی تعداد پناه‌گزینان بلوچ زیاد شود آنگاه مجبور خواهیم بوداین موضوع رابه آن اداره ارائه کنیم ۰

اما تاحال این موضوع را باطلاع آن‌اداره نرسانیده ایم ۰

سوال :ـ آیا پیشنهاد شاه ایران را برای ایجاد یك جامعه بحر هند ازتهران تاجاکارتا مطالعه کرده اید نظریات افغا نستان در این موضوع ودیگر نظریات همکاری منطقوی چه میباشد ؟۰

جواب :ـ نظر شاه ایران رابار اول در مصاحبه ایکه باشاغلی گرنجیه مدیر جریده بلتس کرده بودند مطالعه نمودم همچنان‌ضمن اظهارات وبیانات خویش در جریان سفر اخیر خود در جنوب شرق آسیا باین موضوع تماس گرفته است ۰البته از اخبار وجراید نمیتوان تمام اطراف وجوانب واهداف این پیشنهادرا کاملا تحلیل نمود لیکن اینطور نظریات ازهر جانبی باشد اگر مقصد وهدف آن آسایش، تامین‌دوستی وتامین صلح درمنطقه‌ای‌که‌مادران زندگی میکنیم وتحکیم صلح جهانی باشدبه‌آن به نظر نیك دیده ومی‌بینیم ۰

سوال :ـ ما افتخار استقبال شما را در کشور خود چه وقت داشته میتوانیم پیشرفتی راکه در تطبیق طرح های‌همکاری متقابله بین دو کشور ماميسر شده است چگونه ارزیابی میفر مائید ؟۰

جواب آرزو دارم در همین زودی ها موقع پیدا کنم تابنا بدعو تیکه‌زعمای کشور دوست هند ازمن بعمل‌آورده اند‌به‌کشور شماmسافرت نمایم وبا دوستان هندی‌ملاقات نمایم ۰

روابط ما وهند همیشه دوستانه‌بودوعلایق خاص تاریخی‌بین‌دوکشور وجوددارد مخصوصا بعد از آنکه رژیم جمهوری در این کشور بمیان آمد دوستان هندی نظر نیك بوطن‌ما داشته اند وعلایق‌مادوستانه وصمیمانه میباشد

در مسایل همکاری‌های انکشافی درساحات اقتصادی همکاری های کشور هنددرسه‌ساحه متمرکز بوده است :

اول‌ـ همکاری درپروژه های کوچك برق وآبیاری که خوشبختانه بعضی آن به‌ثمر رسیده است ۰

دوم‌ـ کمك های تخنیکی ۰

سوم‌ـ رسانیدن جوانان مادر ساحات مختلف‌برای پیشبرد خدمات انکشافی‌ـامیدوارم درآینده در نتیجه مذاکراتیکه بازعمای هندی صورت میگیرد دوستان هندی مادر پروژه‌های بزرگ نیز همکاری نمایند ۰

پروژه ها خوردباشد یابزرگ نمونه‌خوبی ازهمکاری بین دوکشور میباشد وما همیشه هند راکشور دوست خود میدانیم ۰

دراخیر ژور نالیست هندی از اینکه برای شان موقع مصاحبه داده شد صمیمانه اظهار سپاسگذاری کرد ۰

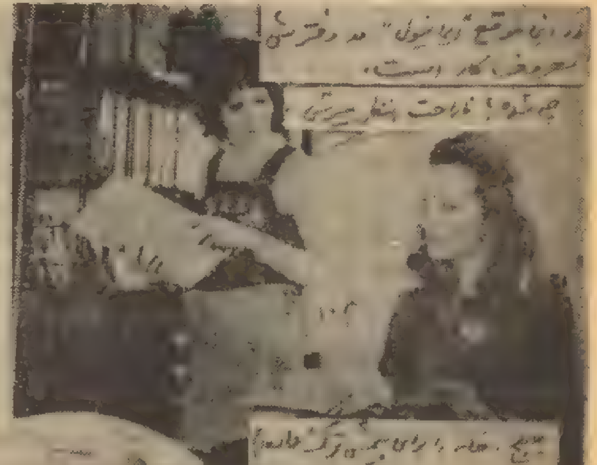
آخرین نوازش

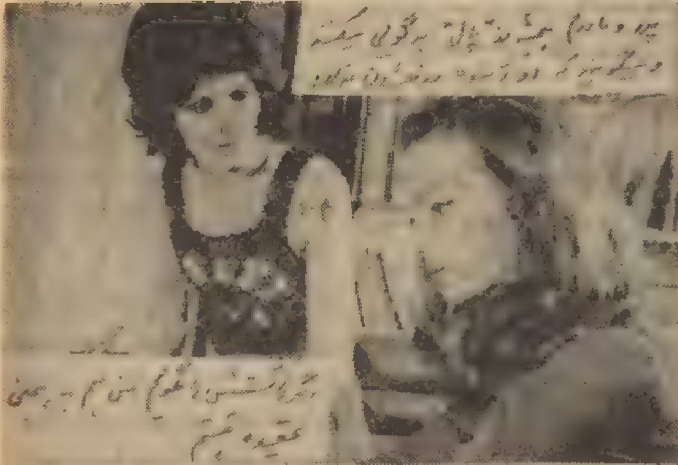
ترجمه وتنظیم از :قاسم صیقل

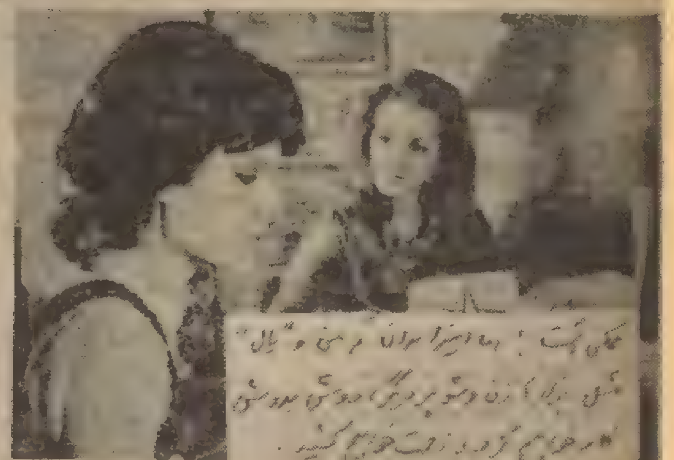
درشماره گذشته خواند ید :

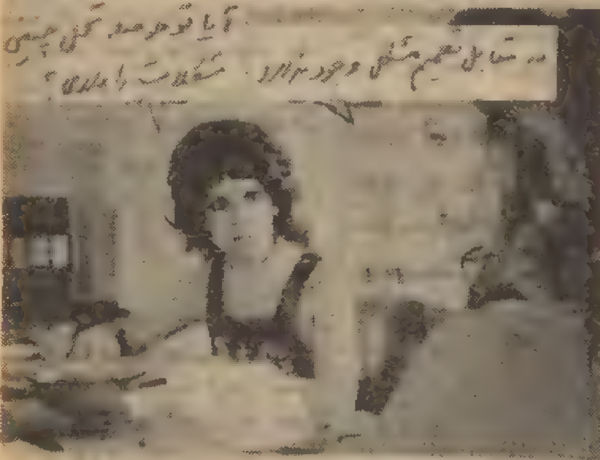
ازچندی به اینسو ،ما در«پا ل»مریضی است وداکتر وضع صحی اورا خیلی‌خطرناک‌خوانده ا ست‌البته‌علت عمده مریضی او بخا طر یست که همسرش وی راترك گفته وبازن‌دیگری زندگی میکند.«پا ل»در صدد آنست که‌برود ، پدرش را مجبـورسازد تادوباره بخانه بر گردد .

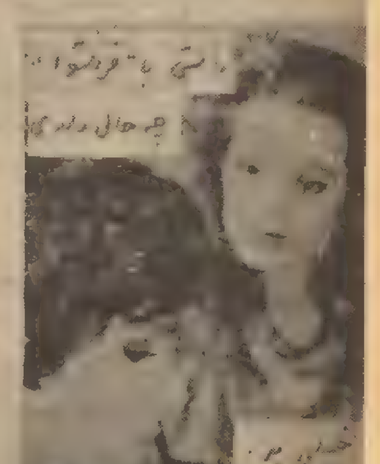
واینك بقیه داستان :



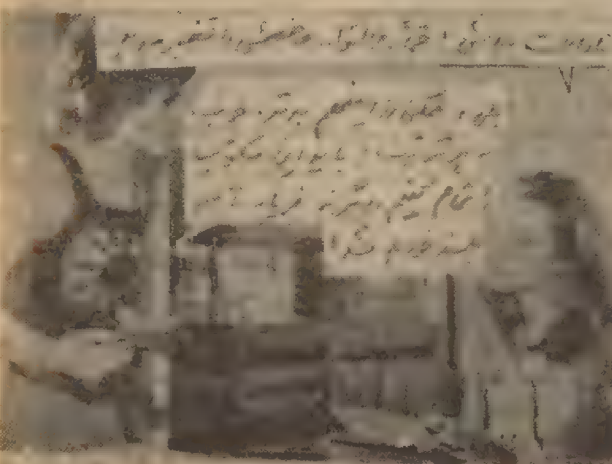










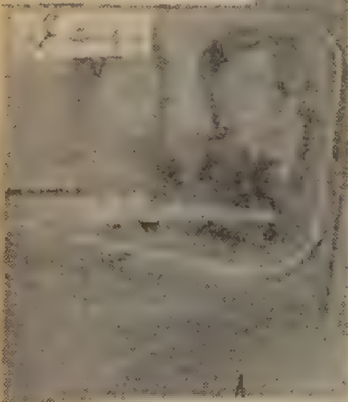


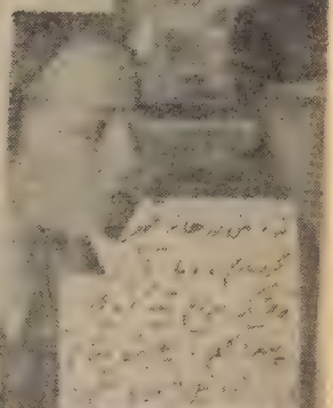






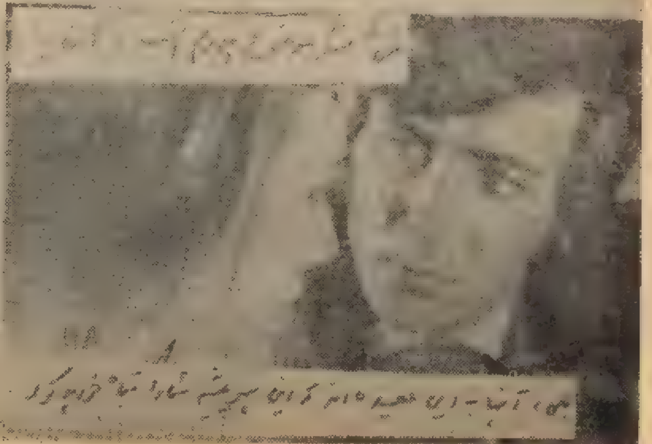














گذرگاه تبسم

از ژرف بین

تیلفون عوضی

گو شی رابر داشتم .

ـ بلی ،بفرمائید .

آواز خانمی را میشنوم که بــه بسیار جدیت می پرسد .

ـ کجاست ؟ شما کیستید ؟

ـ ببخشید کجا را کار دارید ؟

ـ نخیر ، نخیر ، شما بگو ئید کیستید ؟ اینجا کجاست ؟

ـ من ، شمابه کی زنگ زده‌اید؟

ـ شما کیستید ؟

ـ نمیگویم من کیستم تا شما خود تانرا معرفی نکنید هیچ چیزی نمی گویم .

ـ بگوئید خواهش میکنم .

ـ سوگند یاد کردم که نمی گویم.

ـ ترا بخدا قسم که بگو کیستید.

ـ عجب ، چرا اینقدر اصــــر ار دارید ؟

ـ بگوئید خواهش میکنم اینـــجا کجاست ؟

ـ اینجا منزل (ف) . بفرمائید!

ـ شما کیستید ؟

ـ من خودم (ف) هستم .

ـ مرا نشناختید .

ـ نخیر ، سلام ،

ـ سلام ببخشید که خــــود را معرفی نکردم .

ـ خیر فرق نمی کند هنوز سـر وقت است.

ـ چطور تاحال مرا نشنا خته‌ای.

ـوالله تا بحال نه .

ـ کمی فکر کنید .

ـحاجتی ندارد فکر کنم اولیـن بار است که صدای تانرا ازتیلفون می شنوم .

ـ راستی ؟

ـ خیر دو دقیقه وقت دارید .فکر کنید .خنده ام می گیرد و مـــی گویم .

ـ راسی شماانسان عجیبی استید. درین وقت شب که مـن مصرو ف نوشتن نامه ای‌هستم دودقیقه‌بایـد فکر کنیم .

این بدان‌میماند که الفردهیچکاك از امریکا به ژسیمون تیلفو ن مـی کشد وبه خانمش میگوید که آرزو دارد باسیمون ملاقات کند .

خانمش هم در جواب میگوید که او در اتاقش مصروف نوشتن‌کتابیست و خواهش کرده که‌مزا حمتش نشوم هیچکاك نیزحاضر جوابی رافراموش نکرده و میگوید (راستی خانم شما حق بجانب استید . من گوشی را نگهمیدارم همینکه کتاب را به آخر رسانید بگوئید پای تلفون بیاید .

البته برای شما دو دقیقه اهمیتی ندارد شاید برای من در همین لحظه با ارزش باشد .

صدا در آنطرف سیم تیلفون به قهقهه می خندد .و من از ترس‌اینکه خانمم ازا خواب‌بیدارنه‌شوداز‌همراهی خنده باوی منصرف می شوم .

ـراست بگو مرا نشناختی .

ـقسم به تمام مقدسات جهان که نشناختمت .

ـ چرا ؟

ـ نمیدانـــم .

ـ بسیار خوب اختیار داری مـــرا بشناسی و یا نشناسی ، ولی مـن میخواستم یك حقیقت را برایـــت تعریف کنم .

ـ حقیقت ، چه حقیقتی ؟

ـ تا مرا نشناسی برایت نخواهم گفت :دیدم که نمیشود به‌این‌سادگی ها رهائی یافت گفتم :

ـ اجازه بدهید بیست سوال‌میکنم ، شاید طی آن به شناخت شما موفق شوم .

باز هم خنده‌اش می گیرد و مـی گوید .

ـ ازین معلوم میشود که پروگرام نیم ساعته ذهنی رادیو آغاز شد .

ـ بلی ، البته ، امیــد وارم از خستگی گوشی را نگذارید .

ـ نخیر ،نخیر شروع کنید؟

ـ زن استی یا مرد ؟

خنده قهقهه ودر ختم آن .

ـ هیچکدام .

ـ چی ـ چطور

ـ من هنوز دخترم .

بکلی گیج شدم .

ـنزده سوال دیگری را که قبلا در مخیله ام آماده داشتم فرا موش کردم خاموش ماندم .

صدای شپیلاق از گوشی شنیدم.

ـاین دیگر صدای چیست ؟

ـ چانس سوال دوم تانرا از دست دادید ؟

ـ دختر جان من اصلا ســوال دیگری ندارم . همینکه دانستم شما دختری استید .تسلیم می شو م.

ـ تسلیم ؟

ـ اما فراموش نکنید که شما را شناختم .

ـ من کیستم .

ـ شما یك دختر . خوش صحبت و خوش مشر بی می باشید .

ـ تشکر .

ـ لطف تان است .

ـ حالا که مرا شناختید . گو شس بدهید که حقیقت را بگویم .

ـ بلی بلی بفرمائید .

ـ قسم به خدا که نمره تانرا به‌ـ کلی تصدفی دایل کرده ام و حـالا نمی دانم کدام نمره بوده . اما روی شما میتوان حساب کرد . نمیشود نمره تانرا برایم بگوئید تا اگر شود بعضاً صرف ازطریق تیلفون صحبت کنیم .

ـ از کجا بدانم که این حفیقـت است .

ـ بمن اطمینان کنید قسم مـــی خورم .

ـ نمیشود که شما نمره خود تان را بمن بگوئید تا اگر بتوانم ...

خانمم تمام جریان صحبـــت را شنیده بود و بعدا مثل اینکه هیـچ چیزی نشنیده با چشمان خــوا ب آلود لحاف را یك طرف زد وپرسید:

ـ کیست ؟

ـهیچ مزاحمت می کنند.و گوشی را در جایش گذاشتم .



نترسین . داکتر صاحب،مریضی‌من هم اینقدر ساری نیست که‌شما فکر کردید

سری لاک اکنون غذای
فوری برای اطفال

سری لاک جدید باترکیب شیر قیماقدار
و شکر به پختن ضرورت ندارد. آنرا صرف
همرای آب مخلوط نمائید.

بلی! سری لاک جدید باترکیب شیر
وشکر عجب غذای فوری برای اطفال است

درهرکجا و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نمائید غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین هائیکه دران ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی-مولد انرجی وقوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانهای
طفل غذای مطلوب است.
بر علاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac® NESTLÉ

نستلی معروف ترین ومعتبرترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

(د۲۱ مخ پاتې)

لالهانده‌مینه

سترګی پرانیستی وی‌او اوس هغه په ډیرو شیانو پوهیده .»

دتانیا دپاره ترټولو مشکل کار «ماکس» ته‌ورتګ او هغه ته دحقیقت ویل وو .تانیا فکرکاوه چه له‌دی کار څخه سرنشی غړولای.

کله‌چه تانیا په روغتون کی دماکس‌کوټی ته‌ورغله هغه پر یوه پاکټ باندی دیولړ محاسبو په لیکلو بوخت وو او مخی‌ته‌یی‌ډیر کاغذونه پراته وو . تانیا هغه تـه‌ور نژدی شوه او ښکل‌یی په تندی باندی په ډیره آرامی ښکل‌کړ . بیایی یوښتنه ځنی وکړه: «ننَدی صحت ښه‌دی.» «ماکس» په تندی سره هغی ته وکتل او ویی ویل : «ښه‌یم، ملګری دی تللی‌دی ؟»

ــ هغه زما ملګری نه‌دی . هغـه پـه اسپانیاکی استوګنه‌زما دپاره‌ډیره په‌زړه‌پوری کړه . ماته له«لاری» څخه یو خبر رسیدلی دی . هغه ځانته یوکار پیدا کړی او غواړی چه‌واده وکړی .

ــ ښه نو هغه بالاخره بریالی شو .هیله کوم چه‌هغه خپل کار او خپله ماندینه‌دواړه وساتی

«ښه تانیا ته ښه یی ؟»

تانیا په پوره صداقت ځواب ورکـړ : «چندانی ښه نه‌یم زه خوشحاله یم چه«لاری» یوډول استقرار پیداکړی دی ، همدا اوبس.» هغه ودریده او ماکس ته‌یی چـه ناست وو، کتل اوویی ویل :

ــ زه‌له تاڅخه تشکر کوم چه دلاری د تګ په‌وخت‌کی دی ماته بیرته په خپل ځان باندی دباور احساس راوباخښه .»

ماکس هغه ډیره ښه پـیژندله . دهغـی ددی خبری په ځواب‌کی یـی وویل :«داسی ښکاری چه‌زما سره ستا په رفتارکی یوڅـه تغیر پیښ شوی‌دی .»

ــ دهو ماکسه ! زه‌نه غواړم چه‌له تاسره واده وکړم . زما او ستا کوزده به‌دلته والی له‌نظره ریکارد قایم کړی . ته‌پرماګرانی‌یی‌خو درباندی مینه نه‌یم زماپه خیره پوه شوی؟ کله‌چه لاری ولاړ ماستا قدرت او مهربانی‌ته اړه در لوده خو داراز علاقه دټول عمر دپاره کافی نه‌ده . هغه څه‌چه ما د«لاری» په‌وجود کی‌غوښتل تفریح مینه اوځوانی وه‌هغه‌څه چه له‌تا څخه می غوښتل. امنیت وو. ماستاسی څخه لـه‌هیڅ یـوه سره رښتیانی مینه نـه درلوده .»

ماکس په قهر سره چیغه وایستله:«تـه چتی خبری کوی تانیا ! ځان مه مسخره کوه، داستیفن بیاڅوك دی ؟»

ــ نه،هغه نقط ماته زما مستقبل راوښود اوبس . دنورو شیانو په باب ما پخپله فکر کړی دی .»

ــ «ته ډیری ګډی وډی خبری کوی او نه پوهیږی چه‌څه غواړی ؟»

ــ زه پوهیږم چه څه غواړم زه نیمه ځوانه ، بی‌پروا او بیعقله یم ـ لکه «لاری» او نیمه عملی او حساسه یم ـلکه ته! زما زړه اوس تش دی او داسی یوه مینه به‌یـو ځای پیدا شی چه داتش زړه به ډك کړی، یوه رسیدلی مینه چه زه به دخپل ژونددپاتی برخی دپاره په هغی باندی اتکاوکړم .زه‌به ترهغو انتظار وکـړم چه داسی مینه پیـدا کـړم .»

ماکس ډیر په قهر وو او البته حق‌یـی هم‌در لود . تانیا له‌ځانه سره وویل چه هغه به‌دیو څه وخت دپاره قهرجن او خپه وی‌خو ښکه چه یوعملی سړی دی څه‌موده وروسته به‌دا ټول شیان هیرکړی . هغی هیله‌وکړه‌چه جولیا پدغه وخت‌کی له ماکس سره یوځـای شی .هغی له‌ځانه سره وویل چه کاشکی‌دی ته‌نه وای مجبوره شوی چه ماکس‌خپه‌کړی.

تانیا له ماکس څخه تر جلاکیدو دمخه دژړا په‌حال‌کی هغه ښکل کړ . هغه له ژیړو څخه‌کښته شوه اودلمر رڼا ته ور ووتله .

تانیا یوه ژوره ساه واخیستله‌او دروښانه شنه آسمان لورته‌یی وکتل .هغه خپل کورته دستنیدو په‌لارکی ډیره خوشحاله‌وه .که‌څه‌هم دراتلونکی په باب یی‌کومه روښانه مفکوره نه در لوده خو پروایی نه‌یری کوله . هـغه پوهیده چه دسبا په افق‌کی هغه مینه‌ځلیږی چه‌یووخت به دهغی پـه تش زړه‌کـی ځای ونیسی .

هغی ځان‌ته وخندل ، هغی خپل ځـلانده سبا او هغه چاته خندل چه دغه ځلانده سبا به‌یی وربه برخه‌کړی ښایی هـغه سړی د«لاری» ، «ماکس» او «ستیفن» ددرو واړو د شخصیتونو مجموعه وی .

بقیه صفحه ۲۷

علیشیر نوائی

کمال جدیت و سرعت‌با کمال‌جدیت و سرعت از پی شاعر به تپه هجوم بردند .

نوایی در حالیکه شمشیر را چون عصایی دردست داشت اولتر ازتپه مهیب فرود آمد ومستقیما بـطر ف کوشك شتافت . از عقب کوشك‌چند نوکر مسلح ، سراسیمه و مشو ش دوان دوان جلو آمدندوآنکه پیشاپیش قرار داشت خشمگین گفت :(کیستی دستها بالا) و چند نفر دیـگر از فاصله دورتر شمشیر کشیدنـد . نوایی بدون آنکه شمشیر خود رابالا کند . در حالیکه برای ضربـه زدن آماده بود ،خونسر دانه توقف کردو بالهجه‌ای آمرانه و قاطع گـفـت : (اسلحه را بر زمین گذارید و بلادـ رنگ تسلیم شوید !) دومین نو کر نزدیکتر آمده ، بدقـت چشم دوخت و پرسید : (تو کیستی ؟ و ما چـرا باید تسلیم شویم ؟) همینکه شاعـر بخشم گفت :(من علیشیر نوایـی هستم !) نفس سر بازان بند شـد نوایی مجدانه پشت بر آنها کرده، بسوی کوشك شتافت . در تاریکی شب از میان دهلیز گذشته تازه به دروازه خانه بزرگ رسیده بود که باباعلی نیز بشتاب وهیجان خود را رسانید .

دروازه رابازکرده‌یکی‌ازعقب دیگر بداخل خانه قدم گذاشتند .

دریچه‌ها باز بودند .

درمیان خانه بزرگ روی قالین‌های نرم، بردوشك های مخمل وکیمخاب ،چهارنفر در چهار وضعیت مختلف ،هریك روبه سمتی‌درخوابی سنگین فرو رفته بودند.

دربین اینها ،زیر یکی‌از دریچه ها، زن جوانی با موهای پریشان سربر. بالین سفیدی نهاده آرام میخوابید. نوایی خفتگان را ازنظر گذرانـده، آهسته گفت :«این‌را گرفتار کن». زیرپای باباعلی ،ساغر ها وصراحی ها کشکستند .

درحالیکه اوشهزاده را ازجایش بلند میکرد ، ناگهان دو سپاهی‌که سرها رابهم تماس داده ،پاهارا بدوسمت مخالف دراز کرده بودند، سراسیمه بیدار شده ازجا برخاستند.

صداهای پراز اضطراب وهیجان‌امیز داخل‌خانه رافرا گرفت .

زن جوان نیز جهیده از جابر خاست و (وای !) گویان از دریچه خـود را بیرون افکند .

میرزا یادگار مات‌و مبهوت درینچه های آهنینی بابا علی اسیر بود وبی اختیار چیز های نا مفهومی بزبا ن میراند .داخل‌اطاق‌و دهلیز ازجوانان پرشد نوایی برروی میرزایاد گـار زهر خندی کرد و دستور داد تـا از آنجا بیرونش ببرند و خود از عقب او چنین زمزمه کرد :

شامست و جهان خراب و دشمن پس وپیش !

بـابـا علـی و گـر و هـی از جوانان در تحت هدایت نوایی ، میر زا یاد گار را کشان ـ کشان ازتپه عبور داده ،زیر پای اسپ حسیـن با یقرا افکندند شهزاده که با لباس های خسروانه در بزم شبانه بیخود افتاده بود . بیهوش و عاجز انه هر طرف نگاه کرد ،و بعد از آن که به مصیبت و ارده پی برد ، بزحمت از جا بر خاست و لرزیده دستـها را روی سینه نهاده بسوی دشمن خود چشم دوخت . در چشمنا نشں ترس احمقانه و عا جزانـه خـوا نـد ه میشد حسین بایقرا هما نطور نشسته بر اسپ ، سخنان تلخ ونیشدار ی حواله اسیر کرد و به نوکران اشاره نمود تا او را ببرند .

هرات با صدای‌سرنا ونقاره‌هاکه از فراز قلعه هنا وارك طنین افکـن بود ، از خواب بیدار شد میرزا یادـ گار را سر بریدند .طرفدارانش بـه خاطر حفظ جان هر طرف پناهنـده شدند .

(بقیه درصفحه ۵۹)

ژوندون

بقیه صفحه ۳۹

مختصری پیرامون برخت

نظر ما جلوه نمیکند بلکه در بسیاری از صحنه ها او درنظر بیننده هـا حقیر و زبون جلوه میکند .

مـثلا وقتی که نامه های ریاکارانه را که حکایتگر دین داری او ست و در نقش امر او فقط پناه بیك تظاهر برده ، می بینید ، احساس میکند که گالیله محبوب نیست که همین نقطه خلای اکراه آمیز را در نمایشنا مه خلق میکند .

اگر از این موضوع هم چشـم پوشی شود بصورت عمومی در آثار برخت محرك های مشخص واستوار در برابر اعمال بازیگران وجود دارد که این محرکها عامل پیام‌های است که اساس منافـع طبقاتی را نفی می کند و این بالا ترین نقطه شاخـص نمایشنامه های برخت است کـه قسمت اعظم نقایص آنرامی پوشاند.

بقیه صفحه ۴۳

دورنمای تحقیقات کیهانی

قسمیك پلیت فورم بایدازستاره
،عالم کائنات وسیارات با درجه
ی بودن صدها حصه قوس‌ثانوی
قبت کند ساختن این‌قسم‌وسایل
جهه کننده‌واستقرار دهنده بدون
و تردید پرنسیب هوراهای حل
ی جدید را تقاضا میکند .
سکوب های مداری بزرگ سبب
شرفت‌و موفقیت استرو نومی‌هامی
رد . این علم در دهه‌اخیر نسبت به
شرفت وزارت ساده به موفقیت
ی زیاد تری نایل گردیده است
فضائی کیهانی‌میتوانیم خراص‌مواد
درحالیکه بشرایط لابراتواری آماده
باشد تحقیق کنیم .
ین را رد کرده نمی توانیم دربین
سام کیهانی چنان جسمی پیدا
ود که با قانونهای فزیکی که برای
در حال حاضرمعلوم است تشریح
ود .امکان آن موجود است که این
م اجسام کیهانی موجود باشد که
با نات درآنها مشابه به‌جریاناتی
شد که ما راجع بان معلو مات
شته و سبب تولید مقدار زیا د
ژی شود . بلی فقط همین استر-
یك بود که راجع بمو جو دیت
عکس العمل ترموذروی نتیجه گیری
رده است .
هر قدر که کشتی های کیهانی
بوت دار دور تر پرواز کنندبه‌همان
ازه آنها نه فقط مسایل تحقیقات
فراخ میسازند بلکه سا حه خو د
گانی را نیز وسیع می سازند .
یعی است که فرا گرفتن فضا ئی
یهانی از طرف انسان با حل یك
پرابلم مغلق بیولوژ یکی وسایل
و تخنیکی مربوط می‌باشد دربین
پرابلم یکی از مهم ترین آنها
ت از مسایل فزیولوژی بود ن
م دار انسانها در فضا و طرح
سم تامین کننده حیاتی در یك
بسته میباشد .
رواز های آینده کیهانی مربو ط
پیشرفت‌تخنیك راکت‌و بالخصوص
وط به استفاده از انجن ها ی
ی ،ایونی وپلازمائی خواهد بود.
اختن کشتی های کیهانی که
افرت چندین ساله رادر سیارات
ن بدارند در پیشرو داریم .

از نتایج تحقیقات و زحمات فضا نوردان امروز در پیشرفت زراعت استفاده بعمل می آید .آنها تا مین کردن مخابرات بعید پیش گو ئی هوا، طیاره رانی وکشتی رانی‌را آسان تر می سازند این را هم باید خاطر نشان بسازیم که درحل‌مسایل بوسیله تخنیك کیهانی قدم ها ی ابتدائی برداشته شده است . فعلا با قدرت اعظمی دلچسپی به‌استفاده از اقمار مصنوعی برای مطالعه‌عمومی ذخایر طبیعی سیاره زمین ،اثـر ات طبیعی زمین نشان داده میشود .روی سخن ما متوجه تحقیقات کامپلکسی است که اساس آن ساختن مود لی را تشکیل میدهد که دارای تخنیك عصری بوده و با همکاری انسان طبیعت سرمایه طبیعی سیاره زمین را کنترول نموده ، محافظه نمو ده و بصورت مناسب از آن استفـاده نمایند .

البته این مودل با پیشرفت دانش بشری عصری ترو مکمل تر خواهد گردید .برای تحقیقات ذخایر طبیعی فعلا از عکس برداری سیاه وسفید ویا عکس های ر نگه سطح سیاره زمین استفاده می نماید لیکن اگر در یك زمان‌ما عکس هارا در قسمت قابل دید سپکترو اشعه تحت قرمز بدست می آوریم ، در اینصورت می‌توانیم به شکل مکمل تر خواص محل مشاهده را مطا لعه کنیم .

در زمان موجوده بصورت تیوری و تحقیقاتی امکانات تهیه طـر ق و وسایط برای تعیین خواص تشکیلات طبیعی از مسا فت دور تد قیق می گردد .طریقه های موثر استفاده از معلومات بدست آمده از اقمـا ر مصنوعی در ساحات مختلف علو م و اقتصاد آماده می گردد .

برای این مقصد عکس بر داری همزمانی‌زمینی، طیاره‌وی، اندازه‌گیری واقمار مصنوعی صورت‌میگیرد نتایج این فعالیت ها با مرو رزمان بحیث عناصر طرح های کا مپلکسی‌تحقیقات ذخایر طبیعی سیاره‌زمین باقی‌خواهد ماند .

پایان

بقیه صفحه ۴۱

دنني پروانه

یابد .و در وقتیکه اعصا بش خراب میشد سرش رابه‌دیوار می کو بید، انگشتش را می مکید . بار دیگر در برابر کدام چیزی عکس العمل نشان نداد . ولی امید را از دست ندادم.

وقتیکه ۱۸ ماهه شد باردیگر به نزد داکتران بردمش سعی‌میکردم که گپ بزند و راه برود .

در شفاخانه به داکتری که معاینه اش می کرد گفت :

(هلودا کتر) برای داکتر گفتم- چه‌فکر می کنید ؟

شما گفتید که‌او هر گز حرف‌نمی زند ، وحرف می زند گفتید که‌هرگز راه نخواهد رفت . ولی راه رفت) (ممکن مادر تشخیص خود اشتبا ه کرده باشیم) ، پس چنین بنظـر میرسدکه‌مغزش ممکن‌بمرض کشش اعصاب دچار نشده باشد .

ولی بانهم پسر بسیار- ضعیف بود . به‌تداوی روانی ضـر ورت داشت وما‌این کار رابر ایش تنظیم کردیم .

هفته سه روز او را به مرکـز تداوی اعصاب می بردیم .اکنون دو نیم ساله شده بود . وسال ها ی که‌بدنبال آن آمدبدتر بود . چطور میتوان آنهارا باز گو کرد کژخلقی ها و فریاد های وحشتنا کش را؟ و روشنی که او با دیگران می نمود و در برخی موارد خود را زخمی مـی کرد .

یك بار کاردی رابدست آورد و دستش را بان برید . جای زخـم- به شدت پندید و او را نـا آرا م ساخت .و ناچار به شفاخانه برد- یمیش .

بر گشت دیگری بمیان آمـده ، دوران دیگری که گامی بـه قـهقرا بود تا به جلو وقتیکه سه ساله شد مجبور بدرب اتاقش زنجیر انداختم زیرا همیشه سعی می کرد فرار کند یکبار او را در حالیکه لباس خواب پوشیده بود ،در ایستگاه ریـل یافتند .وحتی اگر میتوانسـت از ارسی نیز فرار میکرد و از همیـن- سبب او را بندی نمودیم .در اتاقش هر چه که بود روی هم می انداخت وحتی سعی می کرد راهش را بر- دیوار باز کند باری مجبور شد یم را به صـورت مجدد تعمیر کنیم .

مردم از ما می‌خواستند تا دنني را نیاوریم.

بار دیگر اتاقش را اصلاح کردیم ولی باز سعی کرد همه چیز را بهم بزند روزی مهمانی داشتیم و صدای را از اتاق دنني شنیدیم . به اتاقش رفتم ، دیدم که در ودیوار را بـا مدفو عشق آلوده کرده بود .

چرا او را بندی می کردم .

زیرا غیر ممکن‌بودتا موجودوحشی را رها بسازیم بچـه هایم او را پذیرفته بودند ، ولی دیگران هنوز او را قبول نمی کردند .اگر از آنها می پرسیدم می گفتند .

(دنني را نیاور)

اشك بدید گانم راه می یافـت بار دیگر خود را به یخچال رسانید وتمام کیکها وجلی هـای کـه بـه خاطر سالگرد تولدبچه‌ی دیگرم‌پخته بودم ، همه را بهم زد.

او در حقیقت یك ماشین کوچك خرابکاری بود .

همیشه با داکتر به تماس بودم واو تشریح می کرد که دنني نقصان مغزی دارد. وبه‌همین سبب ازهرچیز میتـر سید . تـر س در مغـز ش مانند مهمان ناخوانده ای راه مـی یافت و همه چیز را بهم می زد .

دنني به خاطری به‌همه چیز حمله می کرد و هجوم می آورد که بـر مغزش ترس حکومت می کرد به مردم هجوم می آورد ، خود را زخمی می کرد و سعی می‌نمود که جهان اطرا- فش را به ویرانی‌ابکشد .

هرگاه به سرویس سوار مـی شدیم موی های نگران را کش میکرد و به طرفش حمله می آورد .

وقتیکه چهار ساله شد ، ما فکر می کردیم که او بکلی عقلش را از دست داده اسـت بر کشـت دیگـر بـر او حـملـه کـرد و برای دو هفته کسی نزدیکش رفته نمی توانست . بار دیگر بحیوا ن کوچکی بدل شد .

ولی ناگهان ، بماه اگست بعد از دوهفته کژ خلقی ،فـر یاد هـا و حملات شدید .مثلیکه از نو تولـد یافته باشد . نـا گـهـان یك موجود کوچك از درون پوسته آ ن حیوان وحشی بیرون آمد .

بقیه در صفحه ۵۸

بقیه صفحه ۳۳

یك پلان

سخت از آن بمشام برسد . ایـــن دیگر بواقعیت نزدیکتر است و قابل قبول ... همینطور نیست ، آقـای فورستر ؟ کسانیکه ما یلدریـد را خوب میشناسند و بخوبی و طبیعت وی آشنای کامل دارند ، جداً و قتی همیشگی وی را یك امر طبیعی و ساده میشمارند... بارها وقتی برای صرف چای کنار یك میز می نیشستیم طبع ناساز گار وی اساس یك نزاع وستیزه را میریخت و بسر هیچ و پوچی دعوا راراه می انداخت .

اخلاق وی با شما نباید زیـــاد تغییر کرده باشد ، زیـرا ستیـزه جوئی جزء کر کتر او بود. خد مه منزل یقینا این شیوه اخلاقی او را به پولیس خواهد گفت :

فورستر فریاد کرد :

ـبنام خدا ...

برت نگذاشت فورستر جمله اشرا تمام کند بدوام جملهٔ قبلی ، گفت .

مطلب من از تـذ کر و ضـــع اخلاقی مایلدرید اینست که صحنه سازی من با خصو صیت نزاع طلبی مایلدرید ،خیلی طبیعی جلوه خواهد کرد. یعنی شما (زن و شوهر) گویا موقع صرف چای با هم نزاع کرده اید و مایلدرید از منتهای غیظ دست به تفنگچه برده و بالای شما فیر کرده است . در آنصورت هیچکس وجـود مرا دریںجا تصور نخواهدکرد واز همین جهت هم پیشنهاد شمارادرمورد چای وسگرت رد کردم تا اثـــر ی از من درین صحنه قتل باقی نماند. بااین تفصیل چه کسی سرش رابدرد خواهد آورد که در باره ازدواج قبلی مایلد رید تفکر کند و چه کسی با چه مدرکی خواهد توانست پای مرا درین جنایت شامل بداند؟

فورستر در حالیکه سایهٔ مرگـــ را در چند قدمی خود میدید ، بـــا تمسخر گفت :

ـولی تفنگچه چطور ؟ این اسلحه کشنده از کجا آمده است ؟ من که نداشته ام ؟

برت دیوانه وار خندیدو گفت:

ـآفرین .این یگانه سوا لیست که از مطالعهٔ اینگونه رومانهای جنایی بلکه شما باقی مانده .. و لی مطمئن باشید که این تفنگچه متعلــق بـه مایلدرید است .

برت میدا نست که کلمات وی چه تاثیر سوزنده‌ای بالای فورستر وارد می آورد . بنابر آن مطالب خود رابا تون خاص وخیلی شمرده ادا مـــی کرد :

ـ وقتی مایلدرید در جنگ جهانی دوم جزء زنان دواطلب در جـدا ل دسته های رهایی بخش دنمارك بود این تفنگچه را بدست آورده بود و موقعیتکه مرا ترك میگفت . فراموش کرد آنرا از من بستاند و بعد تر هم کسی در ینباره سوالی نکرد ،نمبر تفنگچه طبعا با اسم مایلدریـــد را ـ جستر شده است.

برت لحظه ای خاموش گردید ودر آن حال بقیافهٔ قربانی خویش نظــر دوخته بود . سپس آهستـــه دوا م داد :

ـ بعد از آنکه بالای شما فیـــر کردم ، میروم بالا و بعد ازقتـــــل مایلدرید ،تفنگچه را که هنوز آثار انگشت وی روی آن هست ،بدستش میگذارم تا همه قیاس کنند که بعد از کشتن شما ، اراده خــود را از دست داده و انتحار کرده است .. باینصورت پـــلان قبلی را تعدیـــل کرده ام وخیلی هم مسرورم..

فورستر آه سرد و عمیقی بر کشیده واز منتهای عجز و ناتوانی خاموش ماند . برت ابتکار عمل را بکـــف داشت و به یقین میتوانست بدو ن هیچ تردیدی ، پـــلان شیطانی خود را عملی سازد .تصور این نکته که برت عقل خود را از دست داده وبا یك جنون آنی میخواهد اســــم دو موجود بیگناه را از صفحه هستـــی محو سازد ، برای فورستر چه کمکی خواهد کرد ؟

برت تفنگچه را بلند کرده گفت :

ـحالا فقط یك معجزه میتواند تو و مایلدرید را از مرگ حتمی نجات دهد . ولی شاید فکرش را نکـــرده باشی که معجزه ها همه وقت ممکن است پدید آید، جز هنگامیکه انسان به‌آن نیاز دارد. چنانچه مراهم وقتیکه مایلدرید ترکم میکرد و قلبم را می شکست ، هیچ معجزه‌ای نجات نداد در حالیکه برای یکچنین اعجازی دعا میکردم .

درست در همین لحظه، صدای زنگ در فضای عمارت پیچید فور ستـر با یك جهش جسورانه ، برت را بزمین افگند و درین ثانیه حساس متوجه‌شد که‌چه‌واقع‌شده‌وچه اعجازی توانسته است جان او و مایلدریدرا از مرگ حتمی نجات دهد :

در اثنا ییکه برت میخواهد فیـر کند ،جهت موضع گیری مناسب ، یکقدم به پیش میگذارد و تصادفــا پایش روی دکمه زنگ که‌بزیر فرش اتاق ،قریب میزچای تعبیه شده‌بود، فشار می آورد ...

مایلدرید بمنظور سهولت کار ، نصب دکمه زنگ را قریب میز چای بزیرفرش فرمایش‌داده‌بودتاگاهگاهی خدمه منزل را برای انجام کـــاری احضار کند .

چستر تون چه خوب گفته بـــود . «یکی از عجایب اعجاز آنست کــه یقینا همیشه بوقت مناسب پدید می آید!»

بقیه صفحه ۵۷

دنی پروانه گکم

اشك هایش برایم ما نند دانه های جواهر معلوم میشد

ممکن کلمد ناگهانی، درست نباشد بلی غیر مترقبه نبود ، ولی در ظرف چند روز احساس گرمی بوجودم راه یافت ، مانند احساس که از بـــر آمدن آفتاب از پس ابر ها دریـك روز سرد زمستانی برای انســا ن دست می دهد . براستی شرو ع به حرف زدن کرد .

تبسم می کرد و می گـریست . بلی ، او می گریست و اشك های واقعی در دیدگانش دیده می‌شد در گذشته این ها فقط در وجود فریاد ها و چیغ های حیوانی خـلاصه می شد ولی حالا که عصبی میشد اشك های که چون دانه های مروارید می در خشید و سبمولی از عواطـــف انسانی بودند .

علتی این راکه چرا دنی از صدف حیوانی اش‌برآمد نمی دانستم ممکن مانند پروانه ای که از پوشش مـی بر آید .حالا دانستم که تلاش هایم بیهوده نبود .

بلا خره فهمیدم که دنی هو شیار است .بزودی جملات‌درازیاد گرفت. زمان مکتبش فرا رسیـــد و در امتحان هوش زن‌امتحان‌کننده ازاش پرسید .

(کلاه چیست؟)

بزودی جواب نداد . بعد گفت : (اگر شما می داشتید ، من نشانتان می دادم) .

(با کلاه آدم چه میکند؟)

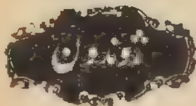
(بسر می گذارد).

در امتحان هوش موفـق بر آمـد

به این ترتیب دنی‌در پنجسالگی تولد یافت . هنوز هم تند مـــزا ج است ولی ما به خویش بلدشده ایم. اکنون‌او می‌داند که(نی) (نی)است. در مکتب نیزمی دانند که‌تندمزاجی اورا باید بارفتار ملایم ومهربانـی جواب بدهند .

به سختی باورم میشود که ایـــن بچـــه‌ای ازا درون صـــــــد ف حیوانی بر آمده باشد . او مثـــل بلبل می خوانند .و زمانیکه به سفر های دور بوسیله موتردست‌می زنیم برای ما داستان ها ی طـو لا نـی میگو ید.

من و پسرم تادم مرگ جنگیدیم ولی در طول همین نبرد بود که من به او ،این پروانه گگ کوچکم عشق ورزیدم و مهرش سخت بدلـــم راه یافت .



مسؤل مدیر :
علی محمد «بریالی»
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفترتیلفون:۲۶۸۴۹
دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱
ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱۰
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی تیلفون ۵۹
پته: انصاری وات
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ۲۴ډالر

بقیه صفحه ۵۶

علیشیر نوایی

فصل هشتم

توغان بیك ازیك هفته باین سودر اطاق آراسته خویش ،افسرده و دلگیر بسر میبرد دلش یاری نمیداد که برای گشت وگذار در کوچه ها براید . همچنان غرورش اجازه نمیداد تا نزد خواجه خود که با سلطان از سفر بر گشته بود برود و بخطا های خویش اعتراف کند .

ایکاش باری بخاطرش میگذشت که ناگهان روزی ابر های تیره ،بر ایام درخشان میرزا یاد کار سایه می افگنند او پاینده سلطان بیگم را به عنوان (زن کاکه احمقی که فقط به فن آرایش با سرمه ووسمه آشنائی دارد !) دشنام میدهد . بیك های ترکمن را که جریان حوادث را با چشم و گوش باز تعقیب نکرده اند، نفرین میگوید. از اینکه بزودی موفق نشد نقشه خود را دایر بر اینکه شبی تمام سر کردگان تر کمن را سر ببرد و آنگاه با تهدید میرزا یاد گار خویشتن را بحیث وزیر اعظم جا بزند ، خون دل میخورد و نیز ازینکه در نخستین روز طوفان ،در گرما گرم جریان حوادث حاضر نشد بکجا با توقلی میرگن از هرات بگریزد ، اظهار ندامت میکند ... او نقشه های زیادی در باره سفر به کشور های دور دست سنجید ،امابه نسبت اینکه نمیتوانست از زندگی در هرات دل بکند ، کوشید تا در تمام نقشه ها نوعی نقص ویا مانعی در یابد ...

توغان بیك مثل اینکه خفه شده باشد نفسی سنگین گرفت و هر دو پله دریچه را بشدت باز کرد رشته های ابر یشمیی انوار آفتاب آرام به درون خانه فرور یختند .توغان بیك از دریچه تفی به بیرون افکنده از جاجنبید تا خبری از دلدار بگیرد درست در همین موقع دروازه اندکی باز شده ریش سفید ملایم با چهره مایوس نور بابا پدیدار شد . توغان بیك باشاره سر پرسید : « چه خبر است ؟»پیر مرد بصدایی آرام اطلاع داد که خواجه او را نزد خود خواسته است و خودش نا پدید شد توغان بیك مدتی درخود فرو رفت با خود اندیشید ،و سپس طور غیر ارادی براه افتاد .

مجد الدین او را در مهما نخانه پذیرفت . توغان بیك بعد از آنکه دست خواجه را محترمانه فشرد ، رو بروی او نشست . مجدالدین تمام حرکات نا معقول او رابرویش کشید .توغان بیك در حالیکه چشمان خود را دقیقا بیك نقطه معین دوخته بود ،خاموشانه سخنان او را شنید همینکه گفتار خواجه بپایان رسید ، توغان بیك تمام بدن خود را حرکت داده گفت :

ـ چندان کاری هم از ماسر نزده که قابل یاد آوری باشد . مردم این شهر درکار مبالغه خیلی ماهر اند.

ـ خوب از چنگ علیشیر چگو نه نجات یا فتی ؟ از تو شکایت کرده بودند .برخی از ذوات درین باره بمن معلومات دادند .

ـمن در انجام خدمات جناب‌شما از صمیم قلب جسورانه بفعا لیت آغازکردم . من اینطور عادت‌کرده‌ام که‌ازکار ناتمام خوشم نمی‌آید . در برابر آنانیکه مبلغ مقرر را بدون گفتگو برداختند ،خدا شاهد است که حتی زبانم راهم حرکت نداده ام اما کسانی راکه تعلل بخرچ‌میدادند اگر سخن کارگر نیفتاد ، با تازیانه وادار ساختم . شما خود میدا نید در کار هایی که توسط مردم صورت میگیرد ، جز این نمیتوان از طریق دیگر موفق شد .اما جناب شان باید اطمینان داشته باشند که موقع نداده ام‌حتی کوچکترین‌درو غی‌هم‌بر دامن شان بنشیند . من به صفت نماینده ابو ضیا کار کردم !... این شخص که نوایی اش میگو ئید ،هر آنچه را که از زبان مردم میشنود بی چون‌و چرا می‌پذیرد .درینجا هنگامه بزرگی برپا کرده بود ..عجب است شاعر هم میتوا نسته تا این حد جسور وپر قدرت باشد ! من از شهامت این انسان به شگفت اندر شدم !... اما در ینگونه موارد من نیز کمتر از هیچکس نیستم ، پوستین کهنه خود را دور خود پیچیده، شب وروز در میخانه ها خفتم . آنوقت می آمدند و توغان بیك را می یافتند ؟!

ارزشی که برای شاعر داده شد، بر مجدالدین مغرور گران آمد .او روی خود را کمی دور داده ، بصدای حاکی از عدم رضامندی گفت :

ـ آرزوی نوایی اینست تا اعتبار و آبروی خود را در میان مردم بیفزاید .این سیاستی است که هدف آنرا ما میتوانیم درك کنیم .

ـ میخواهید بگوئید که در زیر نقاب مردم دوستی چیزدیگری نهفته است ... در هر حال بی چیز نیست (توغان بیك‌نگاهی زیرکانه‌به خواجه خود انداخت)

مجد الدین متفکرانه وباصدایی‌آهسته گفت :

ـتوغان بیك ،اگر میل داری به بزرگی برسی ، باید هر گام خود را بدقت واحتیاط بر داری ... از دست ما درد آور است .هر گاه دامن ما را از کف رها نسازی ،حتی خواهیم توانست از (پل صراط) نیز ترا به سهولت عبور دهیم . اما تا زمانیکه حوادث رنگ نباخته ،لااقل یکی دو ماه باید در ولایات بگذرانی . فقط کافی است در خلال صحبت ها زبان خویشتن را نگهداری .

توغان بیك که اندکی اطمینان در دلش راه یافته بود ، از وی سپا سگذاری کرد مگر این التفات قناعت او را فراهم نمیساخت،زیرا او فقط وعده نجات از چنگ نوایی داده بود وبس واز طرف دیگر این حادثه در جریان آخرین طوفان ها اهمیت خو را باخته بود . ممکن بود از ینگونه جرم ها با دادن جریمه

(ناتمام)

بقیه صفحه ٤٧

مراعات آداب معاشرت

خوشی ورضائیت طرف مقابل شده بلکه در حقیقت به ارتقای پر ستیژو حیثیت خویش در جامعه نیز عمل نموده است .

بر عکس وقتی موتر سواری در شب هارن عراده خود را با قوت هر چه تمامتر فشار میدهد و یا مثلا خانواده ای رادیوی خویش رابدون در نظر داشت‌اینکه برای همسایگان مزاحمت تولید میشود بلند وبلندتر مینمایند اگر از یکطرف تنفر وانزجار دیگران را کمائی مینما یندبرای شخصیت خویش نیز لطمه وارد می آرند .

فلهذا بر عموم هموطنان است تا ازنزاکتها وآداب اجتماع خود را آگاه ساخته و بدان پابندی از خود نشان دهند تارفاه و آسوده حالی هر چه بیشتر در جامعه ما تعمیم یابد .

بقیه صفحه ٤٦

یك تست روانی برای جوانان

خوددر صددرفع ورجوع آن برمی آئید واینکه بعهده دیگران وبپای دیگران میگذارید ؟

۱٦ـ آیادر انجام کارهای عادی روزانه، روشی داوطلبانه واشتیاق آمیز دارید ؟

۱۷ـ آیاوقتی درانجام یك کار اجتماعی، ابراز بیشتری نیروی کار وکاردانی ضرورت دارد ازآن دریغ نخواهید کرد ؟

۱۸ـ آیا وقتی کسی بیمار است، بزحمت افتاده است، بگونه ای بشما علاقه مند است ویاجشن ومراسمی دارد، در فرستادن گل، تلیفون کردن ویانامه کوتاهی نوشتن اقدام میکنید ؟

۱۹ـ آیا نسبت به همه روشی احترام آمیز وتوام بامحبت دارید : خانواده خود ، زیردستان تان، درمحیط کار، آنهاکه شمارا دوست دارند وآنهاکه دوست تان ندارند ؟

۲۰ـ آیابه رفتار مودبانه ومحبت آمیز دیگران توجه دارید وآنرا می ستائید؟

برای هر پاسخ (بلی) که بهریك از سوالات داده اید (۵) نمره در نظر بگیرید وبعد نمره هارا جمع‌کنید . چنانچه مجموع نمره هائی که بدست می آیداز (۷۰) به‌بالا باشد، شمارفتار وکرداری پسندیده دارید. اگرمجموع نمره هابین (٦۰) و(۷۰) باشد ، رفتار وکردار تان رضایت بخش است . نمره های بین (۵۰) و(٦۰) نیز، نا مطلوب نیست . ولی درصورتیکه مجموع نمره ها کمتراز (۵۰) باشد نامطلوب خواهد بود . درا ینصورت یك تجدید نظر درکردارورفتار تان ضرورت است. سوالات این تست‌روانی معیار ودستور عمل ثمر بخشی است برای شما دراین زمینه ... درواقع، روشی باید درپیش گیرید که درجهت توافق وسازگاری بااین سوالات باشد . ساده ترین راه برای رسیدن به‌این مقصود این است که دردیگران آنچه دوست داشتنی است بجوئید وببینید وچشمان خودرا برآنچه دوست داشتنی و مطلوب نمی بینید ، به بندید ..

بقیه صفحه ۲۵

جزیرهٔ خاطره

بکه‌ی پاك آورد واز تریشه های آن‌بندا‌ها خوبی سا ختم. تریشه ها نتوانست جلوخون ریزی رابگیرد ولذایك شریان بند ازآن‌تیار نمودم. وبخا طر اینکه قطع جریان خون‌صدمه زیاد وارد نکند تاآ مد ن‌دکتور آن را می‌بندم وباز میکردم. بعد در حالیکه دخترك‌راباآهنگ للو للو می خوا باندم، مادر ش حادثه‌رابازگو کرد.ددخترك برای تفریحی فقط تفریح بوتل روغن‌راگر فت وازخانه به بیرو ن‌دویدد‌نبالش نمودم، در حیاط منزل در حالیکه به‌پشت‌سر میدید و می خندید پایش به‌سنگی بندشده‌و سخت‌به‌ز مین خوردو شکستن بوتل یك‌توته شیشه آن بدستش فرو رفت وخو ن ریزی‌را باعث شد .»

درحالیکه سر م رابرسم تایید تکان‌میدادم گفتم:

(درست است) واز دختر ك نا مش را پرسیدم.

بانگاه معصو م واندوه زده لب هایش‌رابه هم‌فشرد فکر کردم نمی خواهد نا مش را بگوید.

ناگهان صدای خنده ی مردی که بدنبالم قرار داشت چنین گفت:

(نا مش روزیلا ست. نام زیبایی است، نیست؟)

در حالیکه سر م رابه آ هستگی دور می دادم برای او این بار نگا هم‌بصورت د کتور کننت والاس تو قف کرد.

بوت های تینس بپا داشت ، پتلون‌خاکی وپیراهن کر می رنگش به او چهره واقعی یك دکتور رامیداد. دفعتا فکری به‌ذهنم‌خطور کر دکه مبادا این لباس رابقصد پوشیده‌باشد تاتوجه اهالی جزیره رابخود جلب نماید.

هرگونه که لباس پو شیده بودبراستی مرد زیبا بود. بلند وباریك زیر موی های درهم وبر هم ولشمش چهره‌ی زیباوقوی‌اش قرار داشت و چشما یش در حالیکه بسویم میدید می رقصید .

پرسید:

(تو این را کردی ؟)

(بلی، من یك پرستار هستم)

(آفرین ،بگذ ار این بنداژ وشریان‌بندرا ازنزدیك ببینم).

درحالیکه زخم را معاینه میکرد لبانش تکان می خورد (ام..خو ب است به‌درستی بسته شده است ؟باآنهم باید چند بخیه‌بزنم) انگشتش راروی زخم اوزیلا گذ اشت وبعد آن‌رابوی نمود. بسوی دختر تبسم کرد.

(تو دختر ك اکنو ن بزرگ شدی‌تاوقتیکه من‌زخم رامی بندم باید شجاع باشی.)

دختر ك باوقارسر تکان داد.

دکتور والاس آب خواست تا دستهایش‌را بشوید، بعد بکسش راباز نمود وشروع‌بکار نمود. در تمام مدت عملیات خاموش نموده‌و بامزا حها یش فضای آرا مش‌بخش بوجود آورد. دختر ك رابیهو ش مو ضوعی‌نمودومی توانست همه چیز راکه دکتور انجام میداد ببیند. مادر نیز باشگفت زدگی به دست‌های دوکتور می نگریست‌وزما نیکه دکتور کاراباکلمات(اینطور خوب شد) تمام نمود هنوز دهان دختر ومادر ازتعجب باز مانده بودومثل اینکه افسانه‌ی دلچسپی به پایان رسیده‌و آیند وبه شدت زیر تاثیر آ ن ر فتـــه باشند.

بعد به مادر دوا داد وهدایت خوراندنش راگفت وبعد از من پرسید کـه از مهمان خانه‌ی بلوویز آمده ام .

(ناتمام)

بقیه صفحه ۳۷

سوفیالورن در آستانه...

آرایش راتغییر نداده ام . وقتیکه جوان‌بودم آرایش غلیظ می‌نمودم طوریکه بسیاری‌دختران جوان می‌کنند.

ولی حالا فهمیدم که‌آرایش غلیظ یك زن راپیر تر جلوه میدهد وتمام احساس‌چهره‌اش را ازبین می‌برد.

مادرم به‌جراحی پلاستیکی ضرورت نیافت ومن هم امید وارم چنین احتیاج‌نیابم. **فك‌ها** برآمده ام‌بمن کمك می‌کنند.

اطفال جور و صحتمند به جـــوانی ام می‌افزایند وهمچنان شوهرم دراین را کمکـم می‌کند . **واگر چنین شادی داشته باشم‌دیگر** ضرورت به‌گرفتن هورمون ویاجراحی‌پلاستیکی ندارم . **ولی اگر به چنین پینه ووصلـه‌ای** احتیاج یابم از آن شرم نمی کنم زیرا یـك زن هرگاه بتواند ازلحاظ روانی بـر تر س ناشی ازپیری غلبه‌یابد، **انتخاب‌راه ووسایل** مهم نیست .

اکنون بمراتب کودکتر از سن ده‌سالگـی هستم. کارلو بمن دوران کودکی از د ست رفته‌ام راباز گرداند. بمشابه هدیه‌ی‌عروسی‌ام بمن‌خانه داد که‌هرگز نداشتم آن ویلای‌پونتی است. اکنون آنقدر آرام وپر دبدبه‌زند گی می‌کنم که‌حتی بخواب نمی دیدم. بامعیارهای جهانی من مرده ام ولی‌زندگی آنقدر بمن‌در لحظات کنونی ارزشمند است که نظیرندارد. من‌کاملا شادهستم . **وممکن‌همین امرمراجوان** نگه داشته‌باشد.

باتمام این پیروزی هایم هنوز نامطمئـن هستم .

یگانه واقعیت برایم شوهر وفر زندانم‌اند. آنان کارهای هنری ام اند وبخاطر آنان‌تاآخر زندگی ام نبردخواهم کرد.

این‌خانه پناگاه ام‌است. وزمانیکه دربین انبوه مردم هستم احساس نگرانی می‌کنم . برخی موارد فکر می کنم که‌یا مردم‌رادرك نکرده ام‌ویا آنان مرا. در کنفرانس‌مطبوعاتی به‌شدت زیرتاثیر می روم وتمام جانم‌مملواز عرق‌می شود.

ولی همین ناآرامی هم برایم نیروی عظیم میدهند. این ها مرادر مرکز حوادث‌قرارمیدهد بلند تر می‌بردوگسترش میدهد . مـــن‌آنچه کارول یك ناآرامی مثبت می‌نامدهستم.

دربرابر کمره فلمبرداری خوب هستم . خودم اهستم وراهم باکودکـان.خانه‌ام‌قلعه‌ی بزرگم است. خاطرات اقامت ریچارد بر تـن راهنگام یکی ازجدایی هایش باما،بیاد دارم. وقتیکه الیزابت تایلور بااوپیوست‌باشگفتی برایش گفت :

((توباورمی کنی که‌سوفیا برای‌یك ماه‌از خانه بیرون نشده‌است)). برای آنان‌زندگی مایك بیهودگی است. ولی‌برای من‌یك‌زندگی آرام وسعادتبار.

درمورد ازدواج وطلاق نظرم اینست که: ازدواج کارزن است . مردان د ر این راه هیچوقت تلاش نمی کنند. زنها یکه عشق می‌ورزند وواقعا مراقبت مردان شان اندشگفت انگیز اند. آنان ریشه اینگونه روابط رامر روز آب‌میدهند.

از آنجاییکه باشدت مراقب ازدواج‌هستم برای تحکیم آن هرنوع تلاش خواه کو چك وبزرگ باشد می‌نمایم . بنظرم این یگا نه معنی حقیقی ندارد، راه ندهم ویالحظـــات غشی آوری که هیچ معنی ندارد .

دربرخی موارد به تنها یی در اتاق‌خوابم می‌گیریم و میگذ ارم که فقط خودم قر بانی این حسادت های زنانه باشم ودر بر خی موارد از خوشی نیز می گیریم که بنظـــر بهترین‌نو ع گریه ها ست ، ونمی گذارم‌تا دیگری در این سا حه راه یابد. مر دان من کا ملا یکزن خانه هستم. ز ما نیکه کاری ندارم، سببی مرا بساعت٦ ازخواب

بقیه درصفحه ٦١

بقیه صفحه ۱۱

بلخ‌شهری باتمدن

درین صفحات کشور در از منـــه های دور تاریخ علاوه از تمدن های آریایی ویونانی تمدن های دیگری از کوشانی ها. کوشاني های بعد ودوره اسلامی نیز بمیان آمده است . حفریات با ستا نشناسی در ساحـــه بلخ تا ١٦ متر عمق زمین ادامه یافته است ودرین عمق قشر هایی مربوط به دوره کوشانی ها ، کوشانی های بعدی و دوره اسلام در بلخ کشـــف گردیده است .

اما ادامه حفریات نسبت موجودیت آب ،برای فعلا به موانعی مواجـــه شده است .

داکتر طرزی میگوید :

ـ وقتی شرایط مطالعهٔ آثا ریکه در زیر آب قرار گرفته‌است ،مساعد شود .تا دوره یونانی ها و آریایی ها یعنی تا سه هزار سال قبل از امروز ،روشن میگردد .

وی سوالی را ، راجع به آمد ن آریایی ها ، درین سر زمین ،اینطور جواب میدهد :

ـ آمدن آریایی ها را در آسیا و اروپا، میتوان به‌اواخر دوره برونز واوایل دوره آهن دانست ، چه برای اولین بار در وقت آریایی ها بود ، که آهن کشف ومورد استفاده قرار گرفت و انسانها به سوار کاری و استفاده از اسپ پرداختند .

او در باره اهمیت تجارتی بلخ در قدیم میگوید :

ـ بلخ علاوه از زراعت ، از نگاه تجارت نیز اهمیت خاصی داشت،چه راه ابریشم ازین شهر می گذشت علاوه بر آن وقتی شاهراه تجار تـی آسیا (ابریشم) به بلخ باستان مـــی رسید .به دوراه علیحده تقسیم می شد که یکی بسوی با میان وتکسیلا ودیگری به سمت غرب تا دمشـــق امتداد می یافت .

امروز در شهر بلخ آثار باستانی وویرانه های زیادی دیده میشود که بقایای دوره های مختلف تاریخ این سر زمین می باشد .

در شماره آینده گزارش ما را ،در باره شهر با شکوه باستانی کـــه عصر ترین ساختمان های قدیم درآن کشف شده است ،مطا لعه میکند . این شهر (آی خانم) است.

ژوندون

بقیه صفحه ۱۹

قلت مواد غذائی

هفته بخورند تامقدار زیاد ترغله را برای استهلاك مردم محتاج جهان تهیه نماید ازطرف وزیر زراعت امریکا ازل بنز مورد استفاده‌قرار گرفت اما درمورد این پیشنهاد که جیره بندی اجباری مواد غذایی‌صورت گیرد **یك‌متخصص** وزارت زراعت امریکا چنین تبصره کرد· (فکر مکنم این امر اغتشاشات غذائی رادر سر زمین خود مابار خواهند آورد)·

۶ریفورم اراضی

بعداز جنگ دوم جهان اشغال جاپان از طرف امریکا به‌ملکیت اراضی ازطرف زمین داران غائب خاتمه دادوزمین‌را ذردست‌دهاقین که‌زمین راقلبه می‌کردند قرار داد. **بالنتیجه،** گرچه فارم های زراعتی جاپان کوچك می‌باشد **(هریك تقریباً بصورت وسطی‌صدم‌حصه‌وسعت** فارم امریکا) انگیزه ملکیت شخصی وهمچنین **سعی‌وعرقریزی زیادمردم‌جاپان دهاقین‌جاپانی** راچهار چند مولد ترنسبت به‌دهاقین سائر کشور های آسیائی ساخته است ·

اقدامات مشابه‌برای ریفورم ارضی‌در تایوان ،مصر ،ومکسیکو افزایش قابل ملاحظ تولیدات زراعتی رابا ر آورده است ·

باآنهم ساحات وسیع زراعتی در آسایا، امریکای لاتین هنوزدردست **مالکین‌غاصب‌قرار داده‌ودهاقین‌که واقعا ذر روی‌اراضی‌عرقریزی** مکنند انگیزه کمتری دارندتازمین های زراعتی را بهبود بخشند ·

درقسمت های مختلف افریقا کنترول جابرانه اراضی ازطرف‌روسای قبایل‌وقوانین ابتکارات فردی وسرمایه گذاری طویل المدت رادر زمین مختنق ساخته است ·

بهر حال چه‌در اراضی کوچك وچه در کوپراتیف های وسیع دهاقین انگیزه هائی مانند سهم درمفاد ملکیت زمین انگیزه هائی کمك به‌بهبودملت ،نیازدارندیکی ازمتخصصین ریفورم ارضی موسسه غذا وزراعت ملل متحد گفت ·

انسان گذشته ازهمه متمایل است تادر زمین خود بیشتر کار کند ·

۷ـ همکاری جهانی

اکثر ازمتخصصین مواد غذائی عقیده دارند که‌حل، بحران‌موجوده‌غذائی نیازمندیك‌پروگرام وسیع همکاری بین المللی می‌باشد ·آنهاامید وارند تا باین پروگرام به پیوندند ومبالغی‌را درعواید بطرول خودبه یك صندوق وجهی مخصوص زراعتی بپردازند تااز آن قرضه‌های دارای شرایط سهل به‌کشور های فقیر داده شود همچنین، ازتاسیس‌یك سیستم‌جهانی‌که **ازقحطی مواد غذایی قبل‌از وقوع‌آن‌اخطاردهد** سخن هائی زده می‌شود ·

پیشنهادات دیگری که‌زیاد تر مورد بحث قرار داردتاسیس **یك ذخیره غله‌جات‌می‌باشد تاکشور های گرسنه بتوانندرمواقع‌اضطراری** باآن اتکا نمایند ·

یکی ازمتخصصین اقتصاد زراعتی در **پوهنتون ایالت ایلونای گفت :**

ما مجبوریم تاسستمی راوضع کنیم‌که‌تحت آن‌بین ۱۰و۵۰ ملیون متریك تن‌غله ذخیره شود تادر مواقع اضطراری ازآن استفاده بعمل آید ·

ولی حلقه های محافظ کار زراعتی امریکا ازتاثیر **این سیستم‌مشکوك بوده‌اظهارمیدارند** که‌همچو ذخیره باید دردست **موسسات قرار** گیرد تاتا ثیر آن **بارز تر باشد .**

بهر حال همه مااین‌امر متفقیم‌که وقت‌آن گذشته است‌که‌پرابلم های‌مواد **غذائی ازطریق** صدور غله‌مازاد امریکا **به‌کشورهاازاین‌طریقه** میتواند حل گودد ·درس‌تلخی که ازاین طریقه گرفته شدنشان داد‌که این‌امرنه برای خود امریکا خوب بوده است ونه برای کشور های کمك گیرنده ·معهذا کمك های اضطراری باید خواهی نخواهی **باوجود مشکلات سیاسی‌و**ـ اقتصادی به‌کشور های‌محتاج‌درمواقع اضطراری ادامه یابد ·اما درعین حال آنچه که‌باید تاکید شود اینست که‌کمك ها طوری داده شود تا کشور های نادار راقادر سازداوضاع زراعتی خودرا بهبود بخشند ·طوریکه بسیاری از متخصصین، اظهار میدارند چینی ها برپرابلم **مزمن قحطی‌خود غالب‌آمدند بسیاری ازغربیها** تمرکز **مساعی چینی** هارا برای متکی شدن‌بخود درقسمت مواد غذایی **توصیف می کننـد** انتخاب طرقی که روی جهان **جهت حل** پرابلم های غذائی باز است‌کار صعب ومشکل است. **پروفیور ریچارد کاردنر استاد پوهنتون** کولمبیا **عقیده** دارد که‌اوضاع جهان جدی است که‌کشور های انکشاف یافته وکشور های رو بانکشاف باید یك **پیمان** ذات بینی را برای زنده ماندن خود عقد **نمایند بایدبه‌کشورهای** **تولیدکننده مواد غذایی تضمین داده شود که** مواد خام شان‌به‌بازار های‌کشور های انکشاف یافته دربرابر قیمت های **مناسب‌رایابند وهم** مهارت های اداری وسرمایه کشور های **انکشاف یافته به‌کشور های روباانکشاف‌سرا** زیر شود تحت **این نوع‌موافقت‌های دوجانبه** کشور های انکشاف یافته مجبورند تامطابق یك‌سلسله نورم حرکت نمایند ·

به‌گفته‌دان پالبرك‌متخصص اقتصادی وزارت زراعت امریکا حل همه این پرابلم های جهانی میسر شده میتواند درصورتیکه همکاری جهانی موجود شود ·

امایك سلسله **مسایل چون انفلاسیون** بجهان بیرون‌ازخود فکرمیکنند افکارونظریات **شدید پرابلم های حاد داخلی وحس ملیت** شان بیشتر تحت‌تاثیر منافع ملسی‌خودشان خواهی شدید بسیاری از کشور هارا بخود وسیاست بیلانس قوه قرار میگیرد تحت‌چنین متوجه ساخته است ،هنگامیکه این کشور ها شرایط همکاری جهانی نهایت‌مشکل خواهدبود

بقیه صفحه ۶۰

سوفیالورن

بیدار میکند وروی بستر با او ساعت تیری میکنم . بعدطفل‌راغذا داده وصحبانه‌راترتیب نمایم، تلویز و ن می بینم، برادیو گوش‌می دهم، نقاشی میکنم ، آببا زی می نمایم،ویا برای نان طر حی می ریز انم، بر خی موارد کتاب می خوانم، ویا برای دوستا ن نا مه می‌نوسم وبعضی او قات می نشینم و قتیکه کارو ل ساعت ۷و۳۰ دقیقه از کار بر گشت مدتی باسیپی بازی میکند وبعد نان خورده‌می خوابم·

کارو ل یگانه مردی دست که‌میخواستم·

اوهمه چیزم است ، شوهر، عاشق ، رفیق، نگهبان، و پناگا هی برای روز های توفانی ، اکنو ن عمیقتر از گذشته او را دوست دارم زیرا برایم سیبی وادواردورابه ارمغان آورد· من از اینکه کارو ل رایافتم خودراخو ش بختربن زن دنیا احساس می کنم·

مردمن باید مهربا ن، ظریف بذ له گو، هوشمند و آگاه بلشد· و کارو ل چنین است· او بسیار احساس،و قدر تمنداست، او مشکلاتی راکه من قادربه حل آنها نیستم بمیان نمی گذارد وبه این ترتیب اومانندیك پدربزرگ وقوی است ·

روی بر خی مسایل مناقشه داریم بیاد دارم که روزی روی مساله ای دو سا عت گپ‌زدم رفت و فردا همه چیز فراموش شده بود·

من‌یك‌زن کا ملا و فادار برایش هستم‌نه ازلحاظ اخلاقی بلکه بخا طر اینکه‌نمی خواهم مرد دیگری تا هنگا میکه دوست ندارم نمی گذارم بمن دست بزند و تمام عمرم کارول رادوست داشته ا م وباز هم اگر احساس کنم که‌بمن وفا دار نیست ترکش میکنم·به این اصل که مرد هر چه می خواهدبکندوزن نکند، عقیده ندارم ·

من یکزن آزاد هستم البته در چو کات نظر خودم کار میکنم ، پول پیدا میکنم‌وبدون اوهم نمی توانم بخو بی‌زند گی کنم‌هرلحظه بدون ترس از تنهایی می توانم اورا ترك کنم ولی این دائمی خواهم·

طلاق در صور تیکه دو نفر با هم خوش نباشند ضرور ت‌است ·بنظر م به ترین الو روی طفل ماندن دریك ازدواج نا ساز گار است · فقط طفل نمی تواند پیوند زنا شو هری رامستحکم سازد و تداوم این‌کاربه خاطر اطفال برای هر دو وحتی طفل ویران کننده است ·

بر خی زنان آرزو دارند تابه سن‌دلخواه خودباقی بمانند و چون این آرزو خلاف قوانین طبیعی است آنان سعی میکنند تابا پایین گفتن‌سن خوداین خلاء راپر کنندولی‌از این‌نیرنگ هم‌نمی توان کاری سا خت ·

من نمی تانم راجع به سنم دروغ بگویم زیرا آثار آ ن‌به چهره ام اثر گذ اشته‌است واز طر ف دیگر نمی خواهم درسن به‌اصطلاح توقف کنم·

ازطر ف دیگر معیار های سنی در جامعه مافرق می نم[illegible] واین معیار ها درموردمردان **وزنان فرق میکند پیروی مرد را (شخصیت)** میدهد **ولی برای زنان (آثار سقوط).**

بقیه صفحه ٤٩

آناتولی کارپف

فرانسه از پاره‌ای استادان نامی خارجی شطرنج تقاضا کرد که عقیده خود را درباره نتیجه احتمالی‌مسابقه کار چنوی و کارپف بیان نمایند .

یان تیمان ـ

(از هلند) اظهارداشت کارچنوی بهر حال مانند سابق با ضیق وقت مواجه میگردد ودر مسابقه سخت‌و طولانی احیانا تفاوت سن تاثیردارد (سن او۲۰سال ودوماه زیادترازسن رقیب وی‌میباشد).

برعکس کارپف باسانی وبا نیروی ذخیره زیادی بازی میکند وبهمین سبب هیچگاه با کمبود وقت جهت تفکر روبرو نمیشود . همین موضوع ،بعیقده این استاد شطرنج هلندی ،تفوق آناتولی کار پف را نشان میدهد .

اولف اندر سون

ازسوئد وهمچنین لایوش پور تیش ازمجا رستان معتقد ندکه شانس‌آن دو رقیب تقریبا یکی است ،امااولا ستمیل گورت استاد شطرنج چکو سلواکی به‌حالت دائمی ورزشی بسیار خوب کارپف عطف توجه میکند (این مطلب بهر حال در مسابقه المپیك هم تائید گردیده است).

ضمنا گورت عقیده دارد که کار چنوی در نیتسس تا اندازه ای نیروی خود را حفظ میکرد چون میدید که تیم شوروی حتی بدون (امتیاز های اضافی وی مقام‌اول‌را بدست خواهد آورد، گورت تائید مینما ید که مبارزه ای که در اواسط ماه سپتامبر در مسکو شروع خواهد شد به (مبارزه اعصاب) مبدل خواهد گردید.

ازدوستان

مرز: فرید دهناد طهماس

نیست باورت؟

آمدی جفا کردی ،رفتی ووفا بردی
رفتن وفا بنگر ،آمد جفا رابین
دست برفلك دارم دیده در نگاه تو
ای زراه چشم من لحظه‌ای خدارا بین
هرکجا روم بیتو سبزه رویداز اشکم
نیست باورت ؟ بامن آوهر کجارابین
صبح آرزو شامست این گدای وصلت‌را
صبح این‌گدا بگذار شام این گدارا بین
عشق بحرودل قایق ناخدا تونی دلرا
ای‌خدا! درین توفان خواب ملاح‌را بین
ازدو دیده می‌بارم خون‌چو سرخ مرارید
ای بهای عمرمن! دربی بهارا بین

دراوصاف زلف معشوق عدیم

عدیم

بلای کافرستان است زلفش
بقصد ضبط ایمان است زلفش
دلم برده خط وخال‌لب‌او
کمند گردن جان است زلفش
چنان باد صبا ونافه چین
نسیم عنبر افشان است زلفش
بدور گلشن روی دلافروز
تو گوی سنبلستان است زلفش
بگرد قامت قلب صنوبر
مثال عشق پیچان است زلفش
زروی پرده عصمت مابی
حجاب روی خندان است زلفش
چو بخت شورو روز تیره می
بهر جانب پریشان است زلفش
بقربان گاه میدان شهادت
سرم چون گوی وچوگان است زلفش
دلم درپنجه عشقش اسیر است
سرچاه زنخدان است زلفش
بدور شمع رخسارش عدیما
توبنداری شبستان است زلفش

فضل هادی محصل پوهنځی طب :

ناله یار

آنچه از نعمت ممتاز جهان میخواهم
بیم دردل نظری جانشین از دور کنم
هیچ باور نکند گرچه بگویم او را
تاکه پیدا شودش ارزش پابوس کسی
سال دوم بود ازریشه مهرت بد لم
گر ستمکار شوی بردل من‌خوب بدان
دربرج این دفتر شوقست‌سراسرمهرت
ورجفا پیشه شوی در بدلش من‌خودرا
(هادیم) یار بس وفکر دگرنیست‌مرا

صحبت دلکش آن مونس جان میخواهم
چه‌توان گفت که اورا به‌چسان‌میخواهم
من آواره بیتاب وتوا ن میخواهم
خون دل دورهٔ این شوق روان‌میخواهم
هرکه بر میکندش دادن جان میخواهم
یاری از نا له وفریاد وفغا ن‌میخواهم
گرچنین است مرابرتو چنان‌میخواهم
ناله کش نوحه گر ونعره‌زنان‌میخواهم
من نه‌باغ وبهشت ونه جنان میخواهم

دوکتور محمد عزیز سراج

مقدرانسان ...

مکن کاهش توبرغم های فردا
که فهمت نیست فردایت چه باشد

اگر وصل است یا هجران کی داند
نصیب آن بجانان که باشد

مرا گفتند شری در قبال است
توان را شر بدانی شرنه باشد

تو پنداری که کارت نیست احسن
بظاهر قبح درباطن زه باشد
ترا مقصد اگر دنیای دون است
اگر اینست مطلب آن چه باشد

بظاهر نازو درباطن نیاز است
نیاز من مگر نازت نه باشد
همه کارم در اول رفت از دست
نمیدانم که انجا مش چه باشد

همان ذاتی که هستم کردو هستت
خودش داند که تقد یرت چه باشد
توهم بسیار کارت بر خدایت
که بالاتر ازآن قدرت نه باشد
اگر طفلی اگر بر نا وگرپیر
خدا در هر زمان یارت به باشد
(عزیزا) درکتاب هست وبودم
نه فهمیدم که تفسیرش چه باشد

از :عبدالواحید (فقیر زاده)

تمناخشکیده

گل وفازدست توبی وفا خشکید
زسوز عجز تمنا بکام ما خشکید
بسوك رفتنت ازجوش‌وبیقراری دل
سمابگریه شد واشك درقضاء خشکید
دگر به میکده ساز وسرود بایدخو ش
که دست نازك مطوب به‌تارهاخشکید
به‌محفلی که‌بیاد تومی کشان بودیم
بانتظار تو چشم امید ما خشکید

بیاوو صل خودای شوخ کن میسر ما
که دست من‌بامید شب‌حناخشکید
دگر به‌عمر نبینی وصال یار (وحید)
که تارو پود. تواز هجر مه لقا خشکید

اثر علیشاه ـ ناشاد ـ

آتش‌غم

پر از رشك پر یشا نیست دامانیکه من دارم
گرفته‌آتش غم قلب بریانی‌که من دار م
گر آید بر پر سانم ز رو ی لطف‌و دلداری
فدایش‌میکنم ایدوستان جانیکه من دارم
نکرده هیچ در عمر ش بحال‌ابترم رحمی
نگار بی‌وفا و مسست پیمانیکه من دارم
بخوانی گر تو شعرم زا شو ی واقف‌ز احوالم
پر ازاشعار سوزانست دیوانیکه من‌دارم
کشیده سالها جورش دل غمدیده«نا شاد»
بخون دل‌کنم مملو لب نان که من دارم



بقیه صفحه ۷

شهرت دوگانه

سینمای هند است استفاده میکند و قسمتی از شهرت خود را مدیون تمثیل گیرنده و جالب اوست.

اکنون که (وجی انند) نردبان شهرت و موفقیت را در کارگردانی می پیماید و بقدر قابل ملاحظه ای خودش را مشهور ساخته میخواهد شهرت خود را از راه تمثیل واکت تکمیل سازد دیده شود این دایرکتر مشهور چه گلی را باب خواهد داد.

(وجی آنند) تاآنجاییکه خود شی اعتراف میکند در کار سناریو نویسی و دائر کشن تا لبا از یک شیوهٔ بخصوصی که می توان و جه آنرا نزدیکتر باطرز کار(چتین آنند) مشاهده کرد پیروی می کند وعقیده دارد که باید سناریو های فلم های هندی از حالت موجوده که درمقارنه یك تسویه ست بیرون کشیده‌شود

وباید در سناریو ها وجوهی‌شامل کرده شود که ضرورت مبرم حیات اجتماعی مردم است اما این پدیده باید طوری ترسیم شود که در آن نوآوری و ابتکار محسوس باشد.

(وجی آنند)در موردفلم کوراکاغذ ابراز نظر نموده که فلم کورا کاغذ بایك موضوع عمیق و پر مفهوم می تماس داشته، و یکی از پرابلم های عمدهٔ زندگی فامیل ها را بازرف نگری خاصی بشکل کاملا طبیعی آن بروی پرده آورده که در آغاز محدودیت صحنه ها مود روز وطرف پسند اکثریت مردم باز یکران‌حاضر بایفای نقش های ان نبودند که این موضوع مایه تاسف عمیق است مخصوصا برای انعده‌از هنرمندانیکه ادعای خدمت نرزی را میکنند.

اما وقتی فلم ماند و ایفا گری نقش اول ان بدوش خودم و منهم چارهٔ خود را در برابر این ما مول حضر یافتم دست بکار بازی نقش اول فلم زدم که سر انجام‌کورا کاغذ بسرعت ناقابل تصور ببازار آمد وبعدا در اصطلاک ذهن بینند گان فلم پذیرفته شده از آب درآمد آنوقت امیدوار شدم که مردم تنها متمایل بفلم های سکسی وپرازد وخورد نیستند و هر نوع فلم را می‌پذیرند مشروط بر اینکه در ان پرداز کار های هنرمندانه و جلوه های پر فروغ هنری بکار رفته باشد.

او میگوید تازه از فلم کو را کاغذ این نتیجه برایش حاصل شده است که هنرمندان موجودهٔ سینمای هند باستثنای چند نفر محدود دیگران فقط بپول فکر می کنند که شدت این اندیشه در فلمسازان بمراتب بیشتر است او می گوید اگر چارهٔ بمنصهٔ عمل نیاید سینمای هندمواجه به شکست و زوال خواهد شد که البته این زوال مادی وپولی نیست بلکه استخفای قدرت هنری و زوال هنرمندان حقیقی خواهد بود.

بقیه صفحه ۹

مددگاران اجتماعی

میدانید تغیر دادن ذهنیت عامه نیزکارآسانی نیست ایجاب تحولات پیگیر وبنیادی رادارد وسهم گیری فعالانه تمام قشر روشن ،ما امیدواریم اکنون که‌تحولات‌بنیادی درتمام‌شئون زندگی مردم مافراهم آمده است در سایه قوانین وضابطه‌ها ی مترقی وبا فعالیت‌گسترده تمام زنهای روشنفکر محیط بتوانیم هر روز گامی وسیع‌تر دراین راه برداریم تاآنجا که حتی به دور دست ترین روستای کشو رنیز نمایندگان داشته باشیم این راهی است جالب ابتکاری ودر خور ستایش‌است. که موسسه درپیش دارد و به آن روان است.

ازمنبع معلومات دهنده واز اعضای فعال مددکاران اجتماعی تنویر افکارازجانب‌ژوندون تشکر میکنیم ووعده میگذارم که روزی خبرنگار خانواده‌گی این‌مجله‌همراه با آنان شیوه کارشان رادر میان خانواده ها مورد مطالعه قرار دهند وبعد از شعب کودکستان وشیر خوارگاه موسسه دیدن میکنیم که‌واقعا جالب وابتکار شان ودرخور ستایش است.

بقیه صفحه ٦

تشنجات شرق‌میانه

از آنرا موردعمل‌قرار داده‌اندچنانچه در مسافرت اخیر نکسن به اتحاد شوروی موافقتنامه همکاری انرژ ی غیر ذروی امور خانه‌سازی وتحقیقات علمی راجع به قلب بین طرفین امضا شد در سال ۱۹۷۲ هر دوکشور موافقتنامه‌های همکاری‌های خودرا در رشته ساینس تکنا لوژی و تحفظ محیطی امضاء کردند که این موافقتنامه ها اگر هم قد می بسو ی محدود شدن سلاح ذروی نیست بدون شك گامی بجانب محدود ساختن اختلا فات بین دو کشور به حساب می آید و یقینا با تطبیق این موافقتنامه ها گا م های مقد ماتی واساسی درراه حل مسایل مشکل‌تر بین دوکشور بر داشته میشود .

در اخیر باید گفت که ملاقات و مذاکرات فورد با بریژنف شاید باز هم در مورد محدود ساختن سلا ح ستراتیژیك ذروی به نتیجه مثبتی نرسد چه این سفر درست و قتی صورت میگیرد که معضله شرق‌میانه یك بار دیگر اوج گرفته و مبصرین سیاسی راجع به آن ابراز نگرانی مینمایند بدون تشنجات شرق‌میانه تصادم بین‌اسرائیل واعراب‌این‌دوقوه بزرگ راهم وادار میسازدتابه‌نحوی‌از انحادرآن‌اشتغال‌ورزندبنا درچنین‌یك حالت این دو کشور روی معضله‌ایکه چند سال نتوانست راه حل یابد به این سادگی به نتیجه ای نخواهند رسید و لی اگر هم موافقتنامه را در این زمینه امضاء کنند یقینا این موافقتنامه در امر تامین صلح‌وامنیت در شرق میانه و برای حل معضله‌این گوشه جهان خیلی‌مفید وموثرخواهد بود واینجاست که گفته جرالد فورد مبنی برین‌که« میل ها مسافه رابرای صلح می پیماید و یك گام هم درراه جنگ برنمی دارد» مصداق پیدا می نماید .

بقیه صفحه ۱۵

اعصاب . . .

حیاتی بشمار میروند .

آن ویتا مین ب(نان ، برنج، جگر) وویتامین سی (میوه ، سبزیجات تازه و ترکاری) کلسیوم (شیر،پنیر روغن زیتون) از ضروریات مهمه

پنج قواعد و رهنمای خوب‌حیاتی: تنها ترتیب مواد غذایی فوق برای سلامتی ونشاطی وجود کفایت‌نمیکند بلکه طرز زندگی لازمه طوریکه لازمست تغذیه کرد وازجانب دیگر عنعنات قدیمه را واگذار وبسوی جهان نو وطرق جدید گشت ، پنج قواعد زیر که از جمله ضروریات راحت روح و تقویه عصاب بشمار میروند چنین اند :

۱ـ خواب که ماساژ اعصاب شمرده میشود لازمست تا مکمل ووقت منظمی داشته باشد . باید بخاطر داشت که تمام عصبانیت ها از بیخوابی نشأت کرده‌وسرچشمه میگیرند .

۲ـ تنفس هوای تازه راز طول‌عمر عامل زیبایی و علاج بسیاری از کسالت مخصوصا خستگی است با قدم زدن، سپورت وادمان آزاد را در پروگرام خویش شامل ساخته که نسخه مجرب کاهلی هاو کسالت های روحی و جسمی بشمار میروند.

۳ـ تمرینات فزیکی ، حرکت که جز مهم حیات پیر و جوان بشمار میرود میتوان آنرا درکار سراغ کرد لهذا از کار های فزیکی(نه خیلی ثقیل هراسی نداشته بر خلاف به تقویه عضلات خود بیافزاید .

٤ـ چشم پوشی از دخانیات و مشروبات الکولی ، زیرا تمباکو از بدن و یتامین ها را نصوص‌وویتامین سی را از بین برده ووجود رابه کسب امراض تحریك میکند .

٥ـ استراحت و میله ها ، این هم بذات خود در تقویه سیستم عصبی ما وکسالتهای یك هفتگی رول مهمی را بازی میکند .

دزلتی مطبعه

د سیف الدین لودین کتابتون
کتاب پر لیسې شمېره



